

گزارش هیات سیاسی

به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

خلق ایران (اکثریت) نیز در این شماره به چاپ میرسد. بدین ترتیب اکنون اسناد پلنوم بطور کامل انتشار یافته است. مجموعه این اسناد بطور جداگانه بصورت یک مجله نیز منتشر خواهد شد. در صفحات ۴ تا ۱۴

در شماره گذشته که ویژه پلنوم انتشار یافت، مجموعه قطع نامه ها و بیبا مهای مصوب پلنوم به جز بیبا م به مردم جهان در باره زندانیان سیاسی ایران به چاپ رسید. بقیه اسناد مصوب پلنوم مهرماه ۱۳۴۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان

درباره برنامه و فراخوان ما برای جبهه متحد خلق

دستور بنیادین پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تعیین و تصویب خط مشی سیاسی و برنامه سازمان برای جبهه متحد خلق در مرحله کنونی جنبش انقلابی کشورمان بوده است.

پلنوم با بررسی روندهای عمده سیاسی - اجتماعی در دوران پس از پیروزی انقلاب بهمین و تدوین و تصویب قطعنامه "در باره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران" شالوده برنامه و خط مشی سیاسی سازمان را در مرحله کنونی مبارزه مشخص کرد. بر همین پایه و با بررسی وسیع اوضاع سیاسی کشور که چکیده آن در قطعنامه "اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر" بیان شده است، پلنوم قطعنامه "در باره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" تصویب کرد. "برنامه ما برای جبهه متحد خلق" را تصویب کرد. این اسناد بسیار مهم که چکیده تحلیلها و تجارب سازمان ما و جنبش انقلابی کشورمان را بر متن روندهای سیاسی - اجتماعی کنونی متبلور میسازند، راهنما و راهنمای شناخت وظایف جنبش انقلابی کشور ما و توضیح دهنده شیوه های ضرور و بنیادین بسیج نیروهای خلق برای انجام این وظایف اند.

در بند نخست قطعنامه "درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" سمت اصلی و جوهری سازمان بطور فشرده بشرح زیر بیان شده است:

"سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران است. شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را هدف عاجل خود قرار داده و در این راه بیگناهی میکند. سطره ارتجاع برکشور به مانع عمده راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده است. شرایط دستاویزی به این آماج ها و جهت اصلی مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پایان دادن به حاکمیت ارتجاع است."

وظیفه عمده ما در راستای آماج فوق اسرور افعال هرچه گسترده تر ارتجاع، بسیج مردم و تدارک نیروهاست. در قطعنامه "اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر" این وظایف بنیادین بطور مشروعبصری و درجتها تگوناگون مشخص شده است. برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و پیاده کردن آماج های بنیادین جنبش، همچنین بیگناهی راه اتحاد سازمانها و نیروهای انقلابی، ضد امپریالیسم و دموکراتیک و تشکیل جبهه متحد خلق اهمیت سرنوشت ساز دارد.

سازمان ما که خود همواره مبارزه در راه اتحاد نیروها انقلابی و ترقیخواه را جزو مهمترین وظایف خویش قرار داده است، تا کید میکند که این مبارزه باید سر حلقه کوششهای همه این نیروها قرار گیرد. بر همین پایه در بند ۲ قطعنامه مربوط به خط مشی سازمان ما آمده است:

۱۶ آذر بنام روز دانشجو، مظهر ایمان به راه مردم و آشنی ناپذیری و مبارزه ایثارگرا علیه دشمنان مردم ویرج غرورآفرین مبارزه انقلابی دانشجویان است.

در تمام دوران ستم شاهی دانشگاه سنگر مهم و تنخیر ناپذیر مبارزه علیه فئان و آزادی کشی و سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی رژیم بود. در تاریکترین روزهای دیکتاتوری، زیر فشار جنیمی ساواک، کار دانشگاه و دیگر نیروهای سرکوب وزندان و شکنجه و اعدام، شلخته و پرتو افشان بود. دانشجویان از سنگر دانشگاه در دوران انقلاب دانشجویان اغلب در صفوف مقدم تظاهرات و مبارزه توده ها جای داشتند.

پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به مناسبت شصت و هفتمین سالگشت
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر
در صفحه ۳

پیام پلنوم کمیته مرکزی به جهانیان درباره زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۳

مبارزه دهقانان علیه بازگشت بزرگ مالکان تشدید می شود

حکومت در واقع با این اقدام زمینه مناسب را برای رشد مینداری بزرگ بطور قاطعی فراهم نمود. این سیاستها و اقدامات ارتجاعی سبب گردیده است که بخش قابل ملاحظه ای از زمینهای ناچیز ما در شده و واگذار شده به دهقانان، به بزرگمالکان بازگردد. یکی از اعضا ستاد مرکزی هیئت واگذاری زمین درصاحبه ماکیان (عقدم شهریورماه ۶۳) در پاسخ به سؤال خبرنگار که می پرسد: "قسمت عمده اراضی که توسط هیئت واگذاری زمین واگذار شده مانند اراضی گشت موقت ۲۰۰۰ تا در حال واگذاری به مالکین سابق می باشد" چنین پاسخ میدهد: "..... ما می بینیم متاسفانه در بعضی جاها در دادگستریها با اینکه تصویب دارد و پرونده نشان میدهد که این زمین در سال ۵۸ و ۵۹ در دست زارعین قرار گرفته و الان هم در اختیار آنهاست ولی حکم به خلق بد، زندان، حکم شلاق می دهند و با سنی مواردی است که ما روزانه با آن درگیر هستیم. خبرنگار همچنین می پرسد: "بعد از توقف سند (ج) و (د) آیا مواردی که اراضی گشت موقت به مالک سابق مسترد شده باشد وجود دارد؟" او پاسخ میدهد: "البته اگر منظور آن ارضال ۵۹ به بعد باشد، بله در مواردی، نادکاها حکم دادند و مالک هم سرزمین خود رفته و مشغول کار شده...".

در قطعنامه پلنوم مهرماه ۱۳۴۳ کمیته مرکزی سازمان اوضاع سیاسی کشی شور، در حال حاضر "آمده است: "سیاست ارتجاعی و ضد دهقانی هیات حاکمه به تشدید ورتنگگی اقتصاد کشور و مهاجرت توده های دهقانان منجر شده، توده دهقانان علیه این وضع سه اشکال مختلف در برابر کشور ما ریزه میکنند. سیاستهای حاکمه دایر بر دفاع از بزرگ مالکان، مقاومت و اعتراض دهقانان ر روسروست. رژیم بسیاری از دهقانان را خاطر مقام مسئولیت در برابر مالکان بزرگ به زندان افکنده است. مبارزه علیه بزرگ مالکی و بطور مشخص علیه بازگشت بزرگ مالکان به روستاها عمده ترین وحادترین موضوع مبارزه دهقانان است.

اطلاعات ارضی این خواست مهم توده دهقانان و مسئله اساسی انقلاب را رد قانون هفت بار آرا کشیده مصوبه مجلس، توسط شورای نگهبان در سال ۶۱ و حمایت آیت الله خمینی از آن تورا متروک شد. بعد از آن نیز با صدور فرمان ۸ ماده ای زمینه قانونی بازگشت بزرگ مالکان به روستاها هموار گردید و تدریجا بزرگ مالکان تحت حمایت ارگانهای سرکوب رژیم به بازگشت زمینهای خود که دهقانان زحمتکش در جریان انقلاب و پس از آن از آنها محاربه کرده بودند و آنها فیکه هیئت های هفت نفره در سال ۵۹ واگذار رنموده بودند، پرداختند.

در اواخر سال ۶۲ رژیم با تصویب ماده و هجده مربوط به زمینهای موقوفه مالکیت دهقانان و بازرگ ملاک و فنی واگذار شده به دهقانان صاحب نسق را غیر "قانونی" اعلام کرد. غلط این تصمیم قرار بر این شد که مجدداً با حفظ مصلحت وقف با "متصرفین" اجازه نامه تنظیم شود. در اوایل سال ۶۳ نیز هیئت دولت طی تصویب نامه ای تصمیم گرفت به دا و طلبان سرمایه گذار ودر کثا ورزی، به مقدار دلخواه آنان زمین واگذار کند.

انقلاب اکتبر: رویداد دوران ساز

"ما اعلام می داریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و بنا بر این بوده است از جانب روسیه و دولت انقلابی وی سارت در انتظار شما نیست بلکه از جانب زندگان امپریالیست یعنی از جانب آنهاست است که میهن شما را به مستعمره توهمین شده و تا را پیرفته خویش بدل ساخته اند" لنین

دانشگاه یکی از کانونهای تجمع مردم، میتنگها و فعالیت انقلابی شد و دانشجویان در انقلاب بزرگ مردم ایران نقش خویش را بگونه ای افتخار آمیز ایفا کرده، شهادت بسیاری تقدیم انقلاب کردند. دانشجویان انقلابی در مبارزه برای تحکیم و تعمیق انقلاب، افتخارگر وظیفه های ضد انقلاب و آگاه کردن مردم از ناپیگیریها و خطراتی که انقلاب را تهدید میکرد، نقشهای سزا داشتند.

جنگ را قطع کنید، مردم صلح می خواهند

بقیه در صفحه آخر

بقیه در صفحه ۲

درباره برنامه و ... بقیه از صفحه اول

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی در جبهه متحد خلق برای تشکیل یک دولت انقلابی جهت تحقق آماج های دموکراتیک و ملی مبارزه میکند ...

مواد چهار، پنج، شش و هفت قطعنامه خط مئی سازمان ما هر یک اختصاصی دارد به دعوت سازمان با گروه های معینی از نیروهای انقلابی و ترقیخواه اتحادیسمان مشترک در راه تشکیل جبهه متحد خلق ...

پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما در بند ۴ قطعنامه مربوط به خط مئی " متعین سازمان دموکراتیک و آزادی و عدالت اجتماعی " علیه امپریالیسم و ارتجاع حاکم و در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی " دعوت کرده است ...

پلنوم با توجه به ویژگیهای ایدئولوژیک سیاسی این نیروها آنان را " بسوی همستگی با جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و مبارزه علیه انتصاب طلبی " فرا خوانده است ...

در بند ۵ قطعنامه فوق، پلنوم " سازمان معاهدین خلق ایران را به " همکاری و اشتراک مئی برای پیشبرد مبارزات خلق ایران در راه دموکراسی و بخاطر تامین عدالت اجتماعی " دعوت میکند ...

دو سازمان در استمرار صلح و علیه اختناق و ارتجاع حاکم بر کشور امکان همکاری دوسازمان را فراهم آورده است ...

در بند ششمین اعلام حمایت مجدد از " مبارزات حزب دمکرات کردستان در راه تامین خودمختاری برای مردم کردستان " تاکید شد که " گسترش مناسبات و همکاریها بین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکرات کردستان بسود خواستهای دموکراتیک خلق کرد و تمام مردم ایران است ...

همچنین در بند ۷ قطعنامه از " مسلمانان مبارزی که با شعار آزادی و با ایده آل های استقلال طلبانه و عدالت خواهانه در انقلاب شرکت داشتند و به آرمانهای خود وفادارند " برای " اشتراک بساعی با دیگر نیروهای ترقی خواه " دعوت شد ...

یکی از دستاوردهای بزرگ و بنیادین پلنوم همراهم کمیته مرکزی سازمان ما تصویب برنامه سازمان برای جبهه متحد خلق است ...

برنامه ما برای جبهه متحد خلق، که شامل هفت فصل و سی و سه بند است، همه آماجهای عمده مبارزه مردمی منبهم ما در این مرحله از تکامل جنبش را یک به یک مشخص کرده است ...

جنبش ما و بیانگر سمت اصلی حرکت و آماجهای عمده مجموع جنبش انقلابی کشور ما است که بسیا مهم و راهگشا در راستای بنیکار بخاطر اتحاد نیروهای انقلابی، دموکراتیک و گسترش امپریالیستی، تشکیل جبهه متحد خلق و گسترش پیروزمندان مبارزه علیه ارتجاع حاکم است ...

ما اعتقاد راسخ داریم که همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییستی میتوانند والاترین آماج های مردمی خود را در این برنامه بیابند و در برپوی آن نقش هر چه موثرتری درشد و گسترش مبارزه ایفا کنند ...

برنامه و خط مئی سیاسی ما سطره ارتجاع را کشور را مانع عمده در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام میکنند و بایان دادن به حاکمیت ارتجاع را " شرط ضرور برای رسیدن به این آماج ها اعلام میکنند ...

این حال با واقع بینی انقلابی مسلمانان مبارزی که خارج از سازمانهای انقلابی و ترقیخواه اپوزیسیون در کشور و از جمله در نهاد های حکومتی فعالیت میکنند و سر پایه وفاداری به آرمانهای ترقیخواهانه خود به مبارزه علیه ارتجاع حاکم کشیده میشوند راه اتحاد با دیگر نیروهای ترقیخواه دعوت میکنند و جای آنان در فتنیروهای جبهه متحد خلق مشخص کرده و مورد تاکید قرار میدهد ...

ما بایان دادن به حاکمیت ارتجاع را جهت اصلی مبارزه سازمان اعلام میکنیم ... در عین حال از جا پد کردن شیوه مبارزه در راه تدارک

نیرو، که وظیفه کنونی جنبش است برهیز میکنیم و متناسب با سطح تکامل مبارزه خود ها کار بست همه اشکال موثر مبارزه را ضروری میدانیم ...

اینکه مبارزه مردم از چه راهی و با کدام شیوه ها مراحل تکوین و تکامل خود را میپیماید امری است که نه به اراده ما بلکه به منطق تکامل واقعیات عینی بستگی دارد ...

برنامه ما برنامه طبقه کارگر برای جبهه متحد خلق در این مرحله از تکامل جنبش است ... این برنامه نه سر پایه نفی خواستهای نیروهای از صفوف جنبش، بلکه با توجه دقیق به منافع همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میزاییست، منطبق بر شرایط جامعه و جنبش تنظیم شده است ...

پذیرش احزاب، این برنامه توسط نیروهای جبهه خلق، نه اعتقاد ما جنبش را به بهترین نحو برای شناخت و انجام وظایف محیز میسازد و ما در این راه مبارزه میکنیم ...

حالا ما پذیرش برنامه خود برای جبهه متحد خلق را شرط همکاری و اتحاد با دیگر نیروهای ترقیخواه قرار نداده ایم و چنین شروطی را در متفاد با تلاش برای اتحاد نیروهای ترقیخواه میدانیم ...

سازمان ما در سر آغاز برنامه مصوب پلنوم اعلام کرده است: " سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این برنامه را بعنوان برنامه این جبهه (جبهه متحد خلق) پیشنهاد میکند ...

و آمادگی خود را برای مذاکره با سایر نیروهای ملی و دموکراتیک ایران به منظور دستیابی به برنامه مشترکی که مورد توافق همه آنان قرار گیرد اعلام میکند ...

اکنون این برش پیش نیاید که نیروهای انقلابی و ترقیخواه کی و چگونه باید حل مسائل و انجام وظایف طریخورد در زمینه تامین اتحاد ضرور در جنبش بکشند؟

به اعتقاد ما هیچ زمانی برای انجام این وظایف ضرور نیست و هیچ شیوه ای هم مناسبتر و موثر تر از تماس مستقیم و گفتگو برای حل مسائل نیست ...

بزرگترین ضعف جنبش انقلابی کشور ما در طول تاریخ معاصر پراکنندگی و عدم اتحاد آن بوده است ...

کار میبایستند تا میان نیروهای مردمی تخم بند بینی و نفاق بپراکنند آنها را از نزدیکی و اتحاد با یکدیگر بدین و در هراس بارند ...

با هزاران توطئه در راه نزدیکی و اتحاد آنان مشکل ایجاد کنند ...

سختی، فداشی ستیزی و مجاهد ستیزی بهره گیری نفاق افکنانه، از مذهب و ملیت دامن زدن به توهمات گوناگون در میان نیروهای سیاسی ترقیخواه، برآه انداختن ستیزه و رقابت فرساینده میان نیروهای مردمی و تلاش برای درگیر کردن آنان با یکدیگر، تلاش برای تکه تکه کردن سازمانهای انقلابی و مبارزه با اهداف تضعیفی بی اثر کردن آنها، همه و همه شیوه های است که ما بطور روز مراه شاهد کار بست آنها از سوی دشمن هستیم ...

همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه باید بیش از پیش این تلاشها و خردهای امپریالیسم و ارتجاع را باز شناسند و جاه و با تمام توان برای خنثی کردن آنها بکوشند ...

امروز شرایط عینی و ذهنی مساعدتری برای نزدیکی همکاری و اتحاد نیروهای انقلابی و ترقیخواه فراهم میشود ...

بقیه از صفحه اول
سیاسی را در دانشگاه بختگان، بیوند آنرا با جنبش دوده ای قطع کند وزیر شعارهاست چون بیوند دانشگاه و روحانی و بیوند

دانشگاه و فقیه " محیط سیاسی و آموزشی دانشگاه را به کنترل خود آورد ...

انحمن سیا ساخته جنبه وطلادان " اوسن جهت محو هرگونه فکر و فعالیت انقلابی ...

کردن دانشگاه را محیط سیاسی کشور و زدودن آن از اندیشه و آموزش علمی ...

و حیات آمیزی فروگذار نکردند ...

از دانشجویان و استادان تفرقی و مبارز را در دانشگاه اخراج شدند ...

مبارزه در راه مردم نداشتند دستگیر کنججه و اعدام و سر نه نیست شدند ...

پس از بازگشتی نیز معدود دانشجویان بازگشته و پذیرفته شدگان جدید، با وجود تمهین سنگین و گذاردن فاشیستی ترین تفتیش عقاید و تحقیقات پلیسی ...

در امروز وفردای خود تدارند ...

از جنبه اسلامی گنا نیست تا آنان راه اخراج و بایه زندان بکشند ...

زبانهای جریان نابذیر تعطیلی دانشگاه، سیاست علم ستیز و قشریگری رهبران جمهوری اسلامی ...

آنجمن فحایع آفریده که دانشگاه را از وضعیت اسفناک دوران شاه نیز سی عقب تر برده است ...

برنامه ها و کتابهای آموزشی بیبی از پیش از ازمایش علمی تهی شده و با مفاد خرافاتی و قشری و دوروی تمحیلی انباشته شده است ...

اساتید با تجربه و نابودی امکانات آموزشی، سطح آموزش را شدت تنزل داده است ...

جوان شایسته و مشتاق تحصیل که در کشور قبول شده اند ...

پلیسی آتجناسی، بجرم مکتبی نبودن زورورده دانشگاه محروم میشوند ...

آزاد رهنده و برنامه های تمحیلی، محیط تزویج و جاسوسی، ارباب و نا امنیتی و تفتیش عقاید و اختناق، نقای آموزشی و تمحیلی را غیر قابل تحمل ساخته است ...

زمینه اعتراضات دانشجویان و استادان است ...

دانشجویان با کاردست جبار غنی مبارزات منفی - سیاسی در سالهای اخنق گذشته ...

اشکال مبارزه در شرایط موجود ریا فتنه، تشکلهای دانشجویی ریا به ریزی نموده و روز به روز توده وسیعتری از دانشجویان را مبارزه جلب کنند ...

جنبش دانشجویی از میان آتش و خون دوباره برمیخیزد و دانشگاه جای واقعی خود را در جنبش انقلابی ایران با خود خواهد یافت ...

مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی دانشجویان جزئی از جنبش عظیم ملی و دموکراتیک منبهم ماست ...

هم اکنون آشکار شدن هر چه بیقتصر سیاستها و چهره ضد ملی و ضد مردمی رهبران جمهوری اسلامی، خیانت آنان به انقلاب و شکل گیری مبارزه توده ها علیه حاکمیت ارتجاع با زتابهای جدی در محیط خفقان آلود دانشگاه بوجود آورده است ...

آنتس که قابل کتمان باشد، خیانت رهبران جمهوری اسلامی همه دستاوردهای انقلاب ریا به نابودی گشاده، دست سرمایه داران زمینداران بزرگ را در غارت لگام گسیخته توده های زمینکش با زکشت و کشور را بسوی وابستگی همه جانبه به امپریالیسم سوق میدهد ...

دانشجویان در برابر شکست انقلاب، عوارض وحشتناک سیاست ادا هم جنگ اوج گیری مبارزه مردم علیه سلب آزادیها و سرکوب نیروهای انقلابی، مبارزه گسترش یابنده کارگران، با زکشت بزرگ ما لکمان و مبارزه دهقانان، اوج گیری اعتراضات عمومی توده ها علیه گرانی، مسکن و ... نمیتوانند و نباید ساکت بنشینند ...

جنبش دانشجویی در برابر شرایط حاس و تحولات سرنوشت ساز که در جامعه ما میگذرد و وظایف بسیار خطیری برعهده دارد ...

بیوند با مبارزه توده ها و افتتالی سیاستهای ضد ملی و ضد مردمی حکومت، مهمترین این وظایف است ...

تحقق وظایف خطیر فوق و خنثی شدن توطئه های رژیم برای خفه کردن جنبش دانشجویی و جدا کردن آن از جنبش توده ای، منبهم آگاهی توده وسیع دانشجویان و تکاتفن برده اختناق حاکم بر دانشگاه است ...

این امر را راکاها کرانه سیاسی اقتضای سیاستهای فدا انقلابی حکومت با زتاب هر چه گسترده تر مبارزات مردم در میان تنبده دانشجویان را در صدر وظایف دانشجویان انقلابی قرار میدهد ...

دانشجویان انقلابی با استفاده از تجرب برپا ر گذشته، اشکال و چگونگی پیشبرد این وظایف را در شرایط اختناق موجود بیسدا میکنند ...

کشفیت که مبارزه انقلابی دانشجویان سد ارتجاع و اختناق حاکم برداشته و اشکافته و دانشگاه همچنان به سنگر افتخار آفرین بیکار علیه امپریالیزم و ارتجاع تبدیل میشود ...

دانشجویان به میثاق ۱۶ آذر وفادارند

پیام بلند کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جهانیان

درباره زندانیان سیاسی ایران

مردم آزاده جهان!

میهن ما ایران روزگار سخت و دشوار را میگذراند. حکومت جمهوری اسلامی، همه آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی را با یمنال کرده و رژیم ترور و خفقان را به کشور ما تحمیل کرده است. مبارزات مردم میهن ما در راه ملیت و آزادی و تامین حقوق خویش با سرکوب خونین و فزاینده روبروست.

سازمانهای ترقیخواه ایران، که در راه آزادی و بهروری مردم ایران بیکار نمیکنند، آماج پیگرد و سرکوب فاشیستی هستند. رژیم جمهوری اسلامی، با زیرپا گذاشتن همه حقوق اجتماعی و بشری مردم، مخالفین ترقیخواه خویش را پیشاپیش به مرگ محکوم کرده است.

دهها هزار تن از شریفترین فرزندان میهن ما، به اتهام وفاداری به میهن و مردم خویش، به اتهام دفاع از حقوق انسانی و بشری و مبارزه در راه آزادیهای و آلی مردم، در زندانها و شکنجه گاهها بسر می برند.

زندانیان سیاسی ایران از هرگونه حقوقی بی بهره اند و هیچ قانونی در حمایت از آنها پذیرفته نمیشود. زندانیان سیاسی ایران حتی آندسته از زندانیان که مدتها پیش محاکمه و به زندان محکوم گشته اند، همواره آماج خطر مرگ قرار دادند. هر آینه ممکن است در نتیجه انتقامجویی مایورین زندان در برابر خوچه اعدام قرار گیرند.

میهن ما واقف است. میهن ما مستبدین حاکم برای آن بسیار موثر بوده است. مردم میهن ما با سازگاری از این حمایت بین المللی خواستار گسترش هرچه بیشتر اعتراض و مبارزه احزاب، سازمانها و نهادهای مترقی بین المللی علیه رژیم ترور و خفقان و در راه آزادی زندانیان سیاسی ایرانند.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از شما مردم آزاده جهان از سازمانهای دموکراتیک بین المللی، از کلیه احزاب و سازمانهای مترقی از کمیسون حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین المللی دعوت میکند همچنان حمایت خود را از مبارزات مردم میهن ما در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی گسترش دهند.

گسترده با دهمستی بین المللی با مبارزات مردم ایران در راه تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک و آزادی زندانیان سیاسی ایران

بلنوم کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهر ماه ۴۳

زندانیان سیاسی در پیدا دگاهایی محاکمه میشوند که در آنها هیچ قانون و ضابطه ای جز "اذن حاکم شرع یعنی همان افراد قبی القلب و بی فرهنگ و کین تیزی که از سوی رژیم به سمت قاضی منسوب میشوند وجود ندارد. محاکمات مخفی است. متهمین حق گزینش وکیل و مکان و فرصت دفاع از خود را ندارند.

در زندانها و شکنجه گاهها، زندانیان را با وسایل و شیوه های قرون وسطایی شکنجه جسمی و روانی میکنند. زندانیان را تا حد مرگ تا زینان میزنند. آنها را از دست و آریا به شفت شکنجه گاهها آویزان میکنند، استخوانهای آنان را می شکنند، روزهای متوالی به آنها پی خواب میدهند، وسایل مدرن شکنجه روی آنها آزمایش میشود.

زندانیان را به تعاضای اعدام هم زنجیران خود میبندند و آنان می خواهند که حکم را اجرا کنند. اعمال رژیم در زندانها میگویند زندانیان را با شکنجه و آریا به تسلیم وادارند و آنان را به اقرار به گناهانی وادارند که هرگز مرتکب نشده اند. رژیم تلاش دارد زندانیان سیاسی را به مصاحبه های تلویزیونی وادار سازد و شخصیت و حیثیت و سابق و خدمات آنان به مردم و میهن را بی اعتبار و لکه دار سازد.

مردم آزاده جهان!
اعتراض و مبارزه شما علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، در حمایت و تقویت مبارزه مردم

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به مناسبت شصت و هفتمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی

رفیق کنستانتین اوستینویچ چرنینکو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرا رسیدن شصت و هفتمین سالگشت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر را به شما، به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و به همه خلق شوروی از صمیم قلب شادباش و تهنیت میگوید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر که با فداکاری و حماسه آفرینی خلق شوروی و به رهبری حزب کمونیست و لنین بزرگ آفریده شد و به پیروزی رسید، عامل قطعی در تغییر مسیر عمومی رویدادهای جهان بسود کارگران و زحمتکشان و ملل تحت ستم و بر علیه امپریالیسم و ارتجاع بود. انقلاب اکثر قلب و روح کارگران و زحمتکشان و زحمتکشان و ملل در بند سراسر جهان را تسخیر کرد و الهام بخش مبارزه آنان شد. با انقلاب اکثر بی ریزی جامعه عمیقاً انسانی و عادلانه که بشریت قرنها در آرزوی آن و برای واقعیت بخشیدن به آن مبارزه میکرد، آغاز شد. خلق کبیر شوروی در محاصره دشمنان خارجی و بسا نشاردها میلیون قربانی، در راه پیروزی آرمان اکثر یکدم از پیشروی باز نماند و به پیروزی های تازه تر دست یافت. امروز دست

خلق مبارز ایران همواره این کمکها را بیاد خواهد داشت.

در این روزهای دشوار که انقلاب بزرگ ایران با توطئه امپریالیسم و ارتجاع ایران در مسیر شکست قرار گرفته است و نیروهای مبارز راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ایران در شرایط فوق العاده دشوار وظیفه تاریخ خود عمل میکنند، اگر همستی بیدرخ و متعهدانه همه بشریت مترقی و در رأس همه حزب کمونیست اتحاد شوروی با انقلاب و انقلابیون ایران نبوده، توطئه امپریالیستی و ارتجاعی برای خاموش کردن مبارزات حق طلبانه مردم این چنین رسوا و زبون نمیشد. خلق مبارز ایران هیچگاه همستی و کمک انترناسیونالیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی و کشور شوراها به انقلابیون و جنبش انقلابی مردم ایران را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه کسب استقلال ملی و استقرار صلح و دموکراسی و در راه پیشرفت اجتماعی، فراموش نخواهد کرد.

اطمینان راسخ داریم که آرمان اکثر هر روز قلب و روح نیروهای پیشتری را در سراسر جهان تسخیر میکند و ملل تازه تری را به پیروزی میرساند. برای شما پیروزیهای با هم بیشتر در راه تحقق آماج های انقلاب اکثر و برای خلق شوروی بهروری و سعادت آرزو میکنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۳۱ اکتبر ۱۹۸۴

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

رفقای عزیز!

بهترین دروهای رفیقانه ما را بمناسبت شصت و شصتمین سالروز تأسیس حزب کمونیست یونان بیدارید. مبارزه قهرمانانه حزب شما در بیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح و سوسیالیسم پیشاپیش انگیز بوده و در میان مبارزات طبقه کارگر و بشریت ترقیخواه جایگاه برجسته ای دارد.

ما اطمینان داریم که حزب شما در پرتو اعتقاد بی خدش اش به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه بیکار در راه طبقه کارگر یونان من موفقیت های با هم بیشتری بدست خواهد آورد.

برای شما پیروزی های با هم بیشتری آرزو میکنیم. با دروهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

رفقای عزیز!

همراه با دروهای گرم و مجویانه شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست سوریه را شادباش می گوئیم. مبارزه حزب شما در طول این سالها در از علیه امپریالیسم، ارتجاع و صیونیسم ثمرات پرارجی برای طبقه کارگر و مردم سوریه و همه خلقهای منطقه بیار آورده است.

ما اطمینان داریم که مبارزات بیکارانه و خستگی ناپذیر حزب شما علیه ارتجاع و برای بهروری طبقه کارگر و خلق سوریه موفقیت های با هم بیشتری را برای حزب شما، مردم سوریه و همه خلقهای منطقه بیار خواهد آورد.

برای شما در مبارزه در راه صلح، استقلال، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم توفیق با هم بیشتری آرزو می کنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با سخ دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالتی به پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فرخ نگهدار
دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفیق ارجمند، علاقمند که به خاطر پیام تبریک و شادباش شما بمناسبت گزینش من به سمت دبیر کلی حزب کمونیست ایالتی، صمیمانه تشکر کنم. حمایتی که از لایزال بیانات دوستانه و پرارج شما نسبت به خود می یابم، انگیزه ارزشمندی است برای استقبال از مسئولیت جدید و متعهدانه ای که به من سپرده شده است. حمایت شما همچنین حزب ما را در فعالیت بین المللی خود برای صلح، تسخیر زلفی، دموکراسی و ترقی اجتماعی تشویق می کند. بهترین دروهای خود را برای پیروزی فعالیت شما ابلاغ می کنم.

السادرو ناتا

گزارش هیات سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقا!

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایطی برگزاری می‌شود که ارتجاع حاکم مینماید و ما را عرصه یک تازیبهای جنون آمیز خود ساخته است. انقلابیون و میهن پرستان، به وحشیانه ترین شکل شکنجه و کشتار می‌شوند. اختناق بی‌سابقه‌ای بر سر سراسر کشور پدید آمده و آدامه لوجان به وسیله سرچنگ، کشور را ویران، جوانان را قتل عام و اقتصاد کشور را از هم گسیخته است. پلنوم در شرایطی برگزار می‌شود، که سرمایه داران و ملاکین بزرگ فراری و انحصارات امپریالیستی غارتگر، باز میگردند و در پناه حکومت، غارت و جپاول بی‌امان محرومان و زحمتکشان را با خشونت نفرت انگیز تر از سر می‌گیرند. اینها همه نشان آنست که انقلاب شکوهمند و عظیم بهمین ۷۷ طعیرم همه جان‌نسیها و زحمات توده‌های مردم، به علت خیانت ربه‌ران جمهوری اسلامی، نتوانسته است به اهداف و آلائی خود دست یابد. این خیانت کرده‌م به سفره زحمتکشان مینماید و زنده‌گانی را بر توده‌ها تیره و تار ساخته است. آیت الله خمینی که زمانی در راه انقلاب قرار داشت، مدتهاست علیه آن سرخاسته و علیه توده‌های مردم زحمتکشان به نفع سرمایه داران عمل می‌کند. اما رفقا! امروز زحمتکشان اعتراضی و قدس را نشان و قوت گرفتن نیروهای انقلابی، امید به پیروزی و بهروزی را در وجود ما تقویت می‌کند. رژیم علی‌رغم یکا گرفتن چنانچه که در این رویشا برای ما پیروزی سازمانهای انقلابی، نه تنها موفق نشد این روزها را در هم بپنجد، بلکه انقلابیون را ستین موفق شده اند در زیر بار سنگین فشارهای جنون آمیز رژیم صفوف خود را استوار سازند و با اقبال و آغوش باز توده‌های مردم زحمتکشان رو بر سر کردند.

در سال ۱۹۸۴ افزایش یافته است و طی پنج سال آینده (سالهای ۸۹-۱۹۸۵) اعتبارات نظامی به میزان ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. این رقم تقریباً برابر با سالهای ۸۰ است. علاوه بر این آمریکا به متحدین خود در نا تونفر می‌آورد تا هزینه‌های نظامی خود را افزایش دهند.

مقامات جنگ فرور آمریکا می‌مدتهاست که از امکان جنگ محدود حتی بلند مدت هسته‌ای سخن می‌رانند. آنان طرح جنگ هسته‌ای و مسمی میلیتاریستی خود را به مناسبت واکنش در برابر خطر موهوم از جانب اتحاد شوروی و بین‌الملل مسدود کردن در پیجهای آسیب‌پذیری در دفاع ازنا تونقلد می‌کنند.

دولت ریگان در تکمیل سیاستهای جنگ افروزان خود، شبکه گسترده‌ای از پایگاهها و تاسیسات نظامی در مناطق استراتژیک جهان ایجاد کرده است. در حال حاضر آمریکا بیش از ۵۰۰ پایگاه و تاسیسات نظامی در ۳۲ کشور جهان دارد که بخشی اعظم آنها در نزدیکی سرحدات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار دارند. واشنگتن برای سرهم بندی کردن پیمانهای نظامی جدید تلاش وسیعی را آغاز کرده است. ریگان در طی سفرت خود به کره جنوبی و ژاپن برای ایجاد پیمان سه جانبه واشنگتن - توکیو - سول وارد مذاکره شد.

امپریالیسم آمریکا برای تلاشی جنبشهای رها فیکش و برای سرنگونی حکومتها ی ملی و مترقی و تحمیل نظم مورد پسند واشنگتن به آنان، تاجارات خود را در آمریکا مرکزی، خاورمیانه و مناطق دیگر جهان تشدید کرده است. در سال گذشته سرمایه‌دان آمریکا بی‌رحم گرانادا که قلمرو آن تقریباً سه هزار برابر کوچکتر از آمریکا است یورش آوردند و حاکمیت ملی گرانادا را از بین بردند. لگد مال کردند، حکومت مترقی این کشور را که بود و حکومتی اقدامات بنیادی انجام داده بود، سرنگون کردند و حکومت سرسپرده آمریکا را جایگزین آن ساختند. امپریالیسم آمریکا با این اقدام راهزانه نشان داد که به هیچیک از موازین مقررات بین المللی پای بند نیست و هر جا که فرصت پیدا کند بی‌معاوان و اندام جهانی خود را جاه طلبانه علیه کشورهای آزادی بخش و لنگرگینی کند و حتی آشکارا آنها را به نغال خود در آورد. در نیکیا را گوشت نیز دولت ریگان برای سرنگونی دولت انقلابی و بازگرداندن دیکتاتورست نشانه خود بهر دینسیه‌ای متوسل می‌شود. امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن، مردم السالوادور را که برای رها فی از جور و ستم حکومت دیکتاتوری بی‌خاسته‌اند، با شقاوت تمام تاج سلسله‌ها و سب‌های نا پالم خود قرا می‌دهند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امروز علی‌رغم اینکه دشمن دهنان از بهترین کادریان و مجرب وعده‌ای از اعضای کمیته مرکزی را از آغوش خلق ربوده و شمار آنرا از آن رادریز شکنجه‌های ددمشانه و جنون آمیز به شهادت رسانده است. افتخار آنرا دارد که نه تنها توانسته است در برابر سرسنگین ترین یورشهای ارتجاع بایستد، و از موجودیت انقلابی خود پیروز ماندن با ساداری کند، بلکه توانسته است به روش و همراه با رهبرین حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران و سنگر استوار دفاع از سوسیالیسم و انقلاب در بین بانغرض علیه رژیم را آغاز کند و با استواری و بی‌گیری آن را گسترش دهد.

امپریالیسم آمریکا و متحدین آن با کسب تکفکد از ان خود به لبنان، به‌عزاه رژیم صهیونیستی اسرائیل، این کشور را هدف تاج و زنتقیم خود قرار دادند. آنها جنگ اعلان نشده علیه انقلاب ثور افغانستان را رهبری و سالانه صدها میلیون دلار هزینه آن را تا می‌کنند.

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خود نشان پیروزی مادریک مرحله از نبرد علیه ارتجاع حاکم است. تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان ما، که با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تمام اعضا هیئت سیاسی و هیئت مدیران کمیته مرکزی حاضر در پلنوم ۲۷ هژاد ۱۳۶۱ کتایش می‌یابد، خودنقشه نشان آنست که علی‌رغم سبک‌رهای رژیم و سرمداران خاکین آن، جنبش انقلابی طبقه کارگر و همه خلقهای ایران توانمند است و روبه گسترش می‌رود. بزرگاری پلنوم نشان با زرقدرت ما و ضعف و سوسنی دشمنان ما در رسیدن به اهداف ضد خلقی و ارتجاعی شان است. من به توفیق خود و آسوی شمار رفقا و شرکت کنندگان در پلنوم، با این پیروزی بزرگ جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران را به همه اعضا و هواداران سازمان و به همه مبارزان راستین راه طبقه کارگر ایران تبریک می‌گویم.

رویدادهای مختلف جهان حاکی از آنست که بحران عمومی سرمایه‌داری حدت می‌یابد. تضادهای درونی اردوگاه امپریالیستی در گسترده‌های مختلف اقتصاد و سیاسی تشدید می‌شود. دولت ریگان که نما پنده ارتجاعی ترین گروه بنده سیاسی آمریکا است، تلاش می‌کند با طرح اناسه "خطر شوروی، متحدین خود را در نا توناسه اراده خود سازد. ارتجاعی ترین جناحهای امپریالیستی در کشورهای اروپا با سیاست‌های ریگان همراهی می‌کنند ولی با این حال تضادهای عمیقی دنیای سرمایه‌داری را از هم جدا می‌کنند و بحرانهای عمومی و ساختاری بر جوامع امپریالیستی سنگینی می‌کنند.

رفقا!

گزارش جامع هیات سیاسی کمیته مرکزی را به ترتیب زیر به اطلاع می‌رسانم.

- ۱ - نگاهی به اوضاع جهان و منطقه
- ۲ - انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳ - درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۴ - اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر
- ۵ - فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

نگاهی به اوضاع جهان و منطقه

رفقا!

حادترین نبرد بر سر مسئله جنگ و صلح در دنیای ما جاری است. سایه شوم جنگ بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. خطر تعلقه ورتدن جنگ هولناک هسته‌ای تشدید می‌شود. امروز جنگ هسته‌ای نابودی دستا وردهای تمدن بشری را نشان داده گرفته و حق انسانها برای زیستن در ساره زمین را در مخاطره جدی قرار داده است. مسئله جنگ و صلح آنچنان جایگاهی در زندگی بشریت پیدا کرده است که بر تمام مسائل جامعه انسانی سایه انداخته است. پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در کشورهای سوسیالیستی، پیروزی‌های تازه‌های نوین در کشورهای مستقل غلبه بر جپول و بیسوادئی، فقر و تنگدستی و تا مین رفاه و آسایش انسانها در شرایط استقرار صلح امکان پذیر است.

در برخورد با حیاتی ترین مسئله جهان امروز سیاست کا ملا متضاد دیده می‌شود. کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی برای قطع مسابقه تسلیحاتی، استحکام مبانی صلح و تا مین جنج‌های حاکمیت و آزادی خلقها مجدانه تلاش می‌کنند. در حالی که ارتجاعی ترین جنبه‌های امپریالیستی بسرکردگی محافظل میلیتاریستی آمریکا برای کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی، به مسابقه تسلیحاتی و تشنج بین المللی دامن می‌زنند و جپا را به لبه برتگاه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهند و حق حاکمیت خلقها را با پالم می‌کنند.

دولت‌های اخیر نیز در بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در عرصه‌های گوناگون از جمله تاجرات خارجی و مناسبات پولی تشدید شده است. کشکشان میان آمریکا و ژاپن که از جمله در نتیجه سرازیر شدن کالاهای ژاپن قیمت ژاپن به آمریکا سست، حدت می‌یابد. از سال ۸۰ تا سال ۸۴ نرخ مبادله دلار نسبت به پول ۳۲ کشور طرف مبادله آمریکا ۳۲٪ افزایش یافته است. افزایش سریع نرخ بهره بانکی در آمریکا به اختلاف جدی بین کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته منجر گردیده است.

به مرکز سرمایه‌داری برای مقابله با سوسیالیسم و جنبشهای رها فیکش تلاش می‌کنند که بر تضادهای خود علیه کشورهای سوسیالیستی خود را هماهنگ سازند. سران هفت کشور عمده سرمایه‌داری ملاقات مقطعی از جمله در ویلیا مزیورک ولندن داشتند. این ملاقات و ملاقاتهای سران دول "جامعه اقتصادی اروپا" نتوانسته است به نزاع میان به مرکز عمده سرمایه‌داری خاتمه دهد. دولت ریگان به قیمت قتراردادن جهان در لبه برتگاه جنگ و به قیمت وختا زندگی زحمتکشان آمریکا و بزیان اروپای غربی و ژاپن و بر ضد کشورهای در حال رشد، میخواهد بر بحران اقتصادی آمریکا غلبه کند. لیکن این تلاشها نتوانسته است از تشنج و گسترش بحران عمومی سیستم جهانی سرمایه‌داری و بحران ساختاری آن جلوگیری کند. در ساری از رشته‌ها و شاخه‌های اقتصادی بحران همچنان حاکم است. بی‌کساری تشدید یافته و گسری بودجه افزایش می‌یابد.

شماره ریگان در سال ۱۹۸۳ در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته رقم بی‌سابقه ۳۳ میلیارد نفر رسید. این رقم ۸/۵ درصد نیروی کار این کشورها را تشکیل می‌دهد. در انگلستان تعداد دیکتاتوران در مردادماه امسال به رقم ۳/۱۱۵ میلیارد نفر که ۱۳ درصد نیروی کار را شامل می‌شود رسید. در این کشورها، سرمایه‌داری بر حقوق و منافع زحمتکشان بی‌ورش می‌آورد و فشار بر اتحادیه‌های کارگری را تشدید می‌کند. در این کشورها دولت‌ها مرتباً می‌کشند از سهم کارگران و زحمتکشان از درآمد ملی و هزینه‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزش و پرورش، بهداشت عمومی، بیمه‌های اجتماعی و خانه‌سازی و کمک بیگاران بگا هند و بر هزینه‌های تسلیحاتی بیفزایند.

بحران جهان سرمایه‌داری و سیاست‌های دولت ریگان موجب شده است که کشورهای در حال رشد با بحرانهای جدی مواجه گردند و بگونه‌ای که در برخی از این کشورها بویژه کشورهای آمریکا لاتین تورم به رقم دو سست در صدر رسید و بخشی وسیعی از نیروی کار از تولید رانده شده و زندگی زحمتکشان به فقر و فلاکت بیشتر بگراید.

درست است که بر اثر تشدید مشی جنگ افروزان به رهبری هارتترین جناح‌های امپریالیسم جهانی، تشنج در سطح جهان افزایش می‌یابد و این افزایش تشنج نگرانی جدی تمام نیروهای صلح طلب و ترقیخواه جهان را موجب شده است. ولی این نگرانیها نمی‌تواند امیدواران را به شهادت برای جلوگیری از آتش افروزیها و راهزنی‌های امپریالیسم از بین ببرد. امروز نیز بدستی توسعه جهان، ما بین دومی جنگ افروزان و صلح طلبانه در جریان است. در کسوی این جنبه‌ها نیز انحصارات صنعتی - نظامی و "باز" های نظامی سیاسی هستند که به لحاظ تاریخی

راه زوال می‌پیمایند و در سوی دیگر جبهه نیروی صدها میلیونی قرار دارند که دارای نقطه اتکا مستحکم و پر قدرتی در سیمای کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی می‌باشد. امروز جنبش نیرومند ملیت‌گرای نیروی پرتوان سوسیالیسم طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته، جنبش‌های رها فیضی و مملکت رها یافته چون سدی استوار در مقابل تجاوزات و باج‌خویشی‌های امپریالیسم

سوسیالیسم جهانی به‌مثابه تکیه‌گاه عمده ملج جهانی کوشش‌های بی‌گیر موشری را برای پایان بخشیدن به مسابقه لحام گسیخته تسلیحاتی به پیش می‌برد. کشورهای سوسیالیستی با احساس مسئولیت عمیق برای تأمین صلح جهانی تاکنون پیشینه‌های متعدد و سازنده‌ای را ارائه داده‌اند. اتحاد شوروی در زمینه کاهش نیروهای بی‌مان تا تووروشو، ایجاد مناطق آزاد زصلاح‌هسته‌ای در اروپا و دیگر نقاط جهان، نابود ساختن سیستم‌های ضد ماهواره‌های موجود، عدم پیشدستی در کاربرد سلاح هسته‌ای، کاهش تسلیحات تا مرحله ناپذیری کامل آن و دهها پیشنهاد دیگر برای دفع بلیه جنگ هسته‌ای ارائه کرده است. اتحاد شوروی برای حصول به توافق و برای نشان دادن اعتدافیک سلسله تعهدات یکجانبه را پذیرفت. پیشنهادها و ابتکارات اتحاد شوروی وسیعاً مورد استقبال مجامع بین‌المللی قرار گرفت. ولی دولت ریگان همه پیشنهادها را بی‌ساخت گذاشته و همچنان در مدد کسب برتری نظامی بر کشورهای سوسیالیستی است. امروز اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از آنجانب توان اقتصادی، علمی و تکنیکی برخوردار هستند که به امپریالیسم اجازه ندهند توازن نظامی - استراتژیک موجود را سود خود بپوشانند.

اقدام ما چرا جوانه و جنگ افزوانه دولت ریگان در زمینه استقربار موشکهای میان برد آمریکا در اروپا، در هرگونه پیشنهادها سازنده اتحاد شوروی در مورد این ساله حیاتی خشم توجه‌های بسیار وسیعی را در جهان برانگیخته است. در این باره صدها هزار نفر مملکت خود را با استقرا ر موشکها در اروپا اعلام می‌کنند. ۷۴٪ درصد مردم جمهوری فدرال آلمان ۷۵٪ هالی انگلستان و ۷۹٪ مردم بلژیک مخالف استقرا موشکهای آمریکا در اروپا هستند. دولت سوئد، یونان و یار لمان در ناما رک مملکت خود را با سلاح‌های هسته‌ای و استقرا موشکهای آمریکا اعلام کرده‌اند. در خود آمریکا مقامات در مقابل سیاستهای آمریکا افزایش می‌یابد. چهار رینجما می‌کشد. از پیشنهادها متوقف کردن تولید و استقرار سلاح‌های هسته‌ای پشتیبانی می‌کنند. امروز جنبش ملج تنها بلحاظ خفرا فبائی گسترش می‌یابد، بلکه طیف‌های جدیدی از نیروی اجتماعی و سازماندهی بین‌المللی را نیز در بر می‌گیرد. شرکت کنندگان در هفتین کنفرانس جنس شرم تعهد که در سال ۱۹۸۳ در هلی بر گزار گردید، مثنی نظامی - سیاسی امپریالیسم جهانی را محکوم کردند. میان بسیاری از دولت‌ها و مملکت گسترده اجتماعی این فکر هر چه بیشتر قوت می‌گیرد که مبارزه در راه امنیت منطقه‌ای جنوب خود حاشیم مهمی در مبارزه برای امنیت جهانی است.

جبهه جهانی ضد امپریالیسم و سوسیالیسم جهانی به‌کامیابها و بیرونی‌های بازم بیشتری دست می‌یابند. در کشورهای سوسیالیستی اقتصاد دبا رشد موزون و بدون بحران پیش می‌رود، سیستم سیاسی سوسیالیسم گسترش می‌یابد و دیگر مملکت‌های سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کنند. زندگی، رفاه، معیشت، رفاه و پیشرفت‌های اقتصادی بهبود بیشتری می‌یابد. ازبیکاری و تورم فزاینده دیده نمی‌شود. هر سال درآمد مردم افزایش می‌یابد. در کشورهای عضو "شورای همپاری اقتصادی" که تقریباً ۱۰٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، هم اکنون ۲۳٪ محصولات صنعتی و ۲۰٪ محصولات کشاورزی جهان تولید می‌شود. در این کشورها درآمد ملی در مقابل تولید ۸۲ - ۱۹۵۰ / ۸/۵ برابر، تولید صنعتی ۱۲ برابر و تجارت خارجی ۳۰ برابر افزایش پیدا کرده است. نرخ رشد تولیدات صنعتی در کشورهای "شورای همپاری اقتصادی" ۱۹۹۶ برابر بیشتر از کشورهای سرمایه داری پیشرفته است. در اتحاد شوروی تولید صنعتی از مرز ۲٪ تولید صنعتی جهان گذشته است. در برنامه جدید اتحاد شوروی تدابیر جدیدی برای افزایش تولید کالاها می‌مورد نیاز مردم گسترش داده شده است. کالاها و بهبود کیفیت آنها اتخاذ گردیده است. در کشورهای سوسیالیستی شرایطی فراهم شده است که مردم به آینده زندگی خود با اطمینان می‌نگرند. در این جوامع شرایط هر چه بیشتر برای رندهه جانیه شخصیت انسانی فراهم شده است.

در کشور های سرمایه داری پیشرفته مبارزه طبقاتی کارگران حدت بیشتری می‌یابد. از نایوبه تا اواسط ۱۹۸۴ تعداد شرکت کنندگان در اعتراضات و تظاهرات کارگری در این کشورها به رقم هشت میلیون نفر رسیده است. اعتراضات چندین ماهه معدنچیان در انگلستان و پشتیبانی "کنگسره اتحادیه‌های انگلستان" از آنان، و موقتاً حمایت کارگران در مقابل یورش پلیس، تا تیرات عمیق برجینش کارگری بریتانیا گذاشته است. مبارزه کارگران در جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، اسپانیا، بلژیک، ایتالیا و آمریکا علیه انحصارات علیه بنگاری فزاینده و سایر ظواهرهای سرمایه داری گسترش یافته است. جنبش اجتماعی کارگران، برادیکا لیز شدن خواستهای تشکل‌های کارگری، نشان می‌دهد که تقابل طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته با انحصارات تشدید می‌شود. در کشورهای تحت سلطه مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیسم گسترش می‌یابد. رژیم‌های دیکتاتوری و فاشیستی متزلزل می‌شوند و تکیه‌گاه‌های خود را از دست می‌دهند. در شیلی ارگان رژیم دیکتاتوری پینوشه سست شده و مردم وسیعاً در تظاهرات ضد رژیم شرکت می‌جویند. مردم السالوادور در مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا موفقیت‌های جدیدی بدست آورده‌اند. در ژوآن تن بران اعتراضات توده‌ای رژیم "خونتا" برکنار شده و روند دمکراتیزه شدن سیاست سیاسی کشور پیش می‌رود. در بنگلادش، مردم وسیعاً در تظاهرات علیه حکومت نظامی شرکت جستند و خواستار برکناری دیکتاتور نظامی و برگزاری انتخابات آزاد هستند. در فیلیپین، جنبش توده‌ای علیه حکومت دست‌نشانده مارکسوس روز بروز با بعدگسترده‌تری می‌یابد. در نامیبیا و در خود آفریقا جنوبی مبارزه مردم علیه دولت نژادپرست آفریقای جنوبی که تکیه‌گاه عمده نو استعمار در جنوب آفریقا است، با بعد جدید خود گرفته است.

در کشورهای رها یافته، مردم علیه توطئه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم و برای پی ریزی جامعه نوین مبارزه می‌کنند. دولت جوان نیگاراگوئه علیه تحريم اقتصاد و تحریمات نظامی آمریکا مبارزه می‌کند. دولت آنگولاد در مقابل تجاوزات رژیم آفریقای جنوبی ایستاده است. ایوبوی اینک با تشکیل حزب کارگرایان ایوبوی با کامیاب استوار ریسوی سوسیالیسم پیش می‌رود.

رفقا!

امپریالیسم آمریکا منطقه خاورمیانه را که بعد از جنگ جهانی دوم کوره ملتهب حوادث و بحرانها بوده، بعنوان جزئی از منافع حیاتی خود اعلام کرده است. آمریکا برای سرکوب جنبشهای رها فیضی و جهت حفظ تسلط خود بر "انبار نفت دنیا" یعنی خلیج فارس نیروی واکش سریع با بیش از ۲۰۰ هزار نفر تشکیل داده و قصد دارد رندهه نزدیک، عده‌آنها را دوبرابر برساند. این نیرو

آماده است در صورت بروز تهدیدی به منافع آمریکا در خاورمیانه و از جمله در خلیج فارس مستقیماً مداخله نماید. بدنبال تشکیل این نیرو، آمریکا برای تلافی شکست‌های گذشته و تقویت اعتماد متزلزل حکام مرتجع به قدر قدرتی امپریالیسم آمریکا و برای منبوسا ختن راه انقلابی جدید "فرماندهی مرکزی (سنکوم) را بوجود آورد. مناطق تحت فرماندهی این مرکز ۱۹ کشور آسیای - افریقای و منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و قسمت وسیعی از آسیا نوس هند را شامل می‌شود. مقامات آمریکا ضمن توسعه پایگاه دیده‌کار رسیا تا سیاحت نظامی جدیدی در کشورهای عمان، سومالی و کنیا بوجود آورده‌اند. به مسوازات برجسته تر شدن نقش خاورمیانه در طرح‌های استراتژیک امپریالیسم آمریکا به کمک‌های نظامی و اقتصادی خود به دولت صهیونیستی اسرائیل جهت توسعه نقش ژاندارمی آن افزایش داده است. دولت ریگان، صهیونیست‌های اسرائیل و ارتجاع عرب تلاشهای خود را برای تضعیف و نابودی سازمان آزادیبخش فلسطین به تسلیم و ادا کردن دولت سوریه و پیشبرد " طرح کمب دیوید" شدت بخشیده‌اند. ولی برای آمریکا سرسختانه مهین پرستان لبنان و روزندگان فلسطینی وابستادگی را پایداری دولت سوریه، آمریکا و متحدین آن مجبور شدند خاک لبنان را ترک کنند و قرارداد سنگین اسرائیل لبنان ملغی اعلام کردند و تلاشهای نیروهای مترقی لبنان و اعراب نرهد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب برای تشکیل دولت اختلافی به نتیجه نرسد. خروج سربازان آمریکا و متحدین آن از لبنان و ابطال قرارداد لبنان - اسرائیل، یک پیروزی تاریخی برای مردم فلسطین و خاورمیانه و یک شکست مفتضحانه برای امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل بشمار می‌آید.

امپریالیسم آمریکا با دادن زدن به جنگ فرسایشی و خانمان بر انداز ایران و عراق به صورت نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان توسعه می‌بخشد و دستاویز قرارداد امنیتی گشتی رانی در خلیج فارس و تنگه هرمز، ناوهای جنگی خود را در سواحل خلیج فارس و دریای عمان مستقر می‌سازد. وضع در خلیج فارس با اذیت و جنگ وخیم ترمی‌شود.

دولت ریگان و ارتجاع منطقیه، به باندهای خرابکار جهت کشتار مردم بیگناه افغانستان بول و اسلحه می‌دهند. آمریکا کمک خود را در سال ۱۹۸۴ به ضد انقلابیون دوبرابر کرد. با این حال علیرغم دشواریهای عظیمی که زاشیده، سافس امپریالیسم، ارتجاع منطقه و ارتجاع داخلی است. انقلاب در افغانستان با موفقیت به پیش می‌رود. پایگاه خود را مستحکم می‌سازد و به دستاوردهای جدیدی تاثل می‌آید و با کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی سربهای زکشت را می‌پیماید. وا شگتن برای جبران خلا یا دشده بر اثر انقلاب ایران، در منطقه خلیج فارس، دولت‌های ارتجاعی ترکیه، پاکستان و عربستان را در مریا تقویت کرده و وسیل اسلحه را به این کشورها سرازیر می‌کند. ترکیه هم اکنون به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شده است. نزدیک به ۶۰ پایگاه در ترکیه توسط آمریکا ساخته شده‌گه و وسیعاً مورد استفاده نیروهای واکش سریع قرار می‌گیرد. پاکستان برای انجام وظایف ژاندارمی و سرکوب نیروهای مخالف، اعتبار ۲۲ میلیارد دلاری از آمریکا گرفته است. دولت ریگان عربستان سعودی را به زرادخانه خود تبدیل کرده و انواع سلاحهای مدرن در اختیار آن قرار می‌دهد.

رفقا!

ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آمریکا در پیشانی محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی، تلاش می‌ورزید تا توسل به سوق دادن جهان به آستانه "جنگ هسته‌ای" از شتاب روز افزون دگرگونیهای بنیادی در جهان بکا هد. توازن نظامی استراتژیک موجود در اروپا و جهان را که مانع تحقق سلطه سیاسی و اقتصادی است، برهم زنده و برتری نظامی را بر اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی تاثل آید. تا بدینوسله مواضعی را که جابرا نه در اختیار گرفته است حفظ کند و مواضعی را که نظام منقطع سرمایه داری از دست داده است، دوباره جنگ آورد و بالاخره جزخ تاریخ را به عقب با زگردا ندوسا داتا میرالیسم را بر جهان تا مین کند. ولی دوران مسال دوران پیشرفت سی وقفه و نظرمون جبهه جهانی نیروهای ملج، استقلال - دموکراسی، سوسیالیسم و پیشرفت اجتماعی است. دوران ما، دوران شکوناسی روز افزون سوسیالیسم و ازسندستن خلقهای ستمدیده است. این سیل عظیمی که از انقلاب اکثریت سوبه حرکت درآمده، بخش چشمگیری از کاخ‌های هزاران ساله نظام مستکارانه طبقات استعمارگر را برانداخته است و اکنون با کامیاب نشانی و سوی پیروزی‌های بازم بیشتر به پیش می‌آید. امپریالیسم جهانی سبب می‌شود که کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای آزادیبخش و جنبش ملج راه به شکست موشکها زنجیر کند. ولی دژ مستحکم کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی موج توفنده توده‌ها، عزم و اراده، آنان را در دفاع از صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم به ماجراجویی‌های امپریالیسم لگام زده و میدان عمل آنها هر روز محدود و محدود تر میکند.

انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی

رفقا!

اکنون نزدیک به ۶ سال از پیروزی انقلاب ایران می‌گذرد. رویداد - هائی که در این مدت رخ داده است، می‌توانند در ارزیابی صحت و سقم تحلیلهای وسیعاً کمد کنند. هم از اینرو ضروری است که با جمع بست تجارب سالهای اخیر و استحکام رویدادهای واقعی، آنچه را که در این دوره در مین ما رخ داده، دقیق تر تجزیه و تحلیل کنیم. مردم ایران در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بزرگترین حماسه تاریخ معاصر ایران را آفریدند. توده‌های دهها میلیونی خلق عزم و اراده بیولادین خود را برای سرنگونی رژیم مغفورشاه به کرسی نشانند. انقلاب ایران را کردها و متعلق به آنان بود. برای توصیف شناختن آنچه‌های انقلاب ایران قبل از همه باید دید مردم از انقلاب چه می‌خواستند؟ مردم می‌خواستند رژیم شاه تماماً " سرنگون شود و یک حکومت ملی و مردمی (دموکراتیک) و متکی به اراده مردم بجای آن استقرار یابند. مردم می‌خواستند که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کشور ما پایان یابند، آزادی سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم تا مین گردد و کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برانداخته شود و عدالت اجتماعی برقرار گردد. بزبان دیگر شعار اساسی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بود. منتها روحانیونی که در رأس جنبش توده‌ای قرار گرفته بودند، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را تبلیغ می‌کردند. اما واقعیت اینست که توده‌های وسیع مردم زحمتکش از " جمهوری اسلامی" همانگونه

که طراحان آن تحت عنوان عدالت اسلامی بیان میکردند. نظامی مبتنی بر "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" را درک و آرزو نمیکردند. بدین لحاظ درباره انقلاب بهمین باید گفت که این انقلاب از لحاظ سمت اصلی حرکت یک انقلاب ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و به لحاظ شرکت وسیع ترین افشار خلق، اشکال مبارزه و خواستههای مبتنی بر عدالت اجتماعی یک انقلاب مردمی بوده است. رهبری انقلاب در دست بخشی از روحانیت شیعه که از آیت الله خمینی پیروی میکرد، قرار گرفت. این روحانیت که به لحاظ اجتماعی و تاریخی پیوندهای محکمی با بخشی از افشار و طبقات شرکت کننده در انقلاب داشت، با طرح و دفاع از شعارها و خواستههای عام مردم و به اتکای تشکیلات وسیع دستگاه روحانیت گسترده ترین نفوذ را در میان توده های خلق بدست آورد و در اس انقلاب فرار گرفت. ترکیب روحانی رهبری انقلاب و در این ارتباط تاثیر عامل مذهب در مبارزه استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خلق در انقلاب بهمین ۵۷ و آن ویژگی خاص می باشد.

انقلاب بهمین گره موفق شد وظایف سیاسی مبتنی بر سرنگونی کامل رژیم حاکم رایه پایان برساند و در زمینه اجتماعی بنابه حکم شورای انقلاب و با آرزو مستقیم مردم گامهایی هم در راستای براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری پیش برد، اما به علت عدم برخورداری از رهبری یکپارچه افشار آن نائل نشد. انقلاب، سمت تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران را تغییر نداد و در سالهای پس از انقلاب نیز ایران راه رشد سرمایه داری را طی کرده است.

انقلاب بهمین در راستای دستیابی به آماج های ضد سلطنتی، ضد استبدادی و ضد امپریالیستی خود همچنین موفق شد رژیم استبدادی و سلطنتی شاه و سلطه امپریالیسم رشکوار را براندازد.

انقلاب موفق شد اختراعات سیاسی و نهادهای اعمال کننده آنرا درهم شکند و بسیاری از گردانندگان و عوامل جنایتکار رژیم شاه را به محاکمات رساند. انقلاب درهای زندانها را بر روی فرزندان خلق گشود و آزادی فعالیت را برای طیف وسیع نیروهای شرکت کننده در انقلاب تامین کرد.

با پیروزی انقلاب بیساز منتو لغو شد، پایگاههای حاسوسیتی آمریکا برجیده شد و دها هزار مستشار نظامی آمریکا جی اخراج شدند، در سیاست خارجی کشور تغییرات فاحش پدید آمد و ایران به جنبش غیر سر مدها پیوست.

محافل حاکمه باتکیه روی اصطلاح "انقلاب اسلامی" به شدت تبلیغ میکنند که آماج انقلاب ایران فقط و فقط تحقق "اسلام" بوده است. البته واقعیت اینست که رهبری انقلاب عملاً در دست روحانیت پیرو خمینی که میخواست حاکمیت به انحصار روحانیون درآید و حکومت مذهبی مستقر شود، قرار گرفت. اما خواست و نیاز از اینها نمیتوانست جدا از مبارزه ملی و طبقاتی، که جامعه را تا آماج میسگافت، مطرح باشد. آنچه واقعاً و بطور عمیق در کشور گسترش یافت و به انقلاب بهمین و رویدادهای پس از آن منجر گردید، برخلاف آنچه که روحانیون حاکم توضیح میدهند، هیچ وجه ناموضوع تضاد میان "اسلام و کفر" قابل توجیه و توضیح نیست. محرک و مضمون اصلی آنچه در انقلاب رخ داد، مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی بوده است. هر یک از شعبه های سازمانهای اسلامی که قبل و پس از انقلاب از جناح های مختلف روحانیتهای روحانیت پیرو خمینی طرح و تبلیغ شده است، در آخرین تحلیل و در هر شرایط مشخص دارای جنبشیت معین طبقاتی بوده و در خدمت تامین منافع یک بخش از افشار و طبقات جامعه در برابر بخش دیگر قرار داشته است. بالاخره شایان توجه است که تاکید روی این که "انقلاب ایران اسلامی است" در سالهای اخیر قبل از همه عملاً در خدمت عدول رهبران جمهوری اسلامی از تحقق خواسته های برحق و عادلانه مردم و سپهان کردن این خیانت، قرار گرفته است. بدین ترتیب دیده میشود که حتی همین واژه "انقلاب اسلامی" هم بعد از انقلاب و هم قبل از انقلاب، و هم در سیر صعودی و هم در سیر نزولی آن، عملاً خود یک حزب، مبارزه طبقاتی بوده و هست. اکنون در برابر این تلاشها ما وظیفه داریم برای مردم توضیح دهیم که کدام اهداف واقعی زیر پوشش این توجیه، در حال گسترش است.

انقلاب باید متذکر شد که محدود کردن خصلت انقلاب ایران در قالب یک "انقلاب ضد سلطنتی" چنانکه دیدیم، نه تنها تمام آماجها و خواسته های انقلاب را بیان نمیکند، بلکه برخی تحولات واقعا تحقق یافته را هم گنجان و بیاسی بها میکنند. انکار سایر خصلت های انقلاب ایران نمیتواند هم با انگیزه های چپ روانه و هم با انگیزه های راست روانه همراه باشد. این انکار، هم میتواند برای اساسی مورد استفاده قرار گیرد که هدف و تلاش عظیم خلق در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا را انکار کند و هم میتواند برای اساسی باشد که وجود هر نوع گرایش ضد امپریالیستی و دموکراتیک در نیروهای رهبری کننده انقلاب را منکر شود. شناخت و تحلیل صحیح خصلت انقلاب و تدوین خط مشی صحیح در انقلاب گاملا ارتباط متقابل باهم دارند.

مرتجعین حاکم مدتهاست تلاش میکنند نقش برجسته و انکارناپذیر سازمان ها و احزاب انقلابی را در گسترش انقلاب و در قیام توده های ملحقانده ۲۱ و بهمین پنهان سازند. آنها اینطور وانمود میکنند که در جریان انقلاب، در یک طرف روحانیت و "امت حزب الله" قرار داشت و در طرف دیگر شاه، علاوه آنها اکنون بیش از هر زمانی میگویند مقام و نقش شایع توده کارگران، سوبزه فنگران قهرمان، در انقلاب و تاثیر قطعی و تعیین کننده آنان در سرنگونی شاه راه خود و به "تجار محترم" نسبت دهند. هدف و انگیزه اصلی آنان از این تحریفات پنهان کردن خیانت خود به انقلاب و نیز ترویج بی باطنشان از طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش و سازمانهای مدافع آنان است. اما واقعیت اینست که در انقلاب بهمین ضربه قطعی بر یک رژیم شاه را نیروی طبقه کارگر وارد آورد.

ما در اینجا همچنین روی نقش موثر سازمانها و احزاب انقلابی کشور در مسیح توده ها و جلب آنان به گسترش مبارزه علیه رژیم شاه، که مستقل از روحانیون پیرو خمینی عمل نمیکردند، موکداً تاکید میکنیم. سازمانها، که آن روزها هنوز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نامیده میشد، سوبزه در میان همه سازمانهای انقلابی، سرچشمه ترین نقش را در زندگیند مبارزه در راه سرنگونی قطعی شاه و تمام سلطنت ایفا کرد. حزب توده ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر گروههای انقلابی نیز مستقل از خمینی و پیروانش برای جلب هر چه وسیعتر توده ها به سوی انقلاب و تقویت نیروی توده ای و عمق معنوی آن حداکثر تلاش خود را یکبار گرفتند. تاریخ نقش حساس و بسیار موثر ما را در فرآوردن یکسری خلق به قیام و از راه زحمات و اتخاذ تاکتیکهای موفق و دقیق، سوبزه عمل قهرمانانه سازمان در مسیح روز ۲۱ بهمین ماه که تظاهرات متشکل و نیرومند خود را به سوی یادگاریهای رژیم هادی کرد، مرکز از یاد نخواهد برد. نقشی که از یک سوما به افشار و دسیاچی رهبری انقلاب شدوار است

دیگر به گسترش قیام ملحقان توده های کمک کرد. قیامی که به علت تسخیر یادگاریها و نهادهای قدرت حاکمه توسط خلق آذربایقی و نقش مردم را در سیر رویدادها و درست راهی اراده رهبری افزایش داد. آری که طبعاً آن صورت مطلوب رهبری نبود. آنچه در روزهای ۲۲ و ۲۱ بهمین رخ داد، تاثیر قطعی در سیر رویدادهای بعدی داشته است. ما به این نقش تاریخی خود در قیام شکوهمند بهمین افتخار میکنیم.

انقلاب بهمین از این نظر یک انقلاب واقعی بوده است که برائت آن قدرت سیاسی از کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران وابسته به امپریالیسم سلطنتی و افشار و طبقات دیگر را انتقال یافت. بزبان دیگر انقلاب سیاسی که مهمترین وظیفه آن انتقال قدرت سیاسی از یک طبقه به طبقه های طبقات دیگر است، در ایران بطور کامل انجام گرفته است. در اثر این تحول رژیم شاه، سرنگون شد و جمهوری اسلامی ایران جایگزین آن گردید.

رژیم شاه بطور کلی نماینده کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ و وابسته سوبیش از همه از منافع لایه قوای آن که در آن گرایش انحصاری در حال رشد بود، دفاع میکرد. دربار شاه خود در اس این لایه قرار داشت در آستانه انقلاب سمت گیری روحانیت پیرو خمینی، که به لحاظ وابستگی های طبقاتی طیف وسیعی را در بر می گرفت، بطور عمده منافع سوزواری ملی، خرده سوزواری و لایه های آزر حمتگشان شهر و روستا را منعکس میکرد. با واژگونی رژیم شاه جمهوری اسلامی به رهبری روحانیت پیرو خمینی و با شرکت لیبرالهای طرفدار بازارگان و جریان های مشابه تشکیل گردید. بخش های دیگری از روحانیت نیز رهبری آیت الله خمینی را پذیرفتند و در استقرار جمهوری اسلامی مشارکت کردند.

در شناخت و تحلیل ماهیت و ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب تا امروز در درجه اول باید گرایشات و مسمت گریه های روحانیت حاکم را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رایج ترین و پرمشهورترین خصیصه این نیرو البته روحانیت بود، تکیه روی آئینهای کهن اسلامی و مذهبی کردن، ساخت دولتی و تمام حیات اجتماعی و تلاش برای تامین منافع روحانیت بطور کلی است. در این زمینه باید تاکید کرد که هیچ یک از طبقات و افشار جامعه بجز خود روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی، با این تمایل و تلاش روحانیت حاکم توافق کامل ندارند، اما واقعیات سالهای اخیر نشان داده است که در آخرین تحلیل حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران و ماهیت طبقاتی معین بوده است. بنا به تاکید کرد که ترکیب روحانی نیروی سلط بر حکومت به آن ویژگی خاص بخشیده و در خصلت طبقاتی آن بیچیدگی های معین ایجاد کرده است.

روحانیت حاکم به لحاظ اجتماعی و تاریخی، با خرده سوزواری سنتی سوزواری تجاری بازار و ملاکان بطور کلی محکم ترین پیوندها را داشته است. علاوه بر این در سالهای قبل از انقلاب وجود تضاد میان خرده سوزواری سنتی و سوزواری تجاری - کرافرمایی بازار که مورد بورس سرمایه کلان وابسته قرار داشتند و هم چنین فکودالهایی که زمین های خود را از دست میدادند، با رژیم شاه از یک سو و سیاست رژیم شاه در زمینه محدود کردن و اثر کردن دستگاه روحانیت شیعه از سوی دیگر، همیوندی روحانیت حاکم با افشار و طبقات یاد شده را مستحکم میکرد. بررسی منحصراً موانع ایدئولوژیک - سیاسی، خاستگاه طبقاتی، منابع تامین درآمد و محیط های فعالیت روحانیون حاکم نیز موید همین پیوندهاست.

اقتدار خرده سوزواری سنتی ایران نیز نیروی اجتماعی بسیار وسیعی را در بر میگیرد. ویژگی مشترک این اقشار آنست که بر تولید ساده خرده کالایی که در آن تکنیک عقب مانده و ابتدائی بکار میرود، متکی هستند و کمبود و کمبود و کمبود در اقتصاد کشور بر اثر رشد سوزواری وابسته و سبزه امپریالیسم برای اقتصاد کشور تعیین و خطرناک بودی قرار گرفته و افلاس و خانه خرابی و از دست دادن امکانات رشد، واقعی ترین چشم اندازی است که فراروی خود می بینند. کسبه و بیته و زران، صاحبان کارگاههای تولیدی، خرده مالکان و صاحبان واحدهای تولیدی مشابه در روستاها، مهمترین گروههایی هستند که ما آنان را زیر عنوان اقشار خرده سوزواری سنتی ایران معرفی میکنیم. اطلاق عنوان "سنتی" به این اقشار از این نظر نیز مناسب است که بر قدمت منشا تاریخی این اقشار اجتماعی، بخصوصیات فرهنگی، سوبزه مذهبی ناشی از آن هم اشاره دارد. منافع اقشار خرده سوزواری سنتی اینجاست که سلط امپریالیسم بر حیات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور در هم شکسته شود و کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری وابسته برانداخته شود. با بسن اعتبار این اقشار دارای خصلت ضد امپریالیستی مردمی هستند.

اقتدار خرده سوزواری سنتی ایران وسعت و کمیت و نیروی اجتماعی قابل ملاحظه ای دارند و به سبب یک نیروی مای در سراسر کشور در دست دهسی رویدادها تاثیر قابل ملاحظه ای بر جای میگذارند.

رشد سوزواری تجاری بازار نیز که در طول تاریخ معاصر ایران همواره با روحانیت و مذهب پیوندهای تنگ تنگ داشته است، همواره بوسیله انحصارات امپریالیستی و سرمایه های وابسته به آن سد شده است و سرمایه آن بطور عمده در برمه تجارت واحدی هم ملکداری و اراضی شهری و مستغلات و صنایع تبدیلی و تولید کارگاهی بکار افتاده است. این سوزواری از دید باز در اس سیستم سنتی توزیع داخلی کالا قرار داشته است و عرصه عمده فعالیت آن روی واسطه گیری میان مراکز تولید داخلی و بازار داخلی و همچنین واسطه گیری میان شرکتیهای بزرگ و ار دکننده کالا و فروشندهگان آن در داخل کشور متمرکز بوده است. ممر درآمد سوزواری بزرگ بازاری ایران بطور عمده همواره از طریق سود عمده فروشی کالا، بورس روی کالا، زمین و مستغلات است میشد است. این سوزواری علیرغم مقابله با رژیم شاه و سیاستها نبروتد محافظه کارانه، وابس گریانه - ارتجاعی است و در پیروسی بهیشت رفت انقلاب ملی دموکراتیک ایران، با انجام وظایف مربوط به تحولات عمیق اجتماعی مخالف میگرد و رودروای آن میایستد.

سهرحال برنامه و اهداف روحانیت حاکم را نباید لزوماً از دو جهت مورد بررسی قرار داد. روحانیت حاکم به رهبری خمینی از یک سوبیش است که به گونه ای کماتین یک پارچه، در جهت تقویت ساختار دولتی و حیات سیاسی و اجتماعی کشور، در جهت نفوذ هر چه بیشتر نقش دستگاه روحانیت در اداره کشور و تامین منافع آن، حرکت کرده است. روحانیت حاکم در این زمینه روی برافشته و جدت داشته است. از سوی دیگر روحانیت بطور کلی از دید باز با قشار و طبقات معینی در جامعه که دارای منافع متضادند، پیوندهای محکمی داشته و دقیقاً تحت تاثیر این تضادها همواره حامل گرایشات طبقاتی متضاد بوده است. روحانیت حاکم هیچگاه روی برنامه سیاست واحدی برای حل مهمترین مسایل حیاتی کشور، و در اس همه دربار ساختار اقتصادی

موضوعت نداشته است. بویژه مروری بر رویدادها و حرکت روحانیون حاکم در سالهای پس از انقلاب بروشنی نشان میدهد که جریان های مختلف در میان آنان وجود داشته که در برخورد با بنیانی ترین مسأله جامعه یعنی مسأله بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری در دو موضع کاملاً متضاد قرار گرفته اند. یک بخش از روحانیون حاکم خواهان انجام تحولات اجتماعی - اقتصادی علیه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی بود لایه های باقی جامعه بوده اند، در حالیکه بخش دیگری از آنان مجدداً کوشیده است بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری حفظ کرده و راه چپا و لگری و رشد آن محدود و مسدود نشود. در این میان نقش ویژه آیت الله خمینی در آن دوران این بوده است که، برای حفظ وحدت نیروهای حاکم و حفظ توان کافی برای دفاع از حاکمیت جمهوری اسلامی، تلاش میکرد مانع تضادها و تناقضات فاحش درون آن قرار گیرد و از طریق مانور روی منافع مشخص هر یک از جناح های مختلف روحانیت حاکم و موضع گیری های متناقض و مبهم گام بسودای و گاه بسودای آن و با توجه و تأکید مستمر روی وحدت منافع تشری - گروهی آنان جمهوری اسلامی ایران را رهبری کند.

سرنوشتی رژیم شاه و پیروزی انقلاب تناسب نیرو میان طبقات اجتماعی در کشور را در گروگان کرد و سواستی که با این پیروزی در سراسر توده های وسیع خلق وهم نیروهای انقلابی قرار گرفت، این بود که آیا انقلاب پیش خواهد رفت؟ آیا انقلاب میتواند به آماجهای اساسی خود که مردم آنها را در برابر انقلاب قرار داده اند دست یابد؟ هرگونه برخورد مسئولانه با انقلاب و سیر آن در گرو پاسخ به این سؤال بود که تغییر تناسب نیرو در کشور میان کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران وابسته به امپریالیسم و سود مجموعه اقتدار و طبقات غیر حاکم جامعه ما، تا چه میزان بوده است؟ باید بر اساس تحلیل دقیق واقعیت کشور پس از انقلاب به این مسأله پاسخ داده میشد که در نهایت، کدام مجموعه نیروهای اجتماعی با کدام تضادات در کشور برتری دارند؟ نیروهای مدافع انقلاب، نیروهای بازدارنده انقلاب و یا ضد انقلاب؟

در پاسخ باین سؤال، قبل از هر چیز باید توجه داشت که با سرنوشتی قهرآمیز و در هم شکسته شدن و فلج شدن ماشین قدرت دولتی، بطور عمده نیروی مستقیم توده ها که وسیعاً از رهبری انقلاب پشتیبانی میکردند قدرت را اعمال نمیکرد.

هر تحلیل از تناسب نیروها و بطور کلی از واقع کشور پس از انقلاب تنها با بشرطی واقع بینانه است که بر نقش تعیین کننده توده های قیام کننده در تناسب نیروها در کشور مبتنی باشد.

به علاوه این نکته نیز شایان توجه است که نه تنها توده مردم عملاً بیش از همه تحت تاثیر روحانیت حاکم قرار داشتند، بلکه در عین حال نیز روحانیت حاکم در کلیت خود، تا حد معینی این ظرفیت را از خود نشان میداد که عرصه های توده های قیام کننده را متعین کند. اگرچه روحانیت حاکم از همان ابتدا با مداخلت سازمانهای مترقی کشور در حاکمیت سرخاتنه مخالفت ورزید و به اختلاف بنیانی نسبت آزادی و برخی از جریانهای مشابه روی آورد، با این همه، نیروهای ترقی خواه کشور در گسترش جو انقلابی در جامعه و در انتها، و طرد عناصر راستگرا و ضد انقلاب و در تقویت مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حکومت نقش تاثیر عمده ای و متمیز داشتند. سیر رویدادها در کشور مختصاً از عمل سازمانهای انقلابی و مترقی غیر حاکم تاثیر میگرفت.

در عرصه بین المللی نیز انقلاب ایران از حمایت گسترده و فعال همه نیروهای ترقیخواه برخوردار بود. بویژه اتحاد شوروی با اتخاذ سیاست قاطع در برابر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نقش بازدارنده عظیمی را در مقابل با صدور مسلحانه ضد انقلاب و مداخله علیه انقلاب ایفا کرد. توازن نیروهای سیاسی در عرصه بین المللی به سود حفظ و گسترش انقلاب تاثیر داشته است.

بنابراین باید گفت که پس از پیروزی انقلاب نظر به نقش تعیین کننده توده های قیام کننده، توازن نیروها در کشور که بنسود نیروهای ضد امپریالیستی - ضد کلان سرمایه داری و ضد بزرگ مالکی در حاکمیت تاثیر میکرد و نظر به نقش و تاثیر سازمانهای مترقی که در گسترش جو انقلابی در جامعه و در مقابل و مهار نیروهای بازدارنده و نیروهای براندازی انقلاب نقش جدی داشتند، نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت نیروی برتر محسوب شده و تعرض انقلاب به مواضع ارتجاع سرنگون شده ادامه داشت. تخطی تأثیر مجموعه عوامل فوق حاکمیت جمهوری اسلامی، بسود توده های خلقی به یک رشته اقدامات مثبت و مردمی مبادرت ورزید. مصادرات شورای انقلاب و اقدامات ناهای جدید قدرت در زمینه سرکوب جناح راستگرا و رژیم شاه، مصادره اموال کلان سرمایه داران وابسته به رژیم سابق، ملی کردن سیستم بانکی، تصویب و آغاز اجرای قانون احیا، و واگذاری اراضی کشاورزی، تصویب و اجرای قانون حفاظت صنایع، رعایت نسبی آزادی فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی و از همه بهتر گسترش مبارزه ضد سلطنتی به ضد امپریالیستی و اخراج امپریالیست های از ایران، لغو پیمان های نظامی و قراردادهای با کشورهای نفت و برنجیده شدن بایگایهای حاوی سوسی و خرابکاری امپریالیسم در ایران و تبدیل ایران از زاندارم امپریالیسم در منطقه به کشوری غیر متعصب و همه وجهه نشانه زنده بودن انقلاب و پیشرفت آن در راستای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و همچنین نشانه وجود امکانات واقعی برای تداوم انقلاب و گسترش آن است.

با پیروزی انقلاب و با مشخص تر شدن صف بندی های طبقاتی درون بایگای اجتماعی حکومت، به گونه ای قانونمند تضادهای موجود بین نیروهای حاکم هم ربه تشدید گذاشت. منتهی ویژگی های خاص انقلاب ایران آن را از بسببیدگی های خاص برخورداری میسازد که یکی از جوهه بارز آن تناقضات و بسببیدگی های ناشی از داخل و تاثیر متقابل منافع روحانیت به مثابه یک قشر اجتماعی معین و منافع اقتدار و طبقات اجتماعی است.

رفقا!

دراولین ماههای پس از انقلاب دولت موقت با زرگان با اکثر اقدامات شورای انقلاب و دیگر نهادها ای که پس از انقلاب تاسیس گردید و بطور کلی با مستکبری عمومی حاکمیت در آن مقطع - البته موافق نبود و آن را "تندروی آروپایی" میگرد. در آن زمان امپریالیسم آمریکا نیز که با سرنگون شدن شاه و فوآادترین نوکر خود در منطقه را از دست داده بود، حفظ و تقویت مواضع عناصر میانه رو نظیر احزاب بورژوازی لیبرال غربگرا را بایسته عنوان تا کنیک محوری سیاست خود نسبت به انقلاب ایران دنبال میکرد. این تضادها عوامل اصلی سمت دهنده و تعیین کننده جهت رویدادهای کشور

بودند، اما صحنه تضادهای واقعی موجود در جامعه از این بفرجتر بود. در آن روزها حزب جمهوری اسلامی و شخص خمینی برای حاکمیت انحصاری روحانیت بر اساس اصل ارتجاعی "ولایت فقیه" تلاش میکردند. امری که با مخالفت عموم احزاب سازمانهای سیاسی کشور و از جمله احزاب بورژوازی لیبرال مواجه بود. سنده قانون اساسی که در آن زمان در مجلس خبرگان به تصویب می رسید با نگر دیدگاهها و برینا به روحانیت پیرو آیت الله خمینی بود و تفاوت دیدگاه و برینا به آنان را با دیدگاهها و برینا به جریانهای لیبرالی غربگرا در زمینه ساخت سیاسی نظام اقتصادی و سمت گیری سیاست خارجی به نمایش می گذاشت. در چنین اوضاع و احوالی روحانیت حاکم علامت موضوعات مورد اختلاف را بطور عمد روی موردی متمرکز کرد که جل آن درجهت مواضع اعلام شده روحانیت حاکم خواست خلق بود و تا این حد مورد هما نا اختلاف سیاست دوجناح حاکمیت نسبت به امپریالیسم بود - از امپریالیسم آمریکا بود. روحانیت حاکم در آن مقطع به این وسیله میخواست در ذهن توده های خلق این فکر بنشیند که برای تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن برای حفظ حاکمیت فئودالیستی جمهوری اسلامی و برای تسلط گرایش مردمی بر کشور و تنها روحانیون قابل اعتمادند بلکه تحقق همه آرزوهای دیرینه خلق نیز قبل از همه در گرو استقرار کامل ولایت فقیه است.

در هر حال روحانیت حاکم با برکناری از زرگان و اشغال سفارت آمریکا تغییرات فاحشی در اوضاع سیاسی کشور پیدا آورد. از یک سو حوضه امپریالیستی در کشور را گسترش داد و توده های وسیعی را به این فرقه مبارزه کشید، تا کنیک امپریالیسم برای تقویت مواضع لیبرالی در حکومت تدارک و اشغال تمام قدرت به آنان را خنثی کرد و از سوی دیگر با استفاده از فرصت، یک گام بزرگ در جهت فراهم کردن زمینه ها و شرایط ضروری برای انجام کارهای قدرت در دینیت روحانیت به پیش برداشت.

اما تحولات فوق تضادهای درون حکومت را حل نکند. از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا نیز مدتی پس از اشغال سفارت تعرض تازه ای را آغاز کرد که هدف آن درهم شکستن رژیم حاکم و روی کار آوردن رژیم مطلوب خود بود. حمله به طیس، کودتای نوزده، محاصره اقتصاد، کسب نیروهای واکنش سریع و از همه مهمتر نقشه شوم و حیانتکارانه ایجاد جنگ میان ایران و عراق بنا بر سرچشمه است. تعرض در مقابل و اغراق آمیز تا یکمیلیون و هشتاد و پنج نفر در میان این توطئه ها، نقش تعیین جنگ به انقلاب ایران از همه خطرناک تر و ضربه آن کاپری تر بوده است. پس از شروع جنگ امپریالیسم آمریکا ادامه جنگ و ادامه اشغال بخشی از زمینها را بمتناهی عمده ترین عامل اعمال فشار از خارج، و دامن زدن به تفرقه و خصومت در میان نیروهای ضد امپریالیستی در داخل کشور را بمتناهی عمده ترین عوامل فشار و تا بودی توان انقلاب از درون بکار گرفت. نیروهای دست راستی، محافظه کار و مترجم درون حکومت نیز با استفاده از این اوضاع تعرض و راضی اغراضی را میسر کردند و روند املاحات اجتماعی آغاز کردند و بر همین فشارها و در فشارهای از سوی خمینی روند انجام املاحات ارضی متوقف شد. اوضاع موجود بویژه حضور نیروهای وابسته به بورژوازی تجاری در حکومت نیز به آن امکان میداد چپال بی مان خلق را چندین برابر افزایش دهد. مواضع خود را در اقتضا دکشور تحکم کند. ادامه جنگ نیز در این راستا بسود آنان تاثیر میگذشت.

تشدید توطئه های امپریالیسم بویژه شروع جنگ کاپری آمده ای آن، تشدید فشار همه جانبه بر نیروهای ارتجاعی کشور برای تغییر سمت گیری جمهوری اسلامی، تضادهای درون حکومت، معلق ماندن اطلاعات اقتصادی و تشدید فشار روحانیت حاکم برای انحصار کردن قدرت و تناقض فاحش در مواضع آن از اوایل سال ۵۹ به تکیه یکی از احادترین بحران های سیاسی دوران پس از انقلاب در کشور منجر گردید که در اواخر سال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ به اوج خود رسید.

این بحران و نیز زمینه ها و بوی آمده ای آن تا ثیرات معینی بر ذهنیت توده های بویژه اقتدار متوسل جامعه برخی از نهاد دونا راضی از اوضاع موجود کشور، و گسترش می داد و در جهت گامی اعتقاد مردم به حکومت تا تشریح گذاشته با این وجود در آن زمان روحانیت حاکم هنوز از حمایت توده ای وسیعی برخوردار بود. در آن زمان وسیع ترین توده های خلق از حکومت میخواستند و از آن انتظار داشتند که برای تحقق مایع خود در زمینه تامین آزادی و عدالت اجتماعی اقدام کند. آنان نه تنها در مقابل تعرض برای سرنگونی رژیم بی تفاوت نبودند بلکه در مقابل آن می ایستادند. وجود جنگ و حضور نیروهای اشغالگر در خاک ما و مسئولیت حکومت در دفع این جنگ و نظامی مستقیم خارجی نیز موجب می شد که توده مردم علی رغم همه تناقضات و تردیدها ای که نسبت به راه آینده حکومت داشتند با گشایش یک جبهه داخلی علیه حکومت استقبال نکنند و بسیاری ایستادگی، در مقابل نیروهای مخالف عادلانه از حکومت پشتیبانی کنند. این بحران در عین حالیکه خود، از جمله از تشدید تضادهای درون حکومت ناشی می شد متقابلاً به این تضادها دامن میزد. بویژه این انتخاب بنی مدرسه عنوان رئیس جمهوری و استقرار نهاد های حاکمیت جدید در طول سال ۵۹ کشمکش میان رئیس جمهور و حزب جمهوری اسلامی و ریزش در حاکمیت می تدوین می کرد و تحت تاثیر خود می گرفت. با شکل گیری و مشخص تر شدن صف بندی ها در بین نیروهای پیرو خمینی، برخی از روحانیون لیبرال و محافظه کار و غیر وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بویژه مخالف مواضع به تشریح در جستجوی جریانی که بتواند این مخالفت را تقویت کند، جانب بنی صدر را می گرفتند. در حزب جمهوری اسلامی نیز صف بندی ها در حال گسترش بود و یک جناح نیرومندان، از جمله حقیقه، هیاتهای مولف و متا لهم ضمن اینکه از موضع به غایت تشریحی و به غایت ارتجاعی، علیه بنی مدرک آزادی صحبت می کردند برخاسته بودند، با اطلاعات اقتصادی نیز شدت مخالفت می کردند.

دولت های امپریالیستی و بویژه اروپایی و اکثر بورژوازی های وابسته و غربگرا نیز در این کشمکش بی طرف نبودند. آنها از بنی صد حمایت می کردند و خود را در حفظ تقویت مواضع او در حاکمیت و در برابر جناح مقابل بیشتر تبلیغ می دیدند. از سوی دیگر انحصار طلبی و تشریحی گری مغرور روحانیت حاکم بسم و تکرانی تمام خلق بویژه اقشار متوسط جامعه از سبب راه کامل آن در همه شئون زندگی اجتماعی موجب شد که علاوه بر طبق وسیعی از نیروهای ابوزیسیون بورژوازی حکومت، بسیاری از نیروهای دارای تمایلات بورژوازی دموکراتیک حتی برخی از جریانهای انقلابی نیز در مقابل حزب جمهوری اسلامی از بنی مدرک می کوشید مردم راه امکان استقرار یک دموکراسی حزب زوایی از نوع اروپایی آن تحت رهبری خود میداد و سازد پشتیبانی کنند.

نا همگونی و اغتشاش فاحش در صف حامیان بنی صدر، در واقع تا حد معینی تحت تاثیر تناقضات فاحش در موضع گیری و سمت گیری رهبران حزب جمهوری اسلامی و در ترکیب طبقاتی متضاد روحانیت حاکم بود. موضع گیری ضد امپریالیستی و سمت گیری ضد بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته با مخالفت اقتدار با لاسی بورژوازی، و انحصار طلبی و تشریحی مغرور و آزادی سنجی قرون وسطا فکری و تلاش برای استقرار کامل سبب راه دستگا روحانیت و مذهب در دولت و جامعه با مقاومت عموم نیروهای اجتماعی مواجه بود. بنی صدر تلاش داشت با محور قرار دادن خصوصیت اخیر، طیف هرچه وسیعتری از طبقات اجتماعی را بسوی خود جلب کند.

از او خسال ۵۹ به بعد امپریالیسم، تمام محافل راستگرا، محافظه کار و تشریحی درون حکومت و نیروهای ابوزیسیون ارتجاعی فرصت را مغتنم شمرده همه تلاش خود را بکار گرفتند که با تشدید تفرقه موجود در صفوف نیروهای ضد امپریالیستی کشور را

این دست‌چربان دارد. اما راست این است که هنوز زمان و روند گسترش رویدادها پاسخ این سوال ها و وظایف ناشی از آن را روشن نکرده است؛ پاسخ این سوال ها را مبارزه و عمل نیروهای ترقی خواه و رویدادها و رویدادهای که در آینده گسترش خواهد دادند و در آخرین تحلیل تناسب نیروهای آنها در پیروسی انتقال قدرت خواهد داد.

در حال حاضر متناهی با ضرورت ها و نیازهای کنونی جنبش انقلابی کشور ما فقط سه سبیل اساسی زیربنا می‌یوردیم و توافق نیروهای ترقی خواه کشور قرار می‌گیرد:

۱- اشتراک مساعی و اتحاد عمل نیروهای ترقی خواه کشور هر چه گسترده تر شود و اتحاد آن در یک جبهه واحد متعین گردد. توافق بر سر این مسایل و راه دست‌بازی به آماج‌های جنبش انقلابی کشور ما، راه پیروزی و پیروزی خلق زحمتکش را می‌کشد.

۲- واقعیت این است که وجود اعتقادات، دیدگاهها و رزبانی‌های متفاوت در صف نیروهای مترقی ایران امری کاملاً طبیعی و گریزناپذیر است. این اختلافات و پیچیدگی‌ها نباید وسیله فزونی و درودرویی بآید که گریزناپذیر است. این با آن نیروها را رها کند. مسئولیت انقلابی، مردمی و میهنی حکم می‌کند که نیروهای مترقی آینده را برنگردانند و نقاط اشتراک تکیه کنند.

۳- سازمان ما همواره برای اتحاد نیروهای فدا میهنی لیستی و مردمی کشور نقش و اهمیتی اساسی قابل بوده است. امروز نیز این نقش و اهمیت به اعتبار خودیاتی است ما باید امروز با زهم بیشتر تلاش‌های خود، برای اشتراک مساعی، همکاری، اتحاد عمل و اتحاد همه نیروهای خلق بی‌افزائیم. ما به نوبه خود از هر نوع برخوردی که به سوء تفاهم و تفرقه میان نیروهای دمکراتیک ایران منجر شود، خودداری می‌کنیم و متقابلاً انتظار داریم که دیگران نیز، از چنین روشی پیروی کنند.

هر کسی که پیشنها در اتحاد در یک جنبه واحد مطرح کند یا لزوماً "باید این را هم پاسخ گوید که این اتحاد تحت رهبری، با سرگردگی کدام نیرو انجام می‌گیرد؟ ما همواره در این باره نظر مشخص داشته‌ایم. ما البته همواره معتقد بوده‌ایم که درجه پیگیری و سرافرازی انقلاب ملی دمکراتیک در آخرین تحلیل تابع آن است که این سرگردگی برعهده کدام قشر و طبقه جامعه قرار می‌گیرد. تجارب تمام خلق‌های پیروز مند نشان داده است که تنها رهبری طبقه کارگر و با سازمان پیرو سوسیالیسم علمی است که پیگیری انقلاب ملی و دمکراتیک را تضمین می‌کند. بر همین پایه است که ما حداکثر توان خود را در راه اتحاد میان سرگردگی طبقه کارگر و پیگیری لیستی و اتحاد فعالیت نشان می‌دهیم که امر سرگردگی فقط به خواست و تمایل ما برای قبول این مسئولیت مربوط نمی‌شود. ما عامل قطعی در این مورد، قتل از همه بر اساس تناسب قدرت و نفوذ نسبی هر یک از نیروهای خلقی در پیروسی انتقال قدرت و در آخرین تحلیل به وسیله رای و آراء مردم تعیین می‌شود. ما بلاخره با تکیه بر باید گفت که مشروط کردن همکاری ما و اتحاد عمل نیروهای خلق به حل مساله سرگردگی، عملی است به غایت تفرقه‌جویانه که بزبان مصالح خلق تا نبر می‌کند. افزاینده و نقش طبقه کارگر در درجه متعادل و در راه تحول سنیادین جامعه در کشور حفظ، تحکیم و گسترش وحدت فکری و سازمانی گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر و گسترش پیوند سیاسی و سازمانی آنها با طبقه کارگر است. با اشتراک رزبانی تاریخی سازمان ما، مبارزه و پیگیری و خستگی ناپذیر آن در این راه بوده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، به مناسبت سرگردگی و گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر در عرصه‌ترین مسایل همواره مواضع یکسانی داشته‌اند. حفظ و تحکیم این وحدت برای جنبش انقلابی طبقه کارگر و تمام خلق‌های امید آسای دارد. ما همچنان وظیفه داریم با حداکثر تلاش و حداکثر احساس مسئولیت انقلابی در این راه، در راه وحدت همه‌جانبه این دو گردان نیرومند و کارآزموده طبقه کارگر ایران کاملاً در یک خط و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، همکاران و متحدان ما هستیم. ما همچنان هرگونه پیشرفت در این راستا را سود خلق و در راه آن سود طبقه کارگر ایران می‌دانیم و در راه آن از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد.

در شرایطی که ارتجاع حاکم حزب توده ایران را موردزدیانه‌ترین انتباهات و ددمنانه‌ترین سرکوبها قرار می‌دهد، در شرایطی که جماعت سرکوب امپریالیسم و ارتجاع متوجه حزب توده ایران است، ما دفاع همه‌جانبه از حزب توده ایران را به مثابه یک وظیفه انقلابی و میهنی قاطع و بی‌گسسته انجام رسانیم.

سیاست و سمت گیری هیات حاکمه کمپارتی و اتحاد همه نیروهای فدا میهنی لیستی دمکراتیک و انقلابی را بیش از پیش ضروری کرده است. متعین و مدبرانه پیگیری و پیگیری جبهه‌ها را به اشتراک مساعی، همکاری و اتحاد عمل با دیگر نیروهای ترقی خواه کشور، در راه دستیابی به اهداف مشترک قرار می‌خواهیم. ما همواره در این راه تلاش کرده‌ایم همواره این گروه‌ها را با پیوستگی و اتحاد عمل با هم پیوند می‌دهیم و در پی پیروزی و به مبارزه فعال علیه سکتاریسم و انفعال طلبی فراخوانده‌ایم. متأسفانه این گروه‌ها در سال‌های اخیر با انتساب بدترین دشنام‌ها به سازمان و عملیات پیگیری یک فضای سالم برای ما ساخته اید و کوشش‌های ما را به سوی اهداف مختلف لطمه زده‌اند. ما اگر از این دشنام‌ها صرف نظر کنیم، در برنامه‌ها و در سیاست ما و آنها زمینه‌ها و مواضع مشترک اساسی وجود دارد که می‌تواند با بدسربازی آنها در جهت همکاری ما و کمک‌های متقابل آغاز به کار کرد. ما فکری نمی‌کنیم همکاری‌های متقابل ما علیه امپریالیسم، علیه ارتجاع حاکم در راه صلح و آزادی و در راه استقلال و عدالت اجتماعی امکان پذیر و لازم است. این همکاری‌ها به یقیناً سودبخش است و در شرایط متقابل ما نیز تا شریکیت بر جای خواهد گذاشت.

اوضاع کنونی کشور و سیاست و سمت گیری فدا میهنی و فدا میهنی هیات حاکمه، همکاری و اشتراک مساعی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران در راه آماج‌های مشترک ضروری می‌سازد و آن را به امری مستلزم میدان می‌کند. ما در این راه تلاش خواهیم کرد که علیرغم اختلاف نظرهای موجود و همکاری‌های متقابل ما در هر سه جنبه مبارزه فدا میهنی لیستی، آزادیخواهانه و عدالت‌پژوهانه خلق ایران بسط یابد. ما برنامه خود را در پی پیروسی ترقی خواهی و ترقی خواهی ایران، از جمله سازمان مجاهدین خلق ایران ارائه داده و از آن‌ها دعوت می‌کنیم که حول این برنامه با هر برنامه دیگری که مورد توافق طرفین قرار گیرد و زمینه اتحاد همه نیروهای ملی و دمکراتیک ایران گردد، متحد شویم. علاوه بر این با توافق کامل روی برنامه مشترک، از همکاری‌های میان ما و آنها در زمینه‌های مورد توافق معوق بماند. حقیقت اینست که ما و مجاهدین همسایه امروز در عرصه‌های معینی، از جمله در مبارزه با فاشیسم و زگردانیدن سلاطین طبقه کشور، با استقرار دمکراسی در کشور و پیروسی حقوق دمکراتیک مردم ایران همسو با یکدیگر کاملاً هم‌رأییم. جبهه اعتقاد ما این هم‌عملی و هم‌فداست که به عنوان در هر عرصه‌ای که سیاست و مبارزه دوسا زمان هم‌سو است همکاری و اشتراک مساعی ما با یکدیگر گسترش یابد.

اینجاست که ما در این رابطه باید گفت آست که "آنها قبلاً" ما هم می‌توانیم با این کار و مال و روزهای خود یافته بودند، اما امروز پس از خیانت آشکار رهبرانی که برگزیده بودند، عملاً سرگردان و پراکنده مانده و فاقد رهبری خاصی خود هستند. خمینی علیه شکل آن است. این پراکندگی و فقدان رهبری تا امروز عملاً به موقعیت آنان لطمه زده و مورد بهره برداری ارتجاع حاکم قرار گرفته است. نظر ما این است که این نیروها اگر نخواهند در جنبش استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه خلق ما جای خود را داشته باشند، لزوماً باید متشکل شوند و به مردم‌دستان کنند که به مسئولیت وضع موجود کشور برعهده آنهاست و نه آنچه که این حکومت می‌کند، موافقتند. اینکار قبلاً از همه مستلزم آنست که مسلمانان مبارزه اختلافات و تضادهای جریانی را رها کرده و با هم متحد شوند و با هم متحد شوند و با هم متحد شوند. آنها را فقط به دست‌خاستن به انقلاب تبدیل خواهد کرد. در هر حال فعلاً وظیفه ما این است که از هر مورد مخالفت مبارزه و ایستادگی آنها بدریاری ارتجاع حاکم جدا نیست کنیم و هر مورد عقب‌نشینی و تسلیم را محکوم و افشاء کنیم. علاوه بر این ما این است که نه این نیروها کمک کنیم، حقایق را در باره حکومت و اوضاع کشور در یادمان نماند که خمینی، شورائی، نگهبانان و دیگران در این حکومت که بنام اسلام، از کلان تا جراح و بزرگ مالکان با ساداری می‌کنند تا زمانی که قدرت را در دست دارند هیچکدام از نیروهای مردم‌پسند و فدا میهنی ما نیستند. این نیروها باید دست‌های دیگر نیروهای میهن دوست و مردمی ایران را برای پایان دادن به حاکمیت این مرتجعین و تشکیل یک دولت انقلابی ملی دمکراتیک را بپذیرند.

کامیابی سازمان ما در دست‌بازی به اهدافی که فراروی خود قرار داده‌ایم در گرو آنست که در این اوضاع بی‌فرج و دشوار کشور، ما فداشانی خلق ایران به وظایف بنیادین خود هر چه بیگسسته‌تر عمل کنیم. به همان میزان که نقش و تأثیر ما در اوضاع سیاسی کشور و در مبارزه توده‌های وسیع زحمتکشان با لامبک‌بورد، استقبال هر چه وسیع‌تر توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه‌جانبه و پیوسته توده‌های خلق از اهداف و شعارهای ما، زمینه‌های همکاری همه‌جانبه و پیوسته ملی و دمکراتیک ایران و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را گسترده‌تر می‌کند. در این رابطه باید وظایف اصلی و مشخص سازمان را با توجه به اوضاع کنونی کشور مورد بحث قرار دهیم. نظریه اهمیت این مسئله، فصل بعدی گزارش سیاسی تحت عنوان "اوضاع سیاسی و وظایف ما" در شماره‌های این مجله است.

اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر

میان ما ایران، اکنون روزگار سی‌دو ساله و خون‌ریز امپریالیسم و انقلاب بزرگ سپهر، این ترازو شکوهمند بزم روزم توده‌های میلیونی، بر اثر نوظهورهای امپریالیسم سرگردگی آمریکا و خرابی‌ها و بحران جمهوری اسلامی راه نکستی می‌پیماید و آماج‌های والای آن با اعمال ارتجاع می‌گردد. امروز حکومت در همه جنبه‌های سیاستی ارتجاعی را گسترش می‌دهد. تشبیه‌ها را رشد سرمایه‌داری به قیمت حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، آزادی‌فراگیری لجام سنجیده زحمتکشان توسط سرمایه داران و زمین‌داران بزرگ، برقراری روابط افساردار با امپریالیسم، دام‌زدن به هیستری شوروی سنجی و کمونیزم ستیزی و اعمال خشن‌ترین سرکوب و ستم بر خلق کرد و دیگر اقلیت‌های ملی و مذهبی و با اعمال کردن حقوق زنان در جامعه و خانواده، دشمنی با علم و ستیز با فرهنگ ملی ایران روشن بر نامه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است.

ادامه جنگ ایران و عراق، لغو همه حقوق و آزادی‌های دمکراتیک برقراری شدیدترین شکل خفقان و استبداد و سرکوب‌خوبین حرکات اعتراضی و مطالباتی کارگران و رنجبران به ابزارهای اصلی اجزای این سیاست و برنامه، حفظ و تحکیم حاکمیت تبدیل شده است. تلاش برای برکنار کردن صفوف خلق و سرکوب‌ناپذیری سازمانهای انقلابی و مقاومت و مبارزه مردم پایه سیاست ارتجاع حاکم است.

مصلح ملی و منافع مردم پیش از هر چیز و بیش از همه اتحاد نیروهای خلق ایران و اتحاد با جامعه کشورهای سوسیالیستی و رزمه‌ها و نیروهای ضد امپریالیستی در جهان را مطلبید، ارتجاع حاکم با هر یک از دشمنان و دردم گزینان نیروهای خلق در داخل و گسترش هرگونه وابستگی و دوستی کشور ما با کشورهای و نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست جهان، به خلاف مصالح ملی، خواستها و آرمان مردم عمل می‌کند. ارتجاع حاکم می‌کوشد تا گردآوری همه نیروهای مرتجع در کشور و بهره‌مندی هر چه بیشتر از پیشرفت‌های غرب و وابستگی آن، فرمانروایی خود را حفظ و تحکیم کند. کاربست این سیاست به تقابل خشن هیات حاکمه با منافع اساسی خلق و به گسترش جنبش اعتراضی و مطالباتی مردم منجر شده است و امکان ادامه حیات آنسرا، بدون توسل به سرکوب و غلطیدن بیشتر به آغوش دشمنان خلق دشوار و دشوارتر ساخته است.

جنبش ملی خلق کرد، بخشی از جنبش‌های ملی ایران است. این جنبش در طول تاریخ معاصر ایران همواره سلاح نیرومند و طبیعتاً بخش خلق‌گسردار

رفقا!

در راس سیاستهای خائسانه ارتجاع حاکم وتوطئه های امپریالیسم آمریکا که بر ضد مصالح ملی وعلیه خواستها وآرمان مردم میهن ما جریان دارد، ادامه جنگ ویرانگر توسط رهبری جمهوری اسلامی قرار دارد. حکومت برای شعله ورنگهداشتن آتش جنگ بهر قیمت هر روز دردهای تازه ای بر دردهای مردم می افزاید. جنگ ایران وعراق به تشویق وتحریک امپریالیسم آمریکا وتوسط رژیم صدام باهدف صدور ضد انقلاب وتحزیم کشور آغاز شد. اما مقاومت دلیرانه مردم این هدفها را خنثی کرد وسرانجام پس از ۲۰ ماه نبرد قهرمانانه در سوم خرداد ۱۳۶۱، به پیروزیهای قطعی دردفع تجاوز دست یافت. اما با این وجود، آیت الله خمینی با این حساب که میتوانست مردم را به درجش فتح خرمشهر عالیترین احساسات میهن پرستانه را بیهوش نماید گذاشتند. در راه آماج های مداخله گرانه بسیج کنند علیه مردم همدارهای مسؤلان و میهن پرستانه ما فرمان ادامه جنگ سرتوگی صدام را صادر کرد و بدینگونه انقلاب وکشور را در مسیر توطئه ای قرارداد که امپریالیسم آمریکا وارتناع منطقه تدارک دیده بودند. اما همانطور که پیش بینی میشد، حساب های او غلط از آب درآمد وطولی نکشید که جنگ شکل فرسایشی و بی سرانجام بخود گرفت. اکنون هر روز سر عمر جنگ افزوده میشود. موضع کشور مادرتامین منافع وحقوق ملی، ضعیف تر وحضور ومداخله امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس واقیانس هند، بیشتر میشود. ارتجاع حاکم که خود را در برپایی جمهوری اسلامی در عراق ناتوان می یابد با اینکه می فهمد دستیابی به هدفهای که از ادامه جنگ فرا روی خود قرار داده بود شکست خورده است، تلاش میکند تا با شعله ورنگهداشتن آتش جنگ این شکست را پنهان سازد. ادامه جنگ در حال حاضر از یک سو وسیله کنارت آمدن با ارتجاع منطقه وغرب واز سوی دیگر در خدمت پنهان کردن خیانت وجنایات بی شمار ارتجاع از مردم قرار گرفته است.

رفقا!

همه ما که امروز در اینجا گرد آمده ایم، هریک مدتها در زندانهای شاه بسر برده ایم، با دروغ واندهه بسیار باید بگوئیم بسیاری از همزمان وهمنجبران ما، بسیاری از رفقا ودوستان مبارز ما که سالهای طولانی را در زندانها وشکنجه گاههای رژیم شاه، در کنار ما بسر آورده بودند امروز دیگر در میان ما نیستند. آنها در حالیکه هنوز داغ شکنجه های رژیم سرگون شده شاه راهم چون مدال افتخار برپیکرهای خود نشانده داشتند، توسط جوخه های اعدام رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شدند. کشتار این شریف ترین فرزندان میهن ومردم سیاه ترین لکه شنگ بردامن بخون آلوده ارتجاع است. بیایید در اینجا بار دیگر بیاییم وباسکوت رزمجویانه خویش خاطره تابناک آنان وهمه شهیدان خلق را گرامی بداریم. (یک دقیقه سکوت اعلام شد.)

رفقا!

امروز دهها گروه مسلح با عناوین ووظائف عجیب وغریب، بینه تعقیب وبیگرد وسرکوب مردم وانقلابیون مشغولند. رژیم سگتکادهها دارو دسته مسلح مخفی وطنی، با شکه گسترده ای از زندانها وشکنجه گاهها در خیال خام خود میخواهد انقلاب وجنیش انقلابی خلق ما را نابود کند. وضع زندانهای جمهوری اسلامی وجنگجویی نازجویی ومحاكمه آسان آئینه تمام نمای این نیت فاشیستی رژیم است. درحربان "بیگرد"، "تحقیق" و"محاكمه" ومجازات زندانیان در ایران آمیزهای از شیوهها وسائل قرون وسطایی ونیز اسلوبها وتکنیکهای فوق مدرنی که از زمانهای جاسوسی غرب اخذ شده است، استفاده می شود. زندانیان سیاسی در ایران فاقد هرگونه حقوق اجتماعی وبشری، ناقدهرگونه تامين جانی وفاقد ابتدائی ترین امکانات زیستی هستند. در سیدادگاههای رژیم، مطلقاً هیچ قانونی وجود ندارد که بر انتها محوئی سیمانه مشتی اصطلاح قضات شرع کوچکترین مهابری بزنند.

بازگردانیدن دموکراسی به کشور، هدف مشترک ومقدم مبارزه همه نیروهای ملی ودموکراتیک ایران است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای جنایات رژیم، علیه آزادی ودموکراسی وبسیج همگانی علیه آن ومبارزه در راه استقرار دوباره دموکراسی درکشور را وظیفه مهم خود اعلام میکند و دیگر نیروهای خلق را به مبارزه مشترک در این راه فرا میخواند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هماهنگی مبارزه همه نیروهای دموکراتیک در دفاع از آزادیهای سیاسی، به ویژه آزادی زندانیان سیاسی بیگمرانه تلاش میکند.

سازمان ما از طریق ارگان مرکزی سازمان تشکیل یک نهاد مشترک برای دفاع از زندانیان سیاسی را پیشنهاد کرده و فراخوان ویرنامه روشنی را برای دفاع از زندانیان سیاسی ارائه کرده است. امروز ودراین گردهمایی تاریخی بار دیگر این پیشنهاد تکرار میکنیم و سایر نیروهای مبارزه سازمان مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان، و دیگر سازمانها وگروههای چوانقلابی را به فعالیت هماهنگ ومشترک در راه تامین آزادیهای سیاسی ودفع از زندانیان سیاسی دعوت میکنیم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به اقدامات مجامع ومحافل بین المللی در حمایت از زندانیان سیاسی ارجحیت میدهد. در این روزهای دشوار تاریخ کشورمان بار دیگر از همه نیروهای ترقیخواه جهان دعوت میکنیم که بر حمایت خویش، از مبارزه مردم برای پایا نهادن به رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور بافرایند.

ارتجاع حاکم افزون بر ناسودی آزادیهای سیاسی، دیگر آزادیهای دیمکراتیک رانیز نفی وپایمال کرده است. امروز طبقه کارگر وتوده های رنجبر کشور ما از هرگونه امکان وحق شکل ومبارزه قانونی در دفاع از حقوق خویش محروم گشته اند. حکام جمهوری اسلامی در طول سالهای اخیر همواره تلاش کرده اند سندیکاها وشوراهای کارگری را منحل وسخن کنند وبآنها را به اهرم فشار علیه کارگران مبدل سازند. آنها همواره تلاش کرده اند نگذارند کارگران برای خود سندیکا و شورای مستقل ایجاد کنند. دیگر اقتدار زحمتکشان نیز همیدگونه زیر فشار قرار دارند واز حق ایجاد تشکلهای منفی وطبقاتی ودفاع قانونی از حقوق خود محرومند رژیم می گوید دهقانان را در حالت پراکندهگی نگهدارند تا در برابر دولت و مالکین دست بسته باشند. دهها هزار کارگر وکارمند وآوزگار واستاد به دلایل عقیدتی، بدلیل عدم متنوعت از ایدئولوژی وسیاست حاکم، بدلیل طرفداری از انقلاب وامتنوعت اجناسوسی برای رژیم از کار اخراج شده اند. کارگران، دهقانان کارمندان، دانشویان ودانش آموزان وبیگر اقتدار مردم امروزمبارزه خویش را علیه این اقدامات رژیم می کنند. گسترش میدهند.

حکومت جمهوری اسلامی رژیم می سبقته ترین تبعیضها براساس مذهب، عقیده وملیت است. این تبعیضها در عرصه آموزش وبسزوروش مجانی رسیده که حتی کودکان به جرم وابستگی خانوادگی بانبروهای انقلابی و اقلیتها مذهبی، با ارتخصل محروم میشوند و یاد میگیرند. آموزش زیر شدیدترین فشارها برای ششوی مغزی قرار میگیرند. اقلیت های دینی، حتی برای سرگزاری مراسم مذهبی بازرسان وایش خاص خود شدیداً زیر فشار قرار دارند. سازمان ما همه امکاناتی که در اختیار داشته از حقوق اقلیت های دینی دفاع کرده وکوشیده است تا مبارزه آنها را در راه تامین حقوق حقه خویش ست دهد ومدت رابه حمایت از مبارزه آنان فراخواند. این وظایف امروز با تاکید بیشتری در برابر مقرر دارند. فدائیان خلق تفرقه افکنی واشاعه شوونیسم مذهبی در صفوف خلق را قاطعانه افشا میکنند وهمه سازمانهای انقلابی ومیهن پرست، خصوصاً نیروهای مبارز مسلمان را به مبارزه هرچه گسترده تر در این راه دعوت می نمایند.

این جنگ مصائب بزرگ بر شماری برای مردم ما بار آورده است. تاکنون از دوسو تقریباً ۳۰۰/۰۰۰ نفر کشته، دویست میلیون آواره، دهها هزار نفر گمشده وصدها هزار نفر معلول شده اند. برابر گزارش رسمی خود حکومت ۴۲٪ بودجه کشور صرف جنگ میشود. درینج استان، بخش اعظم تولیدات خوابیده وجنبدین شهر مهم وصدها روستای کشور ویران شده است. مطابق گفته رئیس جمهوری اسلامی طی سه سال، از سال ۶۰ تا پایان سال ۶۲ مبلغ حدود ۱۴۰۰ میلیارد ریال صرف هزینه های جنگ شده که اگر هزینه در نظر گرفته شده در بودجه سال ۶۲ را نیز بر آن بیافزاییم به رقم نجومی ۱۷۷۰ میلیارد ریال میرسد. طبق آمار دولتی خسارات وارده بر ایران تنها تا پایان سال ۶۱، ۱۶۲ میلیارد و ۶۷۷ میلیون دلار است که سهم خسارات مستقیم آن به ۸۰ میلیارد دلار بالغ میشود.

سایت ادامه جنگ در عمل به عامل کارآمد وموتور تعویض نیروهای راستگرا در حکومت وسیله پیاده کردن اهداف وایستگرایانه وضع خلقی توسط آنان تبدیل شد. در حال حاضر ادامه جنگ از همه ترین عوامل تهدید استقلال، حق حاکمیت وتما میت ارضی میهن ما است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از فتح خرمشهر، در پیروزیها مسئله جنگ تا امروز همدوش وهمزام با حزب توده ایران از یک سیاست اصولی، مسؤلانه ومنطبق با مصالح ملی ایران پیروی کرده است. ما (پس از فتح خرمشهر) ادامه جنگ را فقط به نفع محافل حاکمه آمریکا و به زبان دوشکور ایران وعراق اعلام کردیم وهمواره مخالف گسیل نیروها داخل خاک عراق وموافق برقراری فوری آتش بس وطلع برای اسحق حاکمیت وتما میت ارضی طرفین برابر قرار داد ۱۹۷۸، عدم مداخله در امور داخلی کوچکتر وحل تمام مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره بوده ایم. ما امروز نیز همچنان از همین سیاست اصولی پیروی میکنیم. ادامه جنگ با مخالفت واعتراض روز افزون توده های خلقی مواج است. اکنون دیگری بدستی میتوان از یک جنبش اعتراضی علیه ادامه جنگ سخن گفت که در سراسر میهن، گسترش میابد. سازمان ما در شهرها وروستاها کشور نقش کاملاً موثری در گسترش این جنبش بر عهده گرفته است. شعارها ورهنمودهای ما در مقابله با این جنگ خائسانوز در میان توده ها نفوذ میکند وباستقبال روز افزون مردم میهن مواج است. ما مبارزه در راه بازگردانیدن طبع میهن دوشکور را در صدر وظایف خود قرار داده ایم. ما بایده بسیج مردم علیه جنگ وبرای طبع رابا زهم بیشتر گسترش بدیم، باید با زهم بیشتر زبانهای جنگ ومسؤلوت هیات حاکمه در تحمیل آن به مردم را افشای کنیم.

ما خواهان آن هستیم ودراین راه تلاش میکنیم که مبارزه همه احزاب، سازمانها، گروهها، محافل وشخصیت های صلحدوست ومیهن پرست ایران هم آهنگ شود وهمکاری بین آنان مبارزه با خاطر مسلح گسترش یابد. آرزوی مردم ما است که تلاش برای اشتراک سیاسی، هماهنگی واتحاد عمل همه احزاب، سازمانها وشخصیت های مترقی ملی وطبع خواه ایران علیه ادامه جنگ با نتایج موثر ومثبت مواج گردد.

ما برای کوششهای ملح طلبانه کشورها، سازمانها ومجامع بین المللی ومحافل ملیت دوست جهان نیز که در راه قطع پلاد رنگ جنگ اهتمام می ورزند، اهمیت ویژه قائلیم. تلاش های سازمان ملل متحد، در زمینه محدود کردن جنگ الیته تاثیر مثبت داشته است. ما از این تلاشها استقبال کرده، وتلاش می کنیم که این مجامعات واقدمات مجامع بین المللی بویژه سازمان ملل متحد وجنش غیر متعدهها، ادامه گسترش بیابد.

امروز همه انقلابیون ومبارزان راه استقلال، آزادی وعدالست اجتماعی با هر عقیده وجهان بینی، در معرض بیگرد های گسترده وشکنجه وآزار دهنده هستند. نه تنها عضویت ساده در هر یک از احزاب وسازمانهای انقلابی، بلکه صرف داشتن یک اعلامیه از این سازمانها یا صرف خواندن یا نگیندشتن یک کتاب ویا حتی تنها پیوند خانوادگی یا دوستی با یک انقلابی کافیت تا افراد را آماج بیگرد و شکنجه وانتنفاججوی رژیم وجلادان آن قرار دهد. فدائی وتوده ای ومجاهد دیموکرات ووابستگان دیگر سازمانهای انقلابی چه از نظر رژیم، می نفسه مجرم واز بیش محکوم شناخته می شوند. رژیم حاکم تاکنون هزاران انقلابی ومیهن پرست را به شهادت رسانده است. در این میان بیش از هزار نفر از شهدا از زنان مبارز کشور ما بوده اند. هزاران نفر از آنان نوجوانانی بودند که تنها جرمشان داشتن تلبی گرم برای آزادی میهن وسعادت مردم بود. در میان شهیدان، مادران هفتاد

جامعه داشته باشند، از طریق چپاول مردم وامهای استقلال کشورهای هفگفت می اندوزند. فعالیت اقتصادی کلان تا جران یکی از عمده ترین عوامل گرانی و تورم در سطح کشور است.

بنابه گزارش بانک مرکزی حجم پول در پایان سال ۶۲ نسبت به سال ۵۷ حدود ۲۱ برابر گردیده است. به اعتقاد وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در سال ۶۲ بخش "خدمات ۲۸۰ میلیارد تومان ارزش افزوده" داشته است، درحالیکه در بخش های تولیدی (صنعت و کشاورزی) نصف و یا ثلث آن هم نبوده است. به عبارت دیگر "تجارت محترم" با حمایت سران رژیم، تاکنون صدها میلیارد از درآمد و ثروت ملی را بفرات برده اند.

برخلاف تصویب صریح قانون اساسی آیت الله خمینی در چهارم شهریور ماه امسال با دیگر به صراحت تمام سپردن تجارت خارجی بدست بخش خصوصی را مورد تأیید قرار داد. نقض استقلال شکن این سیاست، موقعی آشکار می شود که بخاطر آوریم به اعتراف مقامات رسمی کشور ۷۰٪ واردات از کشورهای امپریالیستی و ۲۰٪ واردات از کشورهای وابسته

به امپریالیسم بویژه از ترکیه و پاکستان و برزیل است. سیاست رسمی رژیم همان طرح نواستعماری تکیه بر صادرات نفت و واردات کالاهای مصرفی است. علیرغم شعارهای دروغین حکومت در مورد "خود کفایی اقتصادی" رشد واردات به بهای نابودی تولید ملی در ابعاد ۲۴ نسجی بالا گرفته است و حجم کالاهای وارداتی در سال گذشته به سمرز ۲۴ میلیارد دلار رسیده است. بموجب آمار اعلام شده، واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی و محصولات غذایی در ۱۰ ماه سال ۶۲ از لحاظ وزن ۲۸ درصد و از لحاظ ارزش ۴۲ درصد افزایش داشته است. حجم واردات کتدم در سال ۶۲ در مقایسه با سال ۵۷ چهار برابر افزایش را نشان میدهد. که نمودار زیر بستگی اقتصاد کشاورزی در اثر سرزیرشدن کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی از جهان سرمایه داری است.

برای توضیح روشن تر سمتگیری رژیم، بدینست حقایق دیگری را نیز در این زمینه خاطر نشان کنیم. بسیاری از شرکت های امپریالیستی همچنان آزادانه در اقتصاد کشور فعالیت دارند. تنها شرکت های ایتالیایی که در ایران فعالیت دارند به ۵۰ شرکت رسیده که حجم قرارداد های آنها به ۶ میلیارد بالغ میگردد. در سال ۶۲ حجم صادرات امپریالیستی بطور شتابان رشد پیدا کرده است. صادرات آمریکا ۱۰۰٪ افزایش نشان میدهد. صادرات آمریکا به ایران طی یازده ماه سال ۱۹۸۳، ۱۷۱ میلیون دلار تخمین زده میشود که رشدی معادل ۸۰٪ را منعکس میکند. سهم واردات ایران از انگلستان روزبه روز در حال افزایش است و هم کتین ماهیانه به حدود ۵۰ میلیون لیره استرلینگ رسیده است. با موافقت رژیم انحصارات ژاپنی، در بیشتر رشته های تولید و خدمات فعال ما می باشد. قراردادهای تحمیلی و نابرابر پتروشیمی ایران و ژاپن یک نمونه برجسته است که در بزرگی رهبران رژیم در محراب امپریالیست ها را به نمایش میگذارد. ما هیت سیاست رژیم موقعی عبارتست رخ می نماید که متذکر شویم که حجم صادرات بازرگانی با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی در مقایسه با سال های حدود ۷۰٪ کاهش یافته است. اشتیاق رژیم به گسترش رابطه با امپریالیست ها اکنون، تابان است که و زیر صنایع سنگین رژیم اشکبار از ضرورت تحکیم وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم، آشکارا توضیحات رسمی و نیمه رسمی دفاع میکند.

برخلاف روح و تنهی قانون اساسی که نقش عمده را در اقتصاد کشور برعهده بخش دولتی و تعاونی و تعاونی گذاشته است، به موجب برنامه پنج ساله اول، ۶۴٪ سرمایه گذاری در صنایع سبک و سنگین برعهده بخش خصوصی گذاشته شده است. اولین در شرایطی است که بگفته وزیر معزول صنایع، ۷۵٪ مواد اولیه کارخانه ۹۵٪ ماشین آلات مورد نیاز صنایع بزرگ وابسته به انحصارات امپریالیستی است.

مجموع این حقایق موبد این حکم است که تثبیت راه رشد سرمایه داری و فارتگری بی امان کلان سرمایه داران، حفظ و تحکیم وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم را ناگزیر ساخته است.

هم از این روست که برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ و در را س همه کلان تاجران، بر طرف کردن هر چه سریعتر "سوف فضاها" تا غرب امپریالیست مساله مرکزی است. زیرا شاهراهی که کل روان سوده های بی پایان اینان از آن میگذرد، همان شاهراه چپاول انحصارات امپریالیستی است. حاکمیت کثونی جمهوری اسلامی ایران در این شاهراه گام گذاشته و در چنین مسیری راه می یابد.

مناسبات اقتصادی گسترده و نابرابر رژیم با امپریالیست های آلمان فدرال، ژاپن، ایتالیا، انگلیس و دادوستدهای مخفیانه و واسطه و بی واسطه ای با آمریکا، نموداری از سمتگیری و سبب ملی در سیاست جمهوری اسلامی است. امپریالیست در جریان کنفرانس ولیم و لیا مزبورگ بر این سمتگیری جمهوری اسلامی صه گذارده و مشتاقانه خواهان تشدید و تسریع آن شدند. در کنفرانس اخیر سران دول بزرگ امپریالیستی در لندن، تصمیمات ولیم مزبورگ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. مسافرت اخیر گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال بی از کنفرانس لندن، بعنوان نماینده امپریالیسم آلمان و سفیر حسن نیت غرب امپریالیست و دلالت گفتگوهای در برده رژیم با امپریالیسم آمریکا گستره و ژرفای سمتگیری ارتجاعی رژیم را درجهتی مغایر مصالح ملی و آماج های انقلاب بهمین هر چه روشنتر به نمایش گذاشته است.

همکار یبهای گسترش یابنده و شتابگیر حکومت با رژیم های مترجع منطقه بویژه رژیم های ترکیه و پاکستان، احیاء رسمی پیمان آمریکا ساخته آت - سی - دی بعنوان زمینه مقدمه گسترش همکاری های نظامی و اطلاعاتی، همکاری و هماهنگی با ترکیه در سرکوب مبارزات خلق های کرد ساکن ایران و عراق و کمکهای همه جانبه به ضد انقلاب افغان نمودار اقدامات ارتجاعی رژیم علیه مصالح ملی کشور است. این اقدامات در نقطه مقابل اهداف ضد امپریالیستی انقلاب مردم مسأ قرار دارد. توسطه علیه انقلاب افغان نشان، اعلام عدم حمایت از یکبارگی وحدت جنبش فلسطین، حمایت وسیع از دار و دسته های مرتجع و فاسق عراق با پوشش اسلامی جهت جلوگیری از رشد و بالندگی جنبه نیروهای انقلابی و مردمی عراق، نمونه های از مقابله حکام جمهوری اسلامی با جنبش انقلابی در کشورهای رشد یابنده است. چنین روندی در تقابل اشکار با منافع ملی کشور ما و تهدید انکار ناپذیری علیه استقلال سیاسی و منافع ملی کشور است. این روند کشور ما را به جنبه امپریالیسم جهانی به سرکردگی میکشاند. این مهم ترین خطری است که منهنش را تهدید می کند. سازمان ماه مشابه سازمان پیگیرترین میهن

دامن زدن به تبعیض میان ملیتها ی مختلف کشور ما نمودار دیگری از عملگردهای ضد دموکراتیک ارتجاع حاکم است. رژیم بانکار

و یوگیهای ملی، قومی و مذهبی خلق های ساکن کشور، حقوق آنان را لگدکوب کرده و مانع شرکت خلقها در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور است.

اکنون بیش از پنج سال از تهاجم حکومت علیه خلق کسب سرد میگذرد. در طول این مدت هزاران زن و مرد و پیر و جوان هم میهن ما درگیر انبهای جنگ برادرگشی در کردستان جان خود را از دست داده اند. برابر آمار کنگره ششم حزب دموکرات تاکنون ۲۵ هزار نفر از مردم عادی کردستان جان خود را از دست داده اند.

رژیم که خود را از نابودی مبارزان کرد ناتوان نمی بیند، فشار را روی مردم بی دفاع روستاهای کردستان تشدید میکند. رژیم اخیراً در برخی اوستاهای کردستان به کوچ اجباری روستاییان دست یازیده است. رژیم روستاهای را که از جنبش ملی خلق کرد حمایت میکنند و مبارزان کرد را پناه میدهند، به توب می بندد. همچنین رژیم اخیراً طی بخشنامه ای به همه ادارات در سراسر کشور دستور داده تا کردها را شناسائی کنند.

جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خودمختاری برای کردستان مبارزه میکند، یک رکن مهم جنبش سراسری مردم ایران است علیرغم لشکر کشی نظامی مکرر به کردستان، علیرغم بمباران و خنثی سازی و قتل عام های بیرحمانه مردم بیگناه، رژیم از درهم شکستن جنبش ملی خلق کرد عاجز مانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لشکر کشی به کردستان و سرکوب و خنثیانه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم میکند. سازمان مردم سراسر ایران را از جنایات رژیم در کردستان و از خواستهای برحق خلق کرد آگاه میسازد و پیگیرانه از مبارزانی برحق و عادلانه مردم کردستان در راه کسب حق خودمختاری پشتیبانی میکند. سازمان در راه تحکیم همبستگی مبارزه خلق کرد به مبارزه سراسری مردم ایران و جلب پشتیبانی مردم سراسر ایران از جنبش ملی خلق کرد تلاش میکند.

تلاش حکومت این است که زنان را تا توسل به انواع فشارها از محیط های کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی بیرون براند و مانع برندگان در چار دیواری آبخیزخانه و خانه، بی بهره از هرگونه حقوق انسانی و اجتماعی به تمام معنی اسیر سازد. در محیط های کار هر روز عرصه بر زنان تنگ و تنگ تر میشود. زنان را از محیط های فعالیت اجتماعی طرد میکنند. بسیاری از کارها و بسیاری از پستها، رسا - برای زنان معنوی شده است. در راه آموزش دختران و زنان دشواریهای گوناگونی پدید آورده اند و میکوشند برای آنها از اساس سیستم جداگانه "آموزشی" سرهمبندی کنند. مطابق آمار دولتی در سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ دانش آموزان دختر یک میلیون و هشتصد هزار نفر کمتر از پسران بودند. این تفاوت ده سال بیش از آن یک میلیون نفر فرود است. اعمال رژیم و قبحانه حتی در جزئیات زندگی شخصی زنان کشور کنکاش و دخالت میکند و زنان شریف میهن ما را طرفدار بی عدالتی عدم مشارکت از بوشن مورد پسند ارتجاع. مورد آهانت های و قبحانیه قرار میدهد و زنان میروند و به شلاق میکشد.

رفقا!

توجه نابرابریها و سمتگیری اجتماعی، سخنانکار اصول عدالت خواهان قانون اساسی و رویگردانی آشکار از انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی اکنون سیاست رسمی حکومتگران است. حکومت جمهوری اسلامی حافظ کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و بیش از همه تامین کننده منافع کلان تاجران است و راه را برای فارت بی امان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان باز گذاشته است.

اکنون در کشور ما ۵۰۰ هزار خانوار (۲۵ میلیون نفر) دهقان بی زمین و حدود بیش از یک میلیون خانوار (بیش از ۵ میلیون نفر) کم زمین هستند که مجموعاً ۲۳٪ کل دهقانان کشور را تشکیل میدهند. این تعداد از دهقانان کلا ۴/۵ درصد از زمینهای کشاورزی را در اختیار دارند. برابر اعتراف مسئولین رژیم حدود ۴۳ درصد دهقانان کمتر از ۲ هکتار زمین کشاورزی را در اختیار دارند. در حالیکه ۲۱٪ زمینهای بار آور در تمام ۲۶ هزار بزرگ مالک قرار دارد. در هنگام تصویب قانون اصلاحات ارضی در شورای انقلاب و تشکیل هیات های هفت نفره در خرداد سال ۱۳۵۹ کتا واسط سال ۶۱ تنها مجموعاً ۷۳۵ هزار هکتار زمین به کتا و زنان واگذار شده بود که ۵۰۰ هزار هکتار از آن زمینهای موات بوده است. مجموع کل خانوارهایی که تا آن زمان صاحب زمین شدند تنها ۹۵۸۷۶ خانوار بوده است.

حکومت جمهوری اسلامی در واسط سال ۵۹ با تأیید آیت الله خمینی اجرای قانون اصلاحات ارضی را متوقف کرد. دودر واسط سال ۶۱ پس از در طرح نیم بند اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان، تعرض ارتجاع برای بازبسی گرفتن زمین از دهقانان و بازگرداندن زمین بزرگ مالکان قرار می گرفت کشور آغاز شد. امروز در نقاط مختلف کشور، دهقانان با هجوم مجدد بزرگ مالکان روبرو هستند. تعرض رژیم علیه منافع دهقانان زحمتکش ک گسترش یافته که حتی در بسیاری از نقاط کشور امحاء دستاوردهای کسه دهقانان طی مبارزات طولانی خویش علیه رژیم مستعماهی بدان نایل شده بودند، در سر میگذرد. نمونه بارز این امر قانون مربوط به ابطال اسناد واگذاری ارضی موقوفه مصوب اسفند ماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی است. مطابق این قانون ارتجاعی اسناد واگذاری زمینهای اوقاف به زارعین صاحب نسق در گذشته باطل شده است.

دهقانان محروم در چنین شرایطی دسته دسته راهی شهرها میشوند و در بیفوله ها وحلی آبادهای حاشیه شهرها زندگی رنجبار خویش را سپری میکنند. رژیم دهقانان آواره و مهاجر را نیز زیر فشار شدید قرار داده، آنها را از استفاده از طرح جیره بندی به اصلاح بسج اقتصادی محروم میسازد و حتی با تشکیل کشت های ویژه ای از اقرا ملخ تان را شناسائی و دستگیر میکنند و به زور از شهرها بیرون میرانند. با این همه به گفته شهردار تهران در سال جاری هر روز ۱۵۰۰ نفر روستایی تنها به شهر تهران مهاجرت کرده اند.

لایحه به بار تعدیل شده بنام " دولتی کردن تجارت خارجی " از سوی شورای نگهبان مردود اعلام شد و به جای آن مصوبه ای بس ارتجاعی که دولت را خدمتگذار کلان تاجران می شناسد بنام " نحوه اجرای تجارت خارجی " صورت قانونی یافته است. در برتو فتاوی مکرر آیت الله خمینی در حمایت از آزادی تجارت و تجار و تاجر، کلان تاجران بر شریک های اقتصادی کشور، چنگ انداخته اند و بی آنکه نقشی در تولید ثروت های

پرستان ایران با همه امکانات خود این سیاستها و اقدامات رژیم را افشا کرده و میکنند. ما با تمام نیروی خود از استقلال ملی و منافع ملی کشور خود دفاع میکنیم.

افتاء این سیاستها وسیع همه اقشار و طبقات خلق علیه تلاشهای استقلال شکن و ایران برپاداده ارتجاع حاکم وظیفه تاخیرناپذیر و بنیادین همه نیروهای انقلابی است. مردم مینمایند که در راه تامین استقلال کشور خود حماسه های بی مانند آفریده اند و سنگر به سنگر علیه مواضع امپریالیسم و عمال و راستگین آن چنگیده اند اقدامات استقلال شکن رژیم را با مقاومت و مبارزه شتابگیر خوبی مواجه میسازند. در این راه افتاء توطئه های امپریالیستها برای به گجراه کشاندن سازمانهای ضد امپریالیست و انقلابی، با شنیدن تخم تفرقه و نفاق در صفوف نیروهای ملی دموکراتیک کشور اهمیت ویژه ای دارد. سازمان ما با درایت انقلابی در راه جنتی کردن این توطئه ها و تلاش های محیانه امپریالیسم و شیروهای ارتجاع، با تمام قوا میرزمند.

رفقا!

توده های دهها میلیونی کشور نه تنها سیاست و سمت گیری حکام جمهوری اسلامی را تأکید نمیکنند، بلکه علیرغم خفقان و سرکوب شدن و بی سابقه ای که برکنور حاکم شده است، در راه تامین خواستها و کسب حقوق خود مبارزه میکنند. جنبش توده ای در وضع فعلی صطت اعتراضی و مطالباتی دارد. اعتراض علیه ادامه جنگ و علیه نابرابری اجتماعی عمومی ترین مضامین اعتراض و مبارزه توده مردم زحمتکش است. سیاست رژیم در اعمال تبغیض و نقض حقوق دموکراتیک مردم با مقاومت توده ای روبروست. مردم سیاست رژیم ذر جلب و فراخواندن کبشلان سرمایه داران و سزرگ مالکان فراری و انتقال اموال و زمین های مردم به آنها را محکوم میکنند. خواست ها و مطالبات اقتصادی عمده ترین موضوع مبارزه توده ایست. این مبارزه گرچه هنوز پراکنده و عموماً موضعی است، اما مشخصاً با آگاهی سیاسی درآمخته و دارای جهت گیری سیاسی معین در مخالفت با مستکبری و سیاست رژیم است.

افتاء نیروهای انقلابی بویژه فدائیان خلق و توده ایها در راه ماهیت و سمتگیری سیاست رژیم موجب آن شده است که توده های وسیعی از مردم از محکوم میکنند آگاه شوند و راه مقابله با آن را در پیش گیرند. سیاست رژیم در سرکوب همه احزاب و سازمانهای انقلابی و پایداری کردن همه آزادیهای سیاسی، تعطیل تمام مطبوعات غیر حکومتی، کشتار دهها هزار جوان بیگناه، مینماید و مترفقی و قشون کشی علیه هر اعتراض به حق توده ای نیز همه وجهه و روند سلطاعتاد مردم از حکومت دامن میروند. اعتراض علیه آزادی کشی کشتار بازم بیشتر مییابد. در وضعیت فعلی توده ها به اشکال متنوعی اعتراض و مبارزه خود را دنبال میکنند. حرکات اعتصابی، کم کاری و تخمین، تظاهرات، تظاهرات و درگیریهای موضعی و محلی خود انگیخته، مراجعه و اعتراض دسته جمعی به مسئولین، مقاومت منفی و عدم تمکین به مقررات و تحکات حکومت اشکال مبارزه توده ایست. شکل عمومی این مبارزات تهر آمیز نیست.

هم اکنون فدائیان خلق، اعضا، هواداران سازمان در سراسر کشور مطابق خط مشی، سیاست و روشمدهای مشخص سازمانی در جنبش روبه گسترش توده ای نقش موثری برعهده دارند. اعضا، هواداران سازمان با سیاست جنبش توده ای پیوند های عمیق برقرار می کنند و در هر کجا که باشند در هدایت مبارزه مردم بیوی پیروزی، بسوی تسخیر مواضع تازه تر و مستحکم تر فعالانه تلاش میکنند. دستگاه رهبری سازمان و مسئولین بختهای مختلف تشکیلات، بویژه در سال جاری، تمام تلاش خود را بر گرفته اند که سازمان همه امکانات خود را برای پیروزی و بسط و گسترش اعتراض و مطالبه مردم بکار گیرند. تبلیغات سازمان گسترش یافته و در پیرو آن توده های وسیع خلق درمی یابند که فدائیان خلق ایران (اکثریت) میتوانند مورد اطمینان و اتکا قرار گیرند. ما موفق شده ایم بسویله پیش تاخت در سطح وسیع، شعارها و مطالبات توده ها را در سطح جامعه مطرح کنیم. سازمان با اتکا به تجارب ارزمنده ای که آموخته است روز به روز سهمیایسته تری در هدایت جنبش توده ای برعهده میگردد.

جنبش توده ای کارگری، که در حال حاضر رشد یافته ترین بخش جنبش توده ای است، در مرکز توجه و کانون فعالیت ما قرار دارد. در سالهای اخیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران عملاً در سازماندهی و هدایت مبارزه توده کارگران و در اوضاع شناختن طبقاتی و آگاهی سیاسی، در صفوف طبقه کارگر نقش تعیین کننده و درجه اول را ایفا کرده اند. بارزترین نمود این نقش در جنبش قانون کار علیه بیسن نویسن توکل، وزیر کار سابق و در راه تدوین قانون کار مترقی و مشارکت کارگران متجلی شد. طومار نویسی علیه بیسن نویسن کذاکسی بیسن از یک صد هزار نفر کارگر زحمتکش را در بر گرفت. رقمی که در تاریخ جنبش کارگری ایران بیسابقه است. این مبارزه که اوج خود را در نیمه دوم سال ۶۱ و نیمه اول ۶۲ با ردیسن نویسن توکل و برکناری خودوی پشت سر گذاشت هم اکنون در مقابله با بیسن نویسن تازه ادامه دارد. آگاهی کارگران در این مبارزه تا آنجا رشد یافته است که رژیم حتی اگر بیسن نویسن ضد کارگری را هم به تصویب برساند هرگز قادر نخواهد شد آنرا به تأیید کارگران برساند.

در دوسه ساله اخیر مساله دستمزد برای کارگران هر روز حسد ت بیشتری یافته است. در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکنند و در شرایطی که به اعتراف خود حکام جمهوری اسلامی سود سالانه کلان تا جبران دیگر سرمایه داران بزرگ به هزاران میلیارد ریال سر میزند و چنان غارت میکنند که در بیسن سال گذشته بیسابقه بوده است و در حالیکه بار این جنگ خانمانسوز هر روز زندگی و معیشت زحمتکشسان تا سخت و سخت تر میکند، رژیم به ظالمانه ترین شکل ممکن از سال ۵۸ تا حالا حداقل دستمزد کارگران را در همان سطح ۶۲۵ ریال نگاه داشته است. ارزش واقعی این مبلغ نسبت به سال ۵۸ به کمتر از نصف آن رسیده است. افزایش دستمزد از عمده ترین مضامین مبارزه مطالباتی کارگران است. بیشترین اعتراضاتی که در یکساله اخیر رخ داده به اجاء مختلف در این رابطه بوده که برجسته ترین آن اعتراضات تهرمانه کارگران دغانیات است.

سیاست رژیم در دفاع از منافع سرمایه داران طبقه کارگران را کزیر ساخته است به اتکای نیروی خود در مقابل کارفرمایان و دولت قرار گیرد. از راهی و زندگی خود دفاع کند. فعالین ما با تمام امکانات و بسا استفاده از تمام اشکال مبارزه توده ای، مبارزه کارگران در راه افزایش دستمزد را تقویت میکنند و سازمان میدهند.

در یک سال اخیر مبارزه کارگران در زمینه مسکن و طبقه بندی مشاغل جای برجسته ای داشته است. در اکثر واحدهای تولیدی علیه مقررات طرح طبقه بندی مشاغل و درجه بندی تغییر آن به نفع کارگران مبارزه و حرکت وجود داشته است. این مبارزه دامنه وسیعی بخود گرفته و در چندین مورد به اعتصاب کشیده شد که نمونه شاخص آن اعتصاب کارگران قهرمان شرکت ساسان است. اعتصابی که توسط عمال " حکومت اوین " به خون کشیده شد. تعاونیهای مسکن کارگری نیز در سالهای اخیر رشد قابل ملاحظه ای یافته و به یکی از تشکلهای نیرومند کارگری تبدیل شده است. هم اکنون صد ها تعاونی مسکن کارگری مبارزه وسیعی برای گرفتن زمین تحصیل وام و مصالح پیش می برند. محافل ارتجاعي حاکم تلاش دارند این تشکلهای را ملامتی کنند. فعالین کارگری باید با جدیت بیشتر این دو خواست مهم کارگران را دنبال کنند.

عوامل سرکوبگر رژیم در کارخانجات و محیط های کارگری، که اکثراً با تحت پوشش انجمن های اسلامی عمل میکنند و یا رسماً از طرف سیاه و دادستانی در دایره حفاظت و انتظامات " گمارده شده اند، سعی میکنند با حربه اخراج و چماق زندان توده کارگران را به اطاعت و تسلیم وادارند در ماه های اخیر حربه اخراج بدون توجه به هرگونه ضابطه قانونی علیه فعالین جنبش کارگری بکار گرفته میشود. رژیم می گوید با وجود ارتش عظیم بیگاران طبقه کارگر را از اعتراض و مطالبه بازدارد. رژیم میخواهد اخراج را به وسیله اصلی خود در مقابله با حرکات و اعتراضات توده ای کارگری بدل کند. اما نکته امید بخش در اینجا اینست که در ماه های اخیر نمونه های حمایت عملی و موثر کارگران از فعالین کارگری که به دلیل دفاع از حقوق کارگران اخراج میشوند، افزایش چشمگیری داشته است. یگانه راه عملی مقابله با این توطئه کشنده ضد کارگری هم همین است. ما باید به قویتم اتحاد و همبستگی کارگران این حربه را از دست سرمایه داران و دولت خارج کند.

همه میدانیم که جنبش کارگری ایران فقط به همان میزان که متحد و متشکل میشود قادر است به اهداف اقتصادی و سیاسی خود دست یابد. چاره نبرهان در وحدت و تشکیلات است. هم از این روست که بویژه از انقلاب به این سو مساله تشکل صنفی - انقلابی، سندیکایی و سیاسی طبقه کارگر همواره از جداترین موضوعات جنبش کارگری و انقلابی ایران بوده است. تشکلهای صنفی - انقلابی کارگری که در جریان انقلاب تحت عنوان " شوراها " در بسیاری از واحدهای بزرگ تولیدی شکل گرفته بود به تدریج پایبای تقویت مواضع نیروهای ارتجاعي در حاکمیت مورد هجوم واقع شد. اما این هجوم پراثر مقاومت سرخشان کارگران به تمام اهداف خود دست نیافت. شوراها " در بسیاری از واحدها با مقصود سندیکا (تشکل صنفی کارگری) به حیات خود ادامه داد. علیرغم فشار شدید حکومتی کارگران در برخی از رشته ها موفق شدند برخی تشکلهای کارگری از جمله برخی سندیکاها را نیز حفظ کنند.

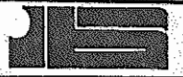
پس از چرخش کامل سیاست و سمت گیری رهبران رژیم فشار هیات حاکمه بر تشکلهای کارگری بازم بیشتر شد. بویژه محافل وابسته به حزب جمهوری اسلامی کوشیدند با تشکل های کارگری را ملامتی کنند و با عناصر ارتجاعي ضد کارگری در آنها بهار کار را در دست گیرند. با این حال در محافل کارگری ضرورت ایجاد و گسترش و تحکیم تشکل های مستقل کارگری روز به روز با وضوح بیشتری درک میشود و مورد تأکید قرار میگیرد. در حال حاضر این مساله در مقابل ما قرار دارد که با تغییر شرایط عمده ترین اشکال تشکل کارگری کدامند؟ در این شرایط سرکوب و خفقان می باید با تمام نیرو در راه حفظ، ایجاد و گسترش انواع تشکلهای رسمی و مستقل صنفی - توده ای کارگری از قبیل سندیکاها، شوراها و نمایندگان کارگران، تعاونیهای کارگری و غیره با استفاده از تمام امکانات و ابتکارات تلاش کرد. در عین حال باید تلاش کرد عناصر مرتجع، ضد کارگر و خاشی را که در این تشکل های کارگری حکومتی قرار گرفته اند، افتاء کردند و رهبری این تشکل ها از دست آنان خارج شود.

بیشتر صبح این وظایف در وضعیت کنونی مستلزم آنست که برای رهبری این مبارزه و برای تداوم رهبری صحیح و موثر مبارزه کارگران بطور کلی هسته های مخفی متشکل از آگاه ترین و باتجربه ترین عناصر فعال جنبش کارگری وجود آید. در حال حاضر در بسیاری از واحدهای تولیدی مبارزه کارگران عملاً توسط همین هسته ها رهبری میشود. تعداد، نقش و اهمیت هسته های مخفی فعال کارگری در جنبش کارگری ایران روبه افزایش است. در این هسته ها بسیاری از فعالین کارگری که وابستگی سیاسی و سازمانی خاصی ندارند نیز شرکت می کنند. ایجاد و تقویت این هسته ها در ایجاد، حفظ و گسترش تشکلهای عملی کارگری و هدایت آن در سمت منافع طبقه کارگر نقش جدی دارد. ما در وضعیت قرار گرفته ایم که جنبش صنفی - طبقاتی کارگران ایران عملاً نیازمند تلفیق هیاترانه فعالیت مخفی و علنی است. بدون هر یک از این دو دیگری ناکافی و ناتوان است.

سرنوشت جنبش انقلابی خلق ما در آخرین تحلیل با پیشرفت تلاش ما برای سازمانیابی صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران گره میخورد. خط مشی و برنامه سازمان با هدف استراتژیک پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و هدایت کشور توسط نیروهای ملی و دموکراتیک در جهت استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی که از طریق فعالیت وسیع تبلیغی و افشاگرانه اعضا و هواداران سازمان در جامعه عرضه میشود، عمده ترین عامل و ضامن پیشرفت این تلاش ما است.

چهار سال پیش از این زمانی که رژیم حاکم واکداری املاک بزرگی مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین را معلق کرد، مبارزه توده دهقانان علیه بزرگ مالکی تشدید شد. از دوسال پیش که سران مرتجع جمهوری اسلامی، بزرگ مالکان فراری را تحت پناه خود گرفتند و آنها را در پناه سرنیزه ژانداروم و پاسدارهای بیس گرفتن زمین دهقانان به روستاها فرستادند، این مبارزه شکل حادی به خود گرفته است. دهقانان در برابر حکام شرع و در برابر پاسدار و ژاندارم از خود مقاومت دلیرانه ای نشان میدهند. رژیم هرگز موفق نشده و نخواهد شد به سادگی زمین را از جنگ ما جدا و واقعی آن در آورد و به فئودال ها بسپارد. رژیم برای اینکار

خود را در درواری دهقانان قرار داده و در بسیاری نقاط کشور برای درهم شکستن مقاومت دهقانان به زور اسلحه متوسل شده است. اکنون دهقانان را به جرم بیس ندادن زمین به مالک فراری دستگیر میکنند و به زندان و شلاق میکشند. در تمام این مدت رفقای ما در مبارزه علیه بزرگ مالکی بیگیرانه از دهقانان دفاع کرده اند و از فعالترین نیروها در این عرصه مبارزه



است و بالاخره تشکیل رسمی دوشنبه دادگاه در دیوان عالی کشور برای صدور حکم قطعی اخراج برای دانشجویان " فاسد العقیده " از بازتربیی نموده های این تلاش رژیم است.

آنچه را که در مورد دانشگاهها گفتیم باید در مورد مدارس نیز تکرار کنیم. با این تفاوت که در مدارس و دبیرخورد بانوجوانان رژیم می گویند علاوه بر حربه سرکوب زحریه قریب بیخ از هرچای دیگر استفاده کند. تبلیغ افکار ارتجاعی بویژه " تبلیغ جنگ عملا " بخش مهمی از وقت مدارس را به خود اختصاص داده است. اینکه بنا به اعتراف خود حکومت ۵۳ درصد افراد بسیج را محملین تشکیل میدهند، اینکه دروسالته اخیر در بسیاری از کلاسها بیش از نیمی از شاگردان درجه ششم شده اند، از نفرت انگیزترین اسناد اقدامات ضد مردمی ضد انسانسی ارتجاع حاکم است.

با ابطال دانشجویان و دانش آموزان حقایق کشور را درک میکنند. برای آنها و برای اکثریت عظیم تمام جوانان جمهوری اسلامی بیش از پیش جاذبه خود را از دست میدهد. هم اکنون نیروهای دانشجویی و دانش آموزی در مبارزه علیه ارتجاع حاکم بویژه علیه جنگ و اختناق نقش جدی دارند.

سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره هدایت مبارزه نیروهای جوان نقش فعال داشته است. در سالیهای اخیر دهها هزار نفر از کاترین و بیگترین و انقلابی ترین جوانان کشور، تحت رهبری سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) فعال ترین نقشها را در مبارزه بوده های دانشجو و دانش آموز برعهده داشته اند. لازمه افزایش این نقش تقویت سازمان جوانان و توجه جدی تر رهبری سازمان به مبارزه و مسائل جوانان است.

زمانه داران جمهوری اسلامی در رابطه با مساله فعالیت سیاسی پرسنل نیروهای مسلح از روش منمورانه ای پیروی میکنند. آنها از یک طرف تقوا می دهند که افراد ارتش و سپاه نباید در احزاب و سازمان های سیاسی وارد شوند و از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی را مستثنی میکنند و ارتش و سپاه را جولانگاه تبلیغات ارتجاعی و انحرفی، عمال این حزب ساخته اند. مرتجعین حاکم علیه فعالیت انقلابی در صفوف نیروهای مسلح جنبه توارنه عمل میکنند. آنها سال گذشته ده نفر از شریف ترین فرماندهان و افسران رابه جرم وفاداری به میهن و انقلاب ناجوانمردانیه به جوخه های اعدام بر دندون طبق اعلام حاکم شرع دادگاههای نظامی حدود ۳۵ نفر از پرسنل ارتش نیز به داشتن گرایش انقلابی در جهت مواضع سازمان ما متهم دستگیر شده اند. آنها در عرض ارتجاعی ترین عناصر وابسته به حقیقه و سلطنت طلبان رابه کار قرار خوانند و به بستن های حساس گماردند. رکن دوم ارتش را با همان پرسنل و با همان وظایف دوباره احیا کرده اند. لکن هیچ یک از این اقدامات نتوانسته است مرتجعین حکومت را به مقصود برساند. ایده ها و مواضع انقلابی در میان نیروهای مسلح نفوذ میکنند. در ارتش و در سپاه مخالفت با ادامه جنگ و دیگری سیاست های حاکمیت گسترش روز افزون می یابد.

آیت الله خمینی سپاهیان با پاسداران و ارتشیان را مکرر " تهدید کرد که باید دیگران کرده است. با این حال ناراضی و عدم اعتماد به حقانیت و صلاحیت رهبران جمهوری اسلامی و تمایل بشرکت در مبارزه انقلابی خلق در نیروهای مسلح کشور یک پدیده رویه رشد است.

برای تسویش کشور و انقلاب اهمیت حیاتی دارد که پرسنل نیروهای مسلح در هر طبقه و هر هوسعتی که ممکن است به خلق وفادار باشند و از دست آوردهای انقلاب دفاع کنند. در این رابطه خنثی کردن تبلیغات و تمهیدات ارتجاع حاکم و ترویج افکار و مواضع ترقی خواهانه در صفوف نیروهای مسلح کمال اهمیت را داراست. سازمان ما علیرغم تلاشهای مذبحوانه ارتجاع که می گویند از نفوذ و رخنه اندیشه ها و افکار انقلابی به صفوف نیروهای مسلح جلوگیری کند، همواره با تمام نیروی این وظیفه ملج، انقلابی و میهن پرستانه خود عمل کرده و خواهد کرد.

رفقا!

بررسی های فوق، که جهات مختلف اوضاع کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد نشان می دهد که در مرحله کنونی مبارزه برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع بر کشور و استقرار دولت ملی و دمکراتیک مستلزم تدارک نیروی کافی است و وظیفه مبرم ما در این راستا قبل از همه سطر و توسعه هر چه بیشتر فشار سیاسی است. سازمان ما باید در این راه همه شیوه های تبلیغی کنونی و فقهی، مستقیم و غیر مستقیم رابه بستن تریس شکل ممکن هر چه وسیع تر بکار گیرد. کار سیاسی فعال در میان اقشار رگونگون جامعه، هدایت مبارزه روزمره آنها بتولاش برای بالابردن سطح تشکل توده های خلق و وظیفه مبرم عناصر پیشرو انقلابی در این مرحله از پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ماست. سازمان ما در انجام این وظیفه به نیروهای خودرهنمود داده است که در زمینه فشارهای سیاسی، بسردن شعارها و مواضع مهم سازمان را بسویژه از طریق بخش تراکت و شعرا رنویسی و در زمینه کار توده ای در میان تمام اقشار خلق بویژه کار در میان توده های کارگری را در مرکز توجه خود قرار دهند.

هرگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موفق شود مبارزه در راه حفظ و تحکیم وحدت و یک طبقه کارگر و مومبارزه در راه سطر همکاری، اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی، دموکراتیک و فدا میریالیستی کشور و اتحاد آنان در جبهه متحد خلق را با انجام وظایف فوق گره زند و هماهنگ سازد، آنگاه با اطمینان باید گفت عمارین روزهای تیره و تاری که بر خلق ما تحمیل می شود، بسپار رگوتاه تر از آن خواهد شد که سران رژیم می پندارند.

فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

رفقا

گزارش فعالیت تشکیلاتی، هیات سیاسی دودوره کلامتفاوت را منعکس میکند. در دوره اول که تا پایان سال ۶۱ ادامه می یابد، مرکز ترستی نوسازی و تحکیم سازمان های حزبی در سراسر ایران و انطباق هر چه بیشتر آنان با موازین لیسنی زندگی حزبی که در فاصله دو پلنوم مرداد ماه ۶۰ و خرداد ماه ۶۱ پیش رفته بود، همچنان ادامه یافت.

در این دوره، وسیع ترین عضوگیری در تمام طول تاریخ سازمان با انجام رسید. وظایف اساسی عضوگیری، وضعیت سازمانی کلیه نیروهای تشکیلات، بر مبنای بر نامه و اسامی سازمان روشن گردید.

طی این دوره کمیته های ایالتی سازمان تمام بازاری شدند. سازمان ایالتی تهران و کمیته رهبری آن به مثابه نیرومندترین و مهمترین تشکیلات

بوده اند. ماطی سالیهای اخیر کوشیدیم از وعده های زمانمداران جمهوری اسلامی چنان نیروی ساخته شود که دیگر کسی نتواند بسادگی از آنها بگذرد. شعار بند جیم و دال را اجرا کنید" به شعار برجسته جنبش دهقانی بدل شد و آن قوی تر کرد. تا جایی که امروز رژیم دیگر قادر نیست بدون اسلحه و زندان مالک فراری را دوباره به ده بفرستد. آگاهی توده دهقانان، جنبش ضد بزرگی مالکی را زنده نگاه داشته است. با اطمینان باید گفت که بنزی که در روستاها پاشیده شده چنان ریشه گرفت که نه سر نینزه زاندارم و سپاه و نه بیکاری های مرتجعین هیچ کدام قادر نیست به مبارزه دهقانان و همه زحمتکشان علیه بزرگی مالکی پایان دهد. و با وضع راجحال سابق در آورد. در وضعیت فعلی بسیج و هدایت مبارزه دهقانان علیه بزرگی مالکی بویژه علیه بازگشت بزرگی مالکان مبارزه روستاها در مرکز فعالیت فعالین دهقانی ماقرار دارد. با اطمینان باید گفت که این مبارزه بازم گسترش و ژرفتری بیشتری خواهد یافت.

علاوه بر این توده دهقانان، بخصوص در جایی که بزرگی مالکی برانداخته شده است، برای استفاده از وام، کود، بذر و ماشین آلات کشاورزی و دیگر نیازهای تولید کشاورزی و همچنین علیه تبعیض ناهنجار میان شهر و روستا از نظر خدمات رفاهی مبارزه میکنند. در یکساله اخیر صدها مورد مراجعه دسته جمعی، تحصن، طومار نویسی، درگیریهای خشونت آمیز و اجتماعات و راهپیمایی های دهقانان با خواست مشخص از قبیل وام، ماشین آلات، مقابله با آفات و همچنین برای آب و برق برای روستا، توزیع عادلانه ارزاق و کالاهای کوبینی، تقاضای کشیدن راه و غیره از طرف روستائیان وقوع پیوسته است.

وارداتی رویه محصولات کشاورزی توسط حکومت و کلان تاجران میلیونها دهقان هم میهن ما را ورشکست و از هستی ساقط و آواره شهرها کرده است. بخشی از نیروی دهقانان عملا" به حلبی آباد های کناره شهرها و بیوقوف محرومان آن منتقل شده است. نیروی دهقانان مهاجر، مبارزه توده ای محرومان شهری در این مناطق را که اشاعه های خاص خود از قبیل تامین نان، آب، برق، مسکن و غیره جریان دارد، حادتر کرده است. مهاجرت از روستا به شهر چنان وسیع است که نمیتواند در آینده ای نه چندان دور به بحران وسیعی فراتر رود. ما باید علاوه بر مبارزه علیه بزرگی مالکی این وجوه مبارزه و مطالبات دهقانان را نیز مورد توجه جدی قرار دهیم.

سازمان ما همواره افتخار آن را داشته که سنگر مطمئنی برای احقاق حقوق زنان باشد. زنان فدائی که پیش از لکل اعضای سازمانند، همیشه یکی از فعالترین نیروها در کار توده ای در میان زنان بوده اند. دیدگاهها و اقدامات قرون وسطایی رژیم و تهاجم کین توارنه آن علیه خنثی سازی و شخصیت زنان نیروی مقاومت بالقوه وسیع و نفرت ریشه داری را در میان آن ایجاد کرده است. جنبش انقلابی میهن ما می تواند در آینده این نیرو تکیه کند و بر امتیازات سازه، تشکل های توده ای زنان در سایه فعلی السته کوچک و پراکنده اند. اما قادرند در مقابل یورش رژیم مقاومت کنند و نقش و تاثیر عملی قابل ملاحظه ای در جنبش اعتراضی خلق داشته باشند.

مبارزه علیه تبعیضات و هشتناک در زمینه حقوق زن در خانواده و در جامعه که قدم به قدم توسط حاکم مرتجع جمهوری اسلامی اعمال میشود، مبارزه علیه توطئه راندن زنان از محیط فعالیت اجتماعی و تولیدی به کنج خانه، علیه محروم کردن زنان از امکانات آموزشی، علیه متنوعیت اشتغال زنان در مقابل حساس مهم، مبارزه علیه اجبار زنان به پوشیدن لباس مورد پسند ارتجاع همه و همه اجزای اینک از جنبش دموکراتیک و همگانی خلق علیه ارتجاع حاکم است. ما میتوانیم در این مبارزه نقش بازم فعال تری برعهده گیریم.

امروز سیاست ضد دموکراتیک و به غایت ارتجاعی هیات حاکمه بحران اجتماعی حادی را در جامعه ما دامن زده است. گسترش بی سابقه اعتیاد، فساد اخلاقی، جنایت و خشونت، رشد لحام کیخته ارتشا" و اختلاس و سوء استفاده از قدرت، افزایش سرسام آور تعداد بیسوادان، ترویج رسمی فرهنگ ستیزی و هنر ستیزی و لگدکوب کردن میراث غنی فرهنگ ایرانی، رواج گستاخانه " فرهنگ تزویر و دروغ وریا و خرافات در جامعه، تزویر و رفتار بغایت اهانت بار و بیشرمانه با زنان، تشدید بیم و نگرانی نسبت به آینده و احساس اضطراب و عدم امنیت در تمام زمینه ها، عمده ترین مظاهر و پیامدهای حاد این بحران اجتماعی است. سیاستها و اقدامات قرون وسطایی هیات حاکمه عامل اصلی حداث این بحران است.

این سیاست ها و اقدامات خضم و نفرت توده های وسیع خلق، کارگران و دیگر زحمتکشان و پیشروان رژیم، روشنفکران خلق سیاسی را برانگیخته و نیروی مقاومت وسیعی علیه آن ایجاد کرده و با بسیان دادن به آن را به سطح یک خواست تمام دموکراتیک فرارویانده است. سازمان ما باید افزایش بی پایان این انحطاط اخلاقی، معنوی و فرهنگی را که ارتجاع حاکم به خلق ما تحمیل میکند با جدیت دنبال کند. فعالیت توده ای در این عرصه هم از امکانات بسیار مساعد وهم از ضرورت حتمی برخوردار است.

هدف رژیم از فاجعه جنایت باری که نام " انقلاب فرهنگی " بر آن نهاد و از وقعه سه ساله در کار دانشگاهها، سرکوب جنبش دانشجویی ایران و گرفتن سنگرداننگاه یکی زحمتکشان زده ای انقلاب از نیروهای انقلابی و مترقی بود. ظاهرا چنین بنظر میرسد که ارتجاع حاکم در تخریب دانشگاه موفق بوده است. لکن با اطمینان باید گفت دانشگاه همچنان آتش زیر خاکستر است. مبارزه انقلابی و جنبش دانشجویی چنان در دانشگاه ریشه کرده است که برای ریشه کن کردن آن فقط باید خود دانشگاه را از دل جامعه ریشه کن کرد. بسپوده نبود که ارتجاعی ترین جناح های حاکم " مراحتا" تلاش کرده اند دانشگاهها را برای همیشه تعطیل نگاه دارند. اما علیرغم تیغ تصفیه جنون آمیزی که منجر به اخراج هزاران دانشجوی ترقی خواه شد، علیرغم قتل عام بسپایقه هزاران دانشجوی ترقی خواه و علیرغم سطره جو خفقان و پلیسی و گسل بدون کنگور و خود سرائه هزاران عنصر وابسته به ارتجاع تحت عنوان دانشجو به دانشگاهها، با اطمینان باید گفت که مبارزه انقلابی از نو در دانشگاهها جوانه مینزد و از ریشه می رويد. دور نیست زمانی که جنبش دانشجویی نیز دوباره قدرافزارد و جنبش کارگری، مبارزه دهقانان و بیکار و زنان و دیگر نیروهای اجتماعی را مدمد کارگردد.

سران رژیم البته تلاش میکنند جلوی این روند را بگیرند. آنها در این راه گستاخی رابه حد کمال رسانیده اند. لغو کار مبل اعتبار کنگور ورودی و گزینش دانشجو از طریق " محاکمه شرعی " داوطلبین ویراکت از داشتن هر نوع فکر و گرایش مترقی، تدوین آئین نامه انضباطی فاشیستی علیه دانشجویان و سندی فوق ارتجاعی و به غایت ضد دانشجویی

ایالتی سازمان، کمیته‌های نواحی آن و کمیته‌های بخش‌های تابع هر ناحیه نیز تجدیداً سازمان یافته‌یا تشکیل گردیدند. کمیته‌های شهرها هیات‌های مسئولین موقت در شهرهای مختلف ایران با ساززی ویا تشکیل گردیدند. بدین ترتیب در این دوره سازمان موفق شد در ۱۵۰ شهر یعنی اکثریت قریب به اتقای شهرهای ایران، تشکیلات خود را مستقر سازد.

در این دوره تشکیلات جوانان سازمان بر اساس اساسنامه سازمان جوانان فدائی، خلق ایران (اکثریت)، مأمور شده‌اند. تجدیداً سازمان با اقتت و بنام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داد. سازمان جوانان هزاران فدائی جوان را به عضویت پذیرفت و در خود سازمان داد. در همین حال با پیدایش تشکیلات ساخت که در سالهای ۶۰ و ۶۱ هیات سیاسی متساافانه با مراعات نیروی کافی برای ایجاد و گسترش سازمان‌های خارج از کشور توجه کافی مبذول نداشت.

بیشترت کار وسیع سازمان نگرانه در این سالها که علیرغم جوشیدفشمارو خفغان و تضحیات روز افزون دستگاه‌های سرکوب رژیم علیه سازمان، صورت گرفته است پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار میرود.

نظریه تغییر اوضاع سیاسی کشور پس از بحران خاد سال ۶۰ واستقرار دستگاه‌های سرکوب رژیم، هیات سیاسی به منظور تامین امنیت تشکیلات بویژه امنیت اعضای کمیته مرکزی وکادرهای اصلی یکرشته تدا بیرحفاظتی‌ها را به اجرا گذاشت. هدف این تدابیر از بین بردن وبی اثر گسترش اطلاعات گرد آوری شده توسط رژیم درباره محل کار و زندگی و مراکز فعالیت دستگاه رهبری و از بین بردن امکان ضربه به دستگاه رهبری سازمان بود.

در این دوره نفوذ و فعالیت سازمان در محیط‌های کارگری تقویت شد و سازمان پیوند موثری با مبارزه کارگران و تشکل‌های آنان برقرار کرد. گسترش این پیوند ها در افزایش سهم کارگران در میان اعضای سازمان تاثیر داشت. در پایان سال ۶۱ سهم کارگران در میان کل اعضا به ۲۰ درصد رسید. رشد سازمان جوانان نیز چشمگیر بود، به گونه‌ای که شمار اعضای آن با شمار اعضای سازمان برابر گردید. سهم زنان در میان اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حدود ۲۳ درصد و در سازمان جوانان نزدیک به ۵۰ درصد بود. زنان همواره در سازمان ما چنین سهم قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

در دوره مورد گزارش مناسبات و همکاری‌های میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران بسط و گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. هیات سیاسی در این زمینه قطع نامه پلنوم های آغند ۵۹ و مرداد ۶۰ را راهنمای قرار عمل نمود داده بود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که بویژه اجرای قطع نامه پلنوم مرداد ۶۰ که "مشاره و همکاری میان دو سازمان را مورد نظر قرار میداد در نزدیکی و یگانگی نیروهای سازمان و حزب نقش قاطعی ایفا کرد.

با تهاجم جناح راست و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی بسه حزب توده ایران و تغییر بنیادین شرایط فعالیت سازمان، هیات سیاسی بلافاصله یک سلسله تدابیر عاجل در جهت حفاظت جدی در دستگاه رهبری سازمان و تامین امنیت کادرهای اصلی اتخاذ نمود. هیات سیاسی مهمترین وظیفه تمام سازمان را تلاش در راه تامین اتمام اقدامات کاری رهبری و حفظ کادرهای مشغول سازمان قرار داد. شکل کار حوزه ها و کمیته‌های سازمانی در جهت تطبیق با شرایط تازه تغییر کرد. تغییرات بنیادین در نحوه سازماندهی و ارتباطات نیروهای سازمان و برای تقویت مقاومت در برابر تشدید فشار و بیگردد پلیسی در دستور کار عاجل رهبری قرار گرفت. در اینجا باید دیگر باید تاکید کرد که فداکاری و کار ایثارگرانه اعضا و هواداران سازمان، در زمینه تامین امنیت کمیته مرکزی و کادرهای مشغول آن و درختی کردن نقشه‌های رژیم علیه سازمان نقش بکلسی بی بدیلی ایفا کرد.

رژیم برای نابودی قطعی سازمان ما نقشه‌های دور و درازی رادر سر داشت. عمل اوین در تابستان و پیاپی گذشته بر اساس اطلاعاتی که مهندتها برای گردآوری آن تلاش کرده بودند پوروش وسیعی را برای بسط انداختن کمیته مرکزی آغاز کردند. آنها وسیع ترین عملیات تعقیب و مراقبت و حداکثر استفاده از تکنجه ایران را برای رسیدن به نیت پلنوم خود بکار گرفتند. این پوروش علاوه هیچ نتیجه چشمگیری برای آنان نداشت. با این همه رژیم طی سه ساله اخیر به تدریج موفق شده است چند نفر از اعضا و رهبران کمیته مرکزی و معده بیشتری از کادرهای مشغول سازمان را اسیر سازد و مورد وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار دهد. از برخی از رفقای اسیر، از جمله از رفیق انوشیروان لطفی از یکسال پیش تا امروز کوچکترین اطلاعی انتشار نیافته است.

تشکیل این پلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی نشان میدهد که علیرغم بکارگیری همه حربه‌ها، رژیم در دستیابی به اهدافی که علیه سازمان ما فراروی خود قرار داده بود، شکست خورده است.

در طول سالهای ۶۲ و ۶۳ توجه عمده رهبری در زمینه مسائل سازمانی به کار بست اشکال مناسب سازماندهی و ارتباطات تشکیلات سازمان جوانان در سراسر ایران معطوف بوده است. این روند هم چنان در حال پیشرفت است. ایجاد تغییرات ضرور در ساخت سازمانی و حفاظت نیروها از دستبرد پلیس بیشترین نیرو و انرژی کمیته‌های تهران و شهرستانها رادر دو سال اخیر به خود اختصاص داده است.

بیشترت موفقیت آمیز فعالیت سازمان نگرانه در دو ساله اخیر مقاومت تشکیلات را در برابر پوروش‌های رژیم افزایش داده و شرایط فعالیت توده‌ای، تبلیغاتی و سازمان نگرانه را برای واحدهای سازمانی نیز حفظ کرده است. با این وجود، در امر رهبری تشکیلات نقص‌هایی وجود دارد، هنوز باید مشکلات زیادی راجل کرد.

واقعیات نشان میدهد که سازمان ما کامیابی‌های بسیار چشمگیری در عرصه فعالیت سازمانی بدست آورده و توانسته است نقشه‌های دشمن را برای نابودی دستگاه رهبری سازمان و درهم شکستن تشکیلات آن خنثی سازد. حفظ دستگاه رهبری سازمان از گزند دشمن که برای تداوم فعالیت آن دارای اهمیت حیاتی است، پیروزی بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

رفقا

با تغییر اوضاع و پوروش سرکوبگرانه رژیم طی دو ساله اخیر وظایف بس سنگین تری در زمینه فعالیت تبلیغی و ترویجی برعهده سازمان قرار داشته است. در این دوره تجربه و تحلیل روندها و تحولات اوضاع سیاسی و سمت گیری و سیاستها کمیته و وظایف ما در زمینه افشای آن، اهمیت است کما لایه ویژه ای داشت. هیات سیاسی در این شرایط حاد به این وظیفه

خاطر خود عمل کرد. در این رابطه بلافاصله هیات سیاسی دو تارهای از فعالیت تبلیغی و ترویجی را آغاز کرد. "بولتن داخلی" که در آن زمان یگانه تریبون بیان مواضع و نظرات سازمان بود، تا پیاپی ۶۲ متداوما انتشار می یافت و در سراسر کشور توزیع میگردد. به علاوه اعلامیه‌ها و بیانیه‌های کمیته مرکزی درباره حادثترین مسایل کشور در دوره مورد گزارش در پاس گویی به نیازهای جنبش انتشار یافته و توسط نیروهای سازمان به میان مردم برده شده است. علاوه در یکسال اخیر دو مصاحبه مهم تحت عنوان "مسائل انقلاب و مواضع ما" در شهرپور و در بهمن ۶۲ نیز انتشار یافته و در سراسر کشور به وسیع ترین شکل ممکن چسب و پخش شده است. این مصاحبه‌ها در توضیح رویدادهای کشور و تهبیه نیروها نقش مؤثری داشته است.

از همه بهتر انتشار دوره جدید نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان است. "کار" پس از دو سال وقفه از نو انتشار یافت و در کار بسیج و تجهیز نیروهای سازمان نقش حیاتی برعهده گرفت. هم اکنون همه ماهه "کار" به کوشش خلاقانه واحدهای تشکیلات در هزاران نسخه چاپ و در سراسر کشور توزیع میشود. در حال حاضر کار یگانه نشریه انقلابی در ایران است که در این شرایط خفغان و سرکوب در این سطح وسیع منظمآ انتشار می یابد.

در شرایطی که رژیم به دروغ مدعی است همه سازمان‌های انقلابی را نابود کرده و اقتدر نیرومندانست که کسی را برای اعتراض نیستم، بخش وسیع تراکت‌ها، اعلامیه‌ها و دیگر موضعگیرهای سازمان هر روز اهمیت بیشتری کسب میکند. هیات سیاسی با توجه به اهمیت تبلیغ سه وسیله تراکت و هم چنین شعارنویسی و پخش اعلامیه در این زمینه رهسودهای خود را به نیروهای سازمان ابلاغ کرده است. واحدهای تشکیلات توسعه و وسیع هواداران از این رهسود استقبال کرده‌اند. هم اکنون تلاشهای فداکارانه اعضا و هواداران نام برافتخار سازمان ما، نام سازمان نشان خلق ایران (اکثریت) را در جنبش توده‌ای زحمتکشان بینمان ظنین افکن می سازد و نقش و تاثیر آن را در روند رویدادها گسترش میدهد.

با اینحال باید گفت علیرغم همه کارهای انجام شده در این زمینه هنوز باید کارهای زیادی انجام دهیم. مسله مهم در این زمینه یافتن راه‌های گسترش دامنه و افزایش سازده فعالیت تبلیغی در این شرایط خفغان است. فعالیت تبلیغاتی در خارج از کشور نیز در طول دو ساله اخیر گسترش یافته است. نشریه "اکثریت" با محتوای تبلیغی سیاسی بطور هدفکی منظمآ انتشار می یابد و در سطح بیش از بیست کشور جهان توزیع میشود. ترجمه مهمترین مواضع اعلام شده سازمان نیز در کشورهای مختلف در اختیار نیروهای ترقی خواه قرار میگردد.

در دوره مورد گزارش به دلیل شرایط موجود در زمینه انتشار نشریات ترویجی کار چشمگیری صورت نگرفته است. در این رابطه فقط باید از نشریه "آموزش‌های از انقلاب و سوسیالیسم" نام برد که پس از حدود یکسال وقفه از اوایل سال جاری مجدداً انتشار یافته است. هیات سیاسی تلاش میکند فعالیت ترویجی سازمان را در جهت پاسخ گوئی به نیازهای جنبش وسعت بخشد.

چنین است سیاسی عمومی ارزیابی‌ها، سیاست‌ها و فعالیت‌های سیاسی کمیته مرکزی در دوران مورد گزارش از جانب هیات سیاسی از توجه کمیته مرکزی به گزارش‌های سیاسی تشکر و برای مردم زحمتکش ایران پیروزی آزادی، رفاه آرزو میکنم.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع
پیروزی دما و زده مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

هیات سیاسی کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
مهر ماه ۱۳۶۲

قراریهای مصوب پلنوم بهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نظریه تغییر اوضاع کشور و نیازهای جنبش پلنوم کمیته مرکزی هیات سیاسی منتخب پلنوم را موظف به اجرای قراریهای زیر ساخته. متن قراریها بدین شرح است:

دوباره اساسنامه
پلنوم بهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیات سیاسی منتخب را موظف میکند که در جهت اصلاح اساسنامه موقت سازمان و آرا ف آن به پلنوم آینده برای تصویب اقدام لازم را به عمل آورد.

دوباره برنامه
پلنوم بهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هیات سیاسی منتخب را موظف میکند که پس از انجام تغییرات لازم در طرح برنامه سازمان آنرا جهت تصویب به پلنوم آینده کمیته مرکزی ارائه دهد.

تصحیح ضرور

در شماره قبل متاسفانه یک پاراگراف از ماده ۷ قطعنامه «درباره انقلاب و ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران جا افتاده است که ضمن پوروش هر دو پاراگراف آن در این شماره درج میشود. از رفقا و دوستان عزیز تقاضا میشود متن پاراگراف دوم این ماده را به متن قطعنامه فوق در بکار، شماره ۹ اضافه کنند:

ماده ۷ قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران امپریالیسم و پوروش‌های وابسته به آن و نیز نیروهای رتجایی و راستگرای درون حکومت که بر زمینه رشد و تقویت سرما بهای بزرگ تجاری مواضع خود را مستحکم میکنند در راه خردسال ۵۹ و اوایل سال ۶۰ همراه با خبریانات قشری جدا کنترتلاش خود را برای تشدید خنثی و تفرقه میان نیروهای ترقیخواه کشور بکار گرفتند. این توطئه در کنترتوطئه امپریالیستی تحمیلی جنگ بسه نابودی بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای ترقیخواه و کشور و تقویت نیروهای راستگرا و محافظه کار در حکومت منجر گردید.

بدنبال این تحولات، برتری نیروهای مدافع انقلاب در حکومت از میان رفت و استبداد مذهبی مستقر گردید. با اینحال جدال بر سر املاجات اقتصادی اجتماعی که اجرائی آنها از مدتی قبل متوقف شده بود، ادامه یافت و فشار نیروهای ارتجاعی برای تغییر مستحکمتری فدا امپریالیستی حکومت تشدید گردید.

ریگان جنگ افروز برکسی ریاست

سازمان مپسا از ماهها تبلیغات توسط انحصارات صنعتی نظامی و ارتجاعی ترسین محافل امپریالیستی آمریکا و غرب نخبه‌جات آمریکا و اروپا نزدیک به یک ماه برگزار گردید و با دیدگر ریگان برای مدت چهار سال بده‌دهار مرقا است جمهوری آمریکا شد.

ریگان ۴ سال پیش با اتکا به تبلیغات آشکار بونینستی - میلیتاریستی و ضدشوروی به میدان مدوا ز سیاست تحکیم و زور یعنی انحراف تا مین منافع امپریالیسم ارتجاعی در جهان و "تا مین" "تا قاشی" بنیانی امپریالیسم آمریکا سخن می‌راند. او با طرح بین مسئله که در سالهای دهه ۷۰ نسبت به قدرت توانائی آمریکا در نزد متحدین آن شک و شبهه پدید آمده و از اعتبار آن و حیثیت امپریالیسم آمریکا در جهان ناشسته شده است، به تبلیغات ناسیونالیستی در جامعه آمریکا در آن زمان زد و کوبید. افکار عمومی آمریکا میان رابنوی برنا به‌های جنگ افروزانه خود دست دهد. سازمان ریگان در مقابل کار تررتیب خود، که عموماً در نتیجه شکستهای آمریکا در مقابل انقلاب، ایران، از جمله شکستهای بیابانی مکه‌های ساری و دولت کار تررتیب برای راه انداختن کودتا و توسل به عملیات ماجراجویانه در کشور با شدت بسیار اعتبار تحقیر شده بود به پیروزی رسید. از آنجا که ریگان در روز، سیاستهای جنگ افروزانه و دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم نیروهای مسلح آمریکا، تحسین ناسیونالیسم، در مقابل مختلف جهان که کشور با ناکامی مواجه بوده است، خشم‌های ناسیونالیست را انگیزه است. جنبش عظیم ملحد را سرکشی ناسیونالیست از واکنش آمریکا میان نسبت به سیاستهای

ما جرایم و نادرتهای ریگان است. این اعتراضات باعث گردید که ریگان اینبار در تبلیغات انتخاباتی با تلاش فزاینده آمریکا را به خود را طرفدار صلح و آزادی و زودا و تحکیم صلح جهانی و گسترش رابطه با شوروی سخن براند و دست به مانورهای تاکتیکی بزند.

انحصارات صنعتی - نظامی که میان اصلی دارودسته ریگانند، با تامین میلیونها دلار هزینه‌های انتخاباتی او، زمینه را برای تامین سودهای نجومی خود هموارتر ساختند. آنها میلیونها دلار خرج مبارزات انتخاباتی ریگان کردند تا در پناه سیاست خارجی آتش افروزان و به فروش سلاح‌های آمریکا بپردازند و منافع خود را تامین کنند.

دارودسته ریگان سعی کرده‌اند تا با سرمایه‌های آمریکا را متقاعد سازند، که سیاستهای آنان عامل رونق اقتصادی آمریکا بوده و بخیر آن اقتصاد ایران کشور خائمه داده است.

جهان‌بین خوب میداند که حکام آمریکا به قیمت جپا و دل بی‌حد و حد در ترس میلیونها انسان محروم و زحمتکش در آمریکا، با تحمیل جنگ به آنها و فروش سلاح به حکومتها، ارتجاعی، کوشش کرده و می‌کنند تا اقتصاد دنیما را خود را مدد سازند و دارودسته ریگان در جهت اجرای استراتژی جنگ با ناسیونالیسم انحصارات صنعتی - نظامی برای فروش سلاح و غارت ملل جهان به‌جا مدعیان بخوانی، گانوسها تشنگی و جنگهای داخلی و فزاینده بر خود و جنگهای مقطعی می‌پردازند، که جنگ ایران و عراق، مسائل خاور نزدیک و مسائل آمریکا و لاتین، از جمله اند ریگان طی چهار سال گذشته با افزایش سرمایه‌های

بوده نظامی آمریکا و تغییر در سیستم مالیات‌های آن کشور به نفع ارتجاعی صنعتی - نظامی، درآمد اقتصاد متوسط و پایین‌ها را معاف از محدودیت‌های ترسناک است، او همچنین کمک به مبارزات ناسیونالیستی برای کارگران روز حمتکشان آمریکا را محدود نموده است. دولت او از این طریق کوشش کرد تا از اعتصابات کارگران جلوگیری کند و آنها را به تبعیت از انحصارات او وادارد. دولت ریگان در تبعیض نژادی علیه سیاه‌پوستان و دیگر اقشار زیر مستقیم در آمریکا و تبعیض نسبت به زنان را در آن زده است. تلاشهای ریگان برای کسب برتری نظامی-شوروی و بدست آوردن امکان پیشدستی و وارد نمودن ضربه هسته‌ای به آن که منجر به استقرار خودکامی از ضربت اول در اروپای غربی و جنوبی شده است. شریعت را در معرض جنگ هسته‌ای حیا نسوز قرار داده است.

امپریالیسم آمریکا ریگان را به نیکو خدمتگر کمونیسم، راه‌پوشی برای سیاستهای جنگ افروزانه و ارتجاعی خود تبدیل کند. اکنون هیچ نشانی از تغییر این سیاستها به چشم نمی‌خورد.

تاریخ نشان داده است که جنگ افروزان و برتری طلبان که بدنبال مطامع ملی خود از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند، سرانجام به دست خودکام خود را می‌کنند. ریگان و دارودسته او که نقشه‌های توسعه طلبانه و سیاست‌های نژادپرستانه را در پی دارند، تعقیب می‌کنند تا با نفوذ فزاینده ملل فرانس و سایر جهان مواجه هستند و سرنوشته‌های جدید جنگ افروزان تاریخ ندارند.

مبارزه دهقانان

مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و ارتگانهای حامی آنها اکنون به مساله همه‌روزه بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و همچنانکه یلنوم سازمان ما تأکید کرده عرصه حاد مبارزه آنان را تشکیل میدهد. اعتراض دهقانان به دلیل عدم تامین ابتدائیترین نیازهای تولیدی آنها نظیر وسایل کشت، کود، بذر، دام، سوخت، دفع آفات نباتی و حیوانی، قطعات یدکی ماشین آلات، سوخت و غیره نیز روز بروز گسترده‌تر میشود.

دهقانان که در گذشته عمده‌ترین پشت‌پا جنبه جنگی به حساب می‌آمدند و بطور عمده نیروی انسانی آنرا تامین می‌کردند، اکنون ناراضی خود را از سیاست‌های جنگ افروزانه و ارتجاعی رژیم هرچه بیشتر ملامت می‌پزند و در بسیاری موارد از اعزام فرزندان نشان به جنبه‌ها خودداری می‌کنند. آنها در مقابل بولشوی ارتگانهای سرکوب روستا برای دستگیری مسئولین خدمت نظام، بطور جمعی مقاومت می‌نمایند. کشته شدن تعداد بیشتری از فرزندان دهقانان در جنبه‌ها خشم و نفرت آنها را بسیار انگیزه‌آمیز است. امروز ملحد خواست مبرم دهقانان است.

بقیه از صفحه اول

مبارزه‌های دهقانان علیه بزرگ مالکان و ارتگانهای حامی آنها اکنون به مساله همه‌روزه بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و همچنانکه یلنوم سازمان ما تأکید کرده عرصه حاد مبارزه آنان را تشکیل میدهد. اعتراض دهقانان به دلیل عدم تامین ابتدائیترین نیازهای تولیدی آنها نظیر وسایل کشت، کود، بذر، دام، سوخت، دفع آفات نباتی و حیوانی، قطعات یدکی ماشین آلات، سوخت و غیره نیز روز بروز گسترده‌تر میشود.

دهقانان که در گذشته عمده‌ترین پشت‌پا جنبه جنگی به حساب می‌آمدند و بطور عمده نیروی انسانی آنرا تامین می‌کردند، اکنون ناراضی خود را از سیاست‌های جنگ افروزانه و ارتجاعی رژیم هرچه بیشتر ملامت می‌پزند و در بسیاری موارد از اعزام فرزندان نشان به جنبه‌ها خودداری می‌کنند. آنها در مقابل بولشوی ارتگانهای سرکوب روستا برای دستگیری مسئولین خدمت نظام، بطور جمعی مقاومت می‌نمایند. کشته شدن تعداد بیشتری از فرزندان دهقانان در جنبه‌ها خشم و نفرت آنها را بسیار انگیزه‌آمیز است. امروز ملحد خواست مبرم دهقانان است.

مالکان برای حفظ زمینهای مصادره‌شده

مالکان برای حفظ زمینهای مصادره‌شده نقش فعالی داشته و دارند. ارتجاع با راه‌های ترکمن صراحتاً کوشید عناصر مردمی شوراهای را تصفیه کند، ولی علیرغم فشار و ارباب، دهقانان در بسیاری از موارد برای چندمین بار به عضویت نمایندگان سابق خود در شوراهای را دادند و انشوراهای مردمی خویش قاطعانه دفاع کردند. در جریان بولشوی جنبه ارتجاع به دستاوردهای انقلاب در روستاهای کشور، شوراهای مردمی همواره یکی از اماج‌های اصلی بوده‌اند. بسیاری از اعضای شوراهای مورد حمایت بوده‌اند. دستگیری، زندانی و محکوم شدند. علیرغم این اعضاء مبارز و با تجربه شوراهای دهقانی که فدا این سالها رژیم به تصفیه آنها پرداخته است، افراد خوشام و مورد اعتماد و احترام دهقانان زحمتکش در امر رهبری و پیشبرد مبارزات آنان و متحد ساختن و متشکل نمودن آنها، علیه بزرگ مالکان و حامیانشان شرکتی موثر دارند.

امروز ایجاد تشکلهای دهقانی و قرار گرفتن نمایندگان متعدد و مبارز دهقانان در تشکلهای موجود و تصفیه آنها از عناصر ناپاب و مامورین مرتجع حکومتی، بطریقی که این شوراهای در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان قرار گیرد، اهمیت بسیار یافته است.

مبارزه دهقانان برای بدست آوردن و حفظ زمین و علیه بزرگ مالکان، برخلاف گذشته که هیئت‌های هفت نفره و چهار نفره در زمان ندهی آن نقش داشتند، با اتکا به تجربیات خودشان به پیش می‌روند. بنابراین اکنون حضور فعال بولشوی انقلابی را می‌طلبند و زمینه را برای تأثیرگذاری بیشتر آن فراهم می‌سازند.

در چنین شرایطی فدائیان خلق، به‌ویژه فعالین ماردروستاها برای بردن برنا به سیاست و شعارهای سازمان به میان دهقانان و فعالیت آگاه‌ها گرانه و سازمان ندهند در روستاها کوشش هرچه بیشتری میکنند. فعالین ما در افتخار اقدامات سرکوبگرانه رژیم و حمایت آن از بزرگ مالکان و خیانت حکام جمهوری اسلامی به انقلاب و منافع و مصالح مردم، کوششهای هر چه موثرتری را پیش می‌برند.

فدائیان باید بیش از پیش اخبار مبارزات و موفقیت‌های دهقانان زحمتکش را انتشار دهند و به کوشش روستائیان با برنقاط، زحمتکشان شهری و کارگران برسانند.

فدائیان باید اعتراضات روستائیان به دادا که جنگ را بیش از پیش برانگیزا خند و منگن کنند و در سازماندهی این اعتراضات

مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و ارتگانهای حامی آنها اکنون به مساله همه‌روزه بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و همچنانکه یلنوم سازمان ما تأکید کرده عرصه حاد مبارزه آنان را تشکیل میدهد. اعتراض دهقانان به دلیل عدم تامین ابتدائیترین نیازهای تولیدی آنها نظیر وسایل کشت، کود، بذر، دام، سوخت، دفع آفات نباتی و حیوانی، قطعات یدکی ماشین آلات، سوخت و غیره نیز روز بروز گسترده‌تر میشود.

دهقانان که در گذشته عمده‌ترین پشت‌پا جنبه جنگی به حساب می‌آمدند و بطور عمده نیروی انسانی آنرا تامین می‌کردند، اکنون ناراضی خود را از سیاست‌های جنگ افروزانه و ارتجاعی رژیم هرچه بیشتر ملامت می‌پزند و در بسیاری موارد از اعزام فرزندان نشان به جنبه‌ها خودداری می‌کنند. آنها در مقابل بولشوی ارتگانهای سرکوب روستا برای دستگیری مسئولین خدمت نظام، بطور جمعی مقاومت می‌نمایند. کشته شدن تعداد بیشتری از فرزندان دهقانان در جنبه‌ها خشم و نفرت آنها را بسیار انگیزه‌آمیز است. امروز ملحد خواست مبرم دهقانان است.

مبارزه‌های دهقانان علیه بزرگ مالکان و ارتگانهای حامی آنها اکنون به مساله همه‌روزه بسیاری از روستاهای مناطق مختلف کشور تبدیل شده است و همچنانکه یلنوم سازمان ما تأکید کرده عرصه حاد مبارزه آنان را تشکیل میدهد. اعتراض دهقانان به دلیل عدم تامین ابتدائیترین نیازهای تولیدی آنها نظیر وسایل کشت، کود، بذر، دام، سوخت، دفع آفات نباتی و حیوانی، قطعات یدکی ماشین آلات، سوخت و غیره نیز روز بروز گسترده‌تر میشود.

دهقانان که در گذشته عمده‌ترین پشت‌پا جنبه جنگی به حساب می‌آمدند و بطور عمده نیروی انسانی آنرا تامین می‌کردند، اکنون ناراضی خود را از سیاست‌های جنگ افروزانه و ارتجاعی رژیم هرچه بیشتر ملامت می‌پزند و در بسیاری موارد از اعزام فرزندان نشان به جنبه‌ها خودداری می‌کنند. آنها در مقابل بولشوی ارتگانهای سرکوب روستا برای دستگیری مسئولین خدمت نظام، بطور جمعی مقاومت می‌نمایند. کشته شدن تعداد بیشتری از فرزندان دهقانان در جنبه‌ها خشم و نفرت آنها را بسیار انگیزه‌آمیز است. امروز ملحد خواست مبرم دهقانان است.

مالکان برای حفظ زمینهای مصادره‌شده نقش فعالی داشته و دارند. ارتجاع با راه‌های ترکمن صراحتاً کوشید عناصر مردمی شوراهای را تصفیه کند، ولی علیرغم فشار و ارباب، دهقانان در بسیاری از موارد برای چندمین بار به عضویت نمایندگان سابق خود در شوراهای را دادند و انشوراهای مردمی خویش قاطعانه دفاع کردند. در جریان بولشوی جنبه ارتجاع به دستاوردهای انقلاب در روستاهای کشور، شوراهای مردمی همواره یکی از اماج‌های اصلی بوده‌اند. بسیاری از اعضای شوراهای مورد حمایت بوده‌اند. دستگیری، زندانی و محکوم شدند. علیرغم این اعضاء مبارز و با تجربه شوراهای دهقانی که فدا این سالها رژیم به تصفیه آنها پرداخته است، افراد خوشام و مورد اعتماد و احترام دهقانان زحمتکش در امر رهبری و پیشبرد مبارزات آنان و متحد ساختن و متشکل نمودن آنها، علیه بزرگ مالکان و حامیانشان شرکتی موثر دارند.

امروز ایجاد تشکلهای دهقانی و قرار گرفتن نمایندگان متعدد و مبارز دهقانان در تشکلهای موجود و تصفیه آنها از عناصر ناپاب و مامورین مرتجع حکومتی، بطریقی که این شوراهای در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان قرار گیرد، اهمیت بسیار یافته است.

مبارزه دهقانان برای بدست آوردن و حفظ زمین و علیه بزرگ مالکان، برخلاف گذشته که هیئت‌های هفت نفره و چهار نفره در زمان ندهی آن نقش داشتند، با اتکا به تجربیات خودشان به پیش می‌روند. بنابراین اکنون حضور فعال بولشوی انقلابی را می‌طلبند و زمینه را برای تأثیرگذاری بیشتر آن فراهم می‌سازند.

در چنین شرایطی فدائیان خلق، به‌ویژه فعالین ماردروستاها برای بردن برنا به سیاست و شعارهای سازمان به میان دهقانان و فعالیت آگاه‌ها گرانه و سازمان ندهند در روستاها کوشش هرچه بیشتری میکنند. فعالین ما در افتخار اقدامات سرکوبگرانه رژیم و حمایت آن از بزرگ مالکان و خیانت حکام جمهوری اسلامی به انقلاب و منافع و مصالح مردم، کوششهای هر چه موثرتری را پیش می‌برند.

فدائیان باید بیش از پیش اخبار مبارزات و موفقیت‌های دهقانان زحمتکش را انتشار دهند و به کوشش روستائیان با برنقاط، زحمتکشان شهری و کارگران برسانند.

فدائیان باید اعتراضات روستائیان به دادا که جنگ را بیش از پیش برانگیزا خند و منگن کنند و در سازماندهی این اعتراضات

مالکان برای حفظ زمینهای مصادره‌شده نقش فعالی داشته و دارند. ارتجاع با راه‌های ترکمن صراحتاً کوشید عناصر مردمی شوراهای را تصفیه کند، ولی علیرغم فشار و ارباب، دهقانان در بسیاری از موارد برای چندمین بار به عضویت نمایندگان سابق خود در شوراهای را دادند و انشوراهای مردمی خویش قاطعانه دفاع کردند. در جریان بولشوی جنبه ارتجاع به دستاوردهای انقلاب در روستاهای کشور، شوراهای مردمی همواره یکی از اماج‌های اصلی بوده‌اند. بسیاری از اعضای شوراهای مورد حمایت بوده‌اند. دستگیری، زندانی و محکوم شدند. علیرغم این اعضاء مبارز و با تجربه شوراهای دهقانی که فدا این سالها رژیم به تصفیه آنها پرداخته است، افراد خوشام و مورد اعتماد و احترام دهقانان زحمتکش در امر رهبری و پیشبرد مبارزات آنان و متحد ساختن و متشکل نمودن آنها، علیه بزرگ مالکان و حامیانشان شرکتی موثر دارند.

امروز ایجاد تشکلهای دهقانی و قرار گرفتن نمایندگان متعدد و مبارز دهقانان در تشکلهای موجود و تصفیه آنها از عناصر ناپاب و مامورین مرتجع حکومتی، بطریقی که این شوراهای در خدمت سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان قرار گیرد، اهمیت بسیار یافته است.

مبارزه دهقانان برای بدست آوردن و حفظ زمین و علیه بزرگ مالکان، برخلاف گذشته که هیئت‌های هفت نفره و چهار نفره در زمان ندهی آن نقش داشتند، با اتکا به تجربیات خودشان به پیش می‌روند. بنابراین اکنون حضور فعال بولشوی انقلابی را می‌طلبند و زمینه را برای تأثیرگذاری بیشتر آن فراهم می‌سازند.

در چنین شرایطی فدائیان خلق، به‌ویژه فعالین ماردروستاها برای بردن برنا به سیاست و شعارهای سازمان به میان دهقانان و فعالیت آگاه‌ها گرانه و سازمان ندهند در روستاها کوشش هرچه بیشتری میکنند. فعالین ما در افتخار اقدامات سرکوبگرانه رژیم و حمایت آن از بزرگ مالکان و خیانت حکام جمهوری اسلامی به انقلاب و منافع و مصالح مردم، کوششهای هر چه موثرتری را پیش می‌برند.

فدائیان باید بیش از پیش اخبار مبارزات و موفقیت‌های دهقانان زحمتکش را انتشار دهند و به کوشش روستائیان با برنقاط، زحمتکشان شهری و کارگران برسانند.

فدائیان باید اعتراضات روستائیان به دادا که جنگ را بیش از پیش برانگیزا خند و منگن کنند و در سازماندهی این اعتراضات

ترویر ایندیپندنگاندی : توطنه یلید عوامل امپریالیسم و ارتجاع

ایندیپندنگاندی نخست وزیر هندوستان، در آستانه انتخابات عمومی و پس از شورش تجزیه طلبان سبک در ایالت پنجاب که به تحریک آمریکا و پاکستان صورت گرفته بود، دوغترا بدست و دغتراف محافلین خودبه قتل رسید. ترویر ایندیپندنگاندی که بدست عوامل مرتجع و تحریک شده صورت گرفت برای هندوستان ضایعه بزرگی بود. این حادثه ناگوار موجب ناراحتی و نگرانی مردم هندوستان و تاسف و تالم خاطر نیروهای ترقی خواه جهان گشت.

خانم گاندی در مقام نخست وزیر هندوستان و بعنوان رئیس جنبش غیرمتعهدها تلاشهای وسیعی را برای حفظ صلح جهانی و امنیت بین المللی انجام داد. به ارتقاء نقش جنبش غیرمتعهدها کمک نمود. و در جهت حفظ استقلال کشور خویش کوشش و تلاشهای فراوانی در جهت استقلال کشور خویش و تلاشهای زیاد می کرد. دولت هندوستان زیر رهبری ایندیپندنگاندی سیاست خارجی مستقل، ملحقوبانه و متقرب را پیش برده که در خدمت تقویت جنبه جهانی فدا امپریالیسم بوده است.

قتل خانم گاندی بی تردید در ارتباط با نقش مثبت هندوستان در منطقه و سیاست های استقلال طلبانه نبوده است. هدف اصلی کینندگان به خانم گاندی تشویق متوجه نابودی می او نبود. آنها می خواستند اختلافات مذهبی و قومی را دامن بزنند و بر فسادناغ و مصالح خلقهای ساکن کشور، وحدت و یکپارچگی هندوستان را از بین ببرد و به استقلال کشور لطمه وارد آورند.

امپریالیسم آمریکا در اغتشاشهای هند و در اقدامات علیه خانم گاندی مشخصا نقش داشت. موجخوشونت و اغتشاشی که بعد از قتل خانم گاندی سر اسر هندوستان را فرا گرفت موجب کشتاردها نفر گردید. نشانه وسعت توطنه می باشد. خوشحاله این اغتشاش ها فروکش کرد و نظم و آرامش برقرار گردید. نیروهای ترقی خواه جهان امیدوارند که از خانم گاندی، هندوستان همچنان بعنوان کشور مستقل در راه تامین صلح جهانی کام بردار و مردم هند برسد و به نفع امپریالیسم علیه استقلال کشور غلبه کند و به نفع سایر بزرگ کشورها در تقویت جنبه جهانی فدا امپریالیستی بیگترانه کوشش دهد.

انتخابات نیکاراگوئه، تجلی حمایت مردم از ساندینیست ها

انتخابات عمومی نیکاراگوئه برای تعیین رئیس جمهور و معاون آن و ۵۰ هزار ساندینا سبکدانی ملی، علیه نظامی مذبوحانه دولت ریگلس و مزدوران آن با موفقیت هرچه تمام تر برگزار گردید. ۷۲ درصد از وجدین شرایط (حدود یک میلیون و بیست هزار نفر) با رغبت بهای صندوقهای رای رفتند. در بین هفت حزب سیاسی که نامزدهای خود را اعلام کرده بودند، جبهه ساندینیست ها بهترین آرا (حدود ۵۴ درصد) را بدست آوردند و تیل اورنگا که ۴۷ درصد آرا کسب کرده بود، آرا دولتی نیکاراگوئه بود بعنوان رئیس جمهور انتخاب شد. کاندیداهای ساندینیست ها برای این مجلس ملی ۱۵ نفر کارگروبیگانه زین دهقانان معلمان و پزشکان زوسا برافرا مردم انتخاب شدند و ساندینیست ها برنا به خود را برای تحول بنیادین اقتصادی اجتماعی را به معوه حفظ استقلال کشور در اختیار مردم گذاشتند. انتخاب ساندینیست ها بعنا به تا بید و پیشانی توده های وسیع مردم از برنا به معاصر زه قاطع و بیگتر آنان علیه امپریالیسم آمریکا و نگران و مرتجعین داخلی بود.

در این انتخابات حدود ۵۰ هزار نفر از طریق لمللی از ۲۰ کشور جهان منجمله از آمریکا، اروپای غربی و کشورهای آمریکای لاتین بر جریان برگزرای انتخابات نظارت می کردند. ناظران شاهد برگزاری اولین انتخابات واقعی، دمکراتیک و همگانی در نیکاراگوئه بودند. با وجود تبلیغاتی که دولت آمریکا علیه این انتخابات را راه انداخته بود، شرکت تلویزیونی ای-سی-سی اعتراف کرده که انتخابات آزاد و عادلانه بود. گورلا کاردو " نماینده پارلمان انگلیس تا بید کرد که شرکت دسته جمعی مردم نیکاراگوئه در انتخابات نمایشگروفا داری آنها به جریان انقلابی است.

با پیروزی ساندینیست ها، دولت ریگان اقدامات خود را علیه نیکاراگوئه تعدید کرده و در صدمه وارن همه جا نه آن برآمده است. هم اکنون تفنگساران دریایی که سال گذشته گرانادا را اشغال کردند آماده حمله به نیکاراگوئه هستند ولی مردم ساندینیست ها برای بستن دگ دولت انقلابی در مقابل تهاجمات آمریکا صحت گذاشتند. دانسیل اورنگا اعلام کرده است که با تمام قوا از خاک میهن در مقابل تها و زکرا دفاع خواهد کرد و از جازه نخواهد داد که کشورش به اشغال آمریکا دربیاید.

وقفه به پیش می رود، ترس از بحرانهای اقتصادی و بیگتری وجود ندارد. زندگی زحمتکشان برائسر پیشرفتهای اقتصادی داشما بهبود بیشتر می یابد، سیستم سیاسی سوسیالیسم اعتدلال می یابد و دموکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا میکند. تولیدات صنعتی اتحاد شوروی از سمرز ۲۵٪ تولیدات جهانی گذشته است. اکنون میزان درآمد ملی سوسیالیستی به ۴۵ برابر زمان پیش از انقلاب رسیده است. در سال ۱۹۲۰ صنایع آمریکا بیش از ۶۸ برابر صنایع اتحاد شوروی محصول تولید میکرد ولی در حال حاضر فرآورده های صنعتی شوروی به ۸۵ درصد فرآورده های آمریکا رسیده است.

امروز سوسیالیسم به عامل تعیین کننده روند تحولات جهانی بدل گشته و ابتکار تاریخی را در دست دارد. تناسب نیروها بیش از پیش بود سوسیالیسم تغییر میکند و سیاست های تها و زکارانه و جنگ افروزانه امپریالیسم برای برگرداندن چرخ تاریخ با نا کامی روبرو میگردد. انقلاب اکثریت برای مردم مهن ما بزرگ رویداد رهایی آور و الهام بخش بود. پیروزی انقلاب اکثریت سبب تقویت جنبش انقلابی در کشور ما شد. قیام خیابانی، جنبش جنگل، قیام بسیار و مبارزات حزب کمونیست ایران تحت تاثیر رویداد جهانی انقلاب اکثریت قرار داشتند و از آن توشه معنوی گرفتند. در همه این مبارزات مردم ما از حمایت نثرنا سوسالیستی دولت جوان اتحاد شوروی برخوردار بوده است که خود با مخالفتان داخلی و مداخله گران امپریالیستی دست و پنجه نرم میکرد.

لنین در اولین خطابه خود بعنوان صدر شورای کمیسرهای خلق به تمام زحمتکشان سلمان روسیه شرقی گفت: "ما اعلام میداریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است. از جانب روسیه و دولت انقلابی وی اسارت در انتظار شما نیست بلکه از جانب درندگان امپریالیست یعنی از جانب آنهاست که میهن شما را به مستعمره توهین شده و تاراج رفته خویش بدل ساخته اند."

با این اعلام کلیه امتزارات تزاریسیم در ایران ملغی گردید و سر اثر این اقدام بانک استقرایی و سایر بانک تزاریسیم به مالکیت ایران درآمد. ایران از برداخت قروض خود به روسیه تزاری معاف گردید. حق ایران در کشتیرانی بحر خزر احیا و کاتولاسیون حقوق کمتری ناشی از قرارداد ترکمنچای لغو شد. این رویداد، احترام و تحسین عمیق مردم کشور ما را نسبت به اتحاد شوروی برانگیخت.

پس از استقرار حاکمیت شوراهای ساندینیست دولت شوروی بیوسه متوجه تقویت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما بود. اتحاد شوروی ایران را از هجوم فاشیسم در ارض دفاع قهرمانانه از سرزمین خویش حفظ کرد و با نقشه انگلیسی و آمریکا تقسیم ایران پس از جنگ دوم جهانی که در واقع احیای نقشه ۱۹۰۷ بود، مخالفت ورزید و موجب کسب این نقشه جناحیت بار شد. اتحاد شوروی از جنبش خلق ما و از انقلاب بهمین ۵۷ قاطعانه پشتیبانی کرد. اتحاد شوروی زمانیکه آمریکا بر تدارک کسبیل نیرو برای سرکوب جنبش ما برآمده بود با اخطار جدی خود این دسیسه امپریالیسم را عقیم کرد. دولت شوروی در جریان مبارزه اقتصادی ایران توسط کشورهای امپریالیستی به مهن ما کمکهای ثابان توجیحی نمود.

رهبران جمهوری اسلامی با وجود کمکهای موثر و گسترده دولت شوروی به مهن ما، همزمان با نزدیکی به کشورهای غربی و خیا نشانه انقلاب و مردم، کارزار تبلیغاتی وسیعی علیه اتحاد شوروی بر راه انداختند و به تحریف حقایق ساختمان سوسیالیسم و کمک های ارزنده کشور شوراهای مهن ما پرداختند. ولی مردم ما بر پایه تها و زکار تاریخی و واقعیت های عینی در سیمای اتحاد شوروی دوستی مدنی و پیشانی بیگتر و وفاداری می یابند. انقلاب اکثریت و تلاشهای بیگتران مردم اتحاد شوروی برای بنای ساختمان جامعه فارغ از جور و ستم، الهام بخش همه نیروهای متقرب و انقلابی ایران در بیگتر علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانی است.

انقلاب اکتبر ...

بقیه از صفحه اول هر چه بیشتر در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم برگزار شد. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر که بنا جانفشانی و قهرمانی مردم اتحاد شوروی به ثمر رسید طلپعه آزادی نهائی همه بشریت و سر آغاز عصری دیگر، یعنی عصر گذار به سوسیالیسم و بی برزی جهان نوین بود.

با پیروزی انقلاب اکتبر که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیشوای آن لنین تحقق یافت، تسلط جهانگیر امپریالیسم پایان گرفته در جبهه جهانی سرمایه شگافی عمیق بوجود آمد و بر پایه اتحاد کارگران و دهقانان جامعه ای شکل گرفت که انسان زحمتکش عمده ترین ثروت آنرا تشکیل میدهد. با پیروزی انقلاب اکتبر اولین بحران عمومی جهان سرمایه داری آغاز گشت و ستم مستعمراتی امپریالیسم با بحران مرک آوری مواجه گشت و بنای فروت آن زبیر بندک های کوبنده خلقهای ستم دیده رو به فروپاشی گذارد.

انقلاب اکتبر خلق های ستم دیده را بیش از پیش به صحنه مبارزه انقلابی کشاند و در بیداری و ارتقاء آگاهی زحمتکشان نقش ظعیی ایفا نمود و اندیشه های تابناک انقلابی و تفصوری جهان مشمول مارکسیسم - لنینیسم را در تمام جهان رسوخ داد. انقلاب اکتبر سر آغاز تحولی زرفر اندیشه انسانها و پیروزی جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم در مقیاس تاریخی و جهانی بود.

راهی که خلق شوروی در شصت و هفت سال بنموذ اثبات کرد که سوسیالیسم برای زحمتکشان برابری اجتماعی، اعتماد و اطمینان به آینده و اعتلای بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی را تامین می نماید. انقلاب اکثریت جامعه ای آفرید که در آن همه چیز در راه سهروری انسان و بنام انسان صورت می گیرد.

سوسیالیسم برای نخستین بار در تاریخ به حل مسائلی موفق شد که بشریت هزاران سال با آن درگیر بود. در زادگاه اکثریت سهره کثی فرفر از فرد بر افتاد و مالکیت اجتماعی بر سوسایل تولید تامین شد. زنان که نیمی از مردم هستند از زندان خانه آزاد گشته و قدم به عرصه فعالیت سازنده اجتماعی گذاشتند و برابری حقوق زن و مرد تامین گشت. ستم ملی در کشور شوراهای ریشه کن شد و برابری کامل حقوق ملیت ها و خلق های ساکن کشور فراهم گشت. مسلک و اقوام گوناگون با کسب حق حاکمیت ملی و تشکیل جمهوریهای ملی و خودمختار، دا و ولطمانه و بر پایه برابری حقوق و همیاری برادرانه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را تشکیل دادند. حل لنینی مسئله ملی در کشوریکه بیش از صد ملت در آن زندگی میکنند ره آورد بزرگ انقلاب اکتبر بود.

سوسیالیسم در طی چند دهه اخیر علیرغم دشواریهای عظیم، راه خود را پیروز مندانه سلطه گشود. اتحاد شوروی با پایداری حماسی در برابر تعرض فاشیسم هیلتری و در هم کوبیدن و نابود کردن آن فصل جدیدی را در پیوسته و پیشرفت سوسیالیسم گشود. در اثر پیروزی در فاشیسم یک سلسله از کشورهای اروپا و آسیا از قید رژیمهای مرتجع سرمایه داری و سلطه استعمار آزاد شدند و سیستم جهانی سوسیالیستی بوجود آمد. سوسیالیسم با اقیام جراحات جنگ راه شکوفایی اقتصادی را پیمود. در سال ۱۹۱۹ کشور شوراهای که ۱۶ درصد خاک و ۷/۸ جمعیت جهان را در بر میگرفت، نزدیک یک درصد از محصولات جهانی را تولید میکرد، اکنون سیستم جهانی سوسیالیستی که با نژده کشور جهان و ۲۶/۲ درصد خاک و ۳۲/۵ درصد جمعیت جهان را در بر دارد و بیش از ۴۰ درصد فرآورده های جهان را تولید میکند.

در زادگاه اکثریت اقتصاد از رشد موزون و بی

با کلاه مکتبه کنید!
ولفا و دوستان عزیز!
تشریح کار ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) امکان ارتباط همه خوانندگان خود را با تشریح فراهم کرده است. همه سازمان انقلابی می توانند اخبار و اطلاعات و همچنین پیشنه ها و نظرات خود را به آدرس زیر برای تشریح کار ارسال کنند.

اطریش
P.O. Box 10
1091 WIEN
AUSTRIA

**با جمع آوری
کمک های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.**

پیش بسوی جبهه متحد خلق